

مطالعات تربیتی و روانشناسی خاندان‌واره

نشریه انجمن علمی پژوهشی تعلیم و تربیت - سال اول، زمستان ۹۶



بسم الله الرحمن الرحيم

تهیه و تنظیم: معاونت پژوهش جامعه الزهراء علیها السلام

مدیر مسئول: ریحانه حقانی

سرمدبیر: حسین رضائیان بیلندی

مدیر داخلی: خدیجه کمیجانی

ویراستاران: محمدیوسفی، رقیه جاوشی

طراح گرافیک: محمد حسین همدانیان

هیأت تحریریه

ریحانه حقانی: مدرس جامعه المصطفی علیه السلام - گروه فلسفه و کلام

محمدصادق شجاعی: استادیار - جامعه المصطفی علیه السلام - گروه روانشناسی

نجیب الله نوری: استادیار - جامعه المصطفی علیه السلام - گروه مطالعات آموزشی

عباسعلی هراتیان: مدرس جامعه الزهراء علیها السلام - گروه تعلیم و تربیت

حسین رضائیان بیلندی: مدرس جامعه الزهراء علیها السلام - گروه تعلیم و تربیت

سیده زینب رضوانی دیوکلائی: طلبه سطح ۳ تعلیم و تربیت جامعه الزهراء علیها السلام - کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

دانشگاه شهید بهشتی

نشانی: قم، سالاریه، خیابان بوعلی، جامعه الزهراء علیها السلام - تلفن: ۳۲۱۱۲۷۶ - ۰۲۵

آدرس الکترونیکی: anjoman.pajohesh@jz.ac.ir

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

راهنمای تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله باید به زبان اصلی و رسمی نشریه (فارسی) و حجم آن حداکثر ۶۰۰۰ الی ۸۰۰۰ کلمه باشد.
۲. عنوان:
عنوان مقاله باید دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.
۳. مشخصات نویسنده:
شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مشخصات تحصیلی به تفکیک رشته، مقطع و محل تحصیل، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۴. چکیده:
آیینیه تمام‌نما و فشرده بحث است که باید دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو و ماهیت پژوهش، هدف پژوهش، روش تحقیق و اشاره به مهم‌ترین نتایج باشد و در ده سطر یا ۱۵۰ کلمه تنظیم شود.
واژه‌های کلیدی: واژه‌های کلیدی باید حداقل سه واژه و حداکثر پنج واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کند و کار جست و جوی الکترونیکی را آسان می‌سازد، انتخاب شود.
۵. مقدمه:
شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌ها و پیشینه پژوهش باشد.
۶. بدنه اصلی مقاله:
۶-۱. بدنه مقاله شامل متن اصلی و بندهای مجزا بوده، به گونه‌ای که هر بند حاوی یک موضوع مشخص باشد و هر دسته از موضوعات مرتبط در ذیل یک عنوان خاص قرار می‌گیرد.
۶-۲. در ساماندهی بدنه اصلی لازم است به مواردی چون: توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده و تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص، پرداخته شود.
۶-۳. در مواردی که مطلبی بعینه از منبعی نقل می‌شود، ابتدا و انتهای آن مطلب در گیومه «» قرار داده شود.
۷. نتیجه‌گیری:
قریب ۱۰۰-۲۰۰ کلمه و شامل یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌ها با اهداف پژوهش و ارائه راه‌کارها و پیشنهادها.
۸. ارجاعات:
ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، به شیوه استاندارد (APA) باشد و در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، به شکل ذیل آورده شود:
۸-۱. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳).
منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛
مثال: (planting, 1998, p.71).
آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛ مثال: (بقره: ۲۵).
۸-۲. چنانچه نام خانوادگی مؤلف، مشترک باشد باید نام او هم ذکر شود.

- ۳-۸. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
- ۴-۸. چنانچه به دو اثر با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شده است به این صورت به آن دو اشاره شود:
(نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه / نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه)
- ۵-۸. یادداشت‌ها و پانوس‌ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود. (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها، مانند متن مقاله، به روش درون‌متنی (بند ۸) خواهد بود).
۹. فهرست منابع:
- در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:
- ۱-۹. کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار؛ نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/م).
- مثال: مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۳.
- ۲-۹. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، از صفحه تا صفحه.
- مثال: فرامرز قراملکی، احد، «طبقه بندی جریان‌های رازی‌شناسی در ایران و غرب»، آینه میراث، ش ۵۰، بهار و تابستان ۹۱، ص ۲۳۵-۲۵۰.
- ۳-۹. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار؛ نام ناشر، سال نشر.
- مثال: قربان‌نیا، ناصر، «زن و قانون مجازات اسلامی»، مجموعه مقالات زن و خانواده، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۴-۹. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام، عنوان پایان‌نامه، رشته، نام دانشگاه، نام کشور، سال دفاع.
- ۵-۹. منابع الکترونیکی: نام خانوادگی، نام، نام مقاله، نشانی اینترنتی.
۱۰. نقل قول‌های مستقیم، به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی‌متر) از سمت راست درج گردد.
۱۱. عنوان کتاب در متن مقاله، ایتالیک و عنوان مقاله در گیومه «» قرار گیرد.
۱۲. مقاله در الگوی A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط word، و متن مقاله با قلم B Mitra 14 (لاتین TimesNewRoman10) و یادداشت‌ها و کتاب‌نامه B Mitra 12 (لاتین TimesNewRoman10) حروف چینی شود.
۱۳. عناوین تیترا: عناوین با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی، از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی به کار رود.
۱۴. اشکال، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها و نمودارها، باید همراه با متن مقاله، در محل مناسب علامت‌گذاری شده و دارای زیرنویس باشد.
- ارتباط با مدیریت مجله از طریق تلفن ۳۲۱۱۲۴۸۴ و نشانی دفتر انجمن علمی-پژوهشی یا رایانامه anjoman.pajohesh@jz.ac.ir امکان‌پذیر است.

فهرست مطالب:

۷	سخن سردبیر
۱۱	بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی در پیش‌بینی حوزه‌های بریدگی و محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه حسین رضائیان بیلندی
۳۵	نقش خانواده در تربیت انسان از نظر دو عامل ژنتیک و محیط در دوران قبل از تولد و نوزادی از منظر امام صادق (ع) فاطمه صاحبیان و سیده زینب رضوانی
۵۵	بررسی سیره رفتاری پیامبر اکرم (ص) با همسران رویا کاظمی
۶۹	الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری (ع) در ارتباط با همسراری ثریا شاعیدی
۸۹	کاهش جمعیت و تاثیر آن بر روابط انسانی در خانواده و جامعه معصومه موذن
۱۰۵	چکیده پایان‌نامه
۱۰۹	اجزای مقاله
۱۱۳	معرفی کتاب
۱۱۷	معرفی نرم‌افزار
۱۲۱	معرفی انجمن

سخن سردبیر

«و از دیگر نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در بین شما محبت و مهرورزی پراکند. بی شک در این کار [شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی هست برای مردمانی که اهل اندیشه‌اند.» (روم آیه ۲۱)

قلم صنع آفریدگار، آفرینش آدمی را در قاب مهرانگیز زوجیت بر پرده هستی به تصویر کشید و پدر و مادر نخستین ما یعنی آدم و حوا را در سایبان خانواده سکنی داد. از آن تاریخ ساده آغازین، زن و مرد همواره با هم بوده‌اند و همدلی را در همراهی هم آزموده‌اند.

در قرآن کریم و دیگر معارف الهی ما، واژه و مفهوم «خانواده» پیوسته ارجمند و گرانبمایه بوده است و برای مثال در کتاب خدا از ازدواج و شروع شکل‌گیری خانواده با عنوان «میثاق غلیظ» و پیوندی مستحکم و پایدار یاد می‌شود. (نساء: ۲۱) در دیگر آیه‌های وحی، حریم خانواده حریم امنیت، سکونت و پایگاه انس جویی، همدلی، مودت و رحمت معرفی می‌شود (روم: ۲۱) که برای ورود به آن، ادب و آدابی هم‌چون «استیناس» و «استیدان» (نور: ۲۷) لازم است. در آموزه‌های اسلام، خانواده مهم‌ترین پایگاه پاسخ‌گوی نیاز ذاتی و طبیعی انسان، یعنی سکونت و موانست است و مودت و اغماض، کلید سعادت. قرآن، آدمی را به پروا پیشگی در این حریم دعوت می‌کند، او را نسبت به همه اعضای خانواده و بستگان، مسئول و پاسخگو می‌شمارد و در پایان، امید

و اطمینان می‌دهد که خود نگهبان و نگه‌دارنده است. (نساء: ۱) از پیدا و پنهان دیگر آیه‌ها هم می‌توان دریافت که راز و رمزمانایی خانواده، خداپاوری و عبودیت است.

در درس‌ها و پندهای دین زندگی‌آموز و انسان‌ساز اسلام نیز این نهاد، جایگاهی رفیع و قداستی آسمانی دارد که با هیچ کانون دیگری قابل مقایسه نیست. در حدیثی از پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده: «در اسلام بنیادی نهاده نشده است که در نزد خداوند از ازدواج محبوب‌تر باشد».

این سخن، شکوه خانواده را می‌نمایاند و پاسداشت آن را یادآوری می‌کند و آنکه این بنیان ارجمند، شاکله و هستی همه نهادهای نامی و نیکو در اسلام است. راز ماندگاری آن نیز در ارزش‌گذاری بی‌شمار بر پیوند خانوادگی، زمینه‌سازی برای تقویت این پیمان و پیشگیری از فروپاشی آن است. بی‌دلیل هم نیست که بخش عمده و گسترده‌ای از قوانین و توصیه‌های اولیای دین به این موضوع اختصاص یافته و الفبای زیستن و آداب زیبا ساختنش را آورده است. حاصل پژوهش‌های گسترده تربیتی و روان‌شناختی نیز شاهد و راه‌نمای ما به این موضوع است که خانواده از نهادهای اصیل و اصلی و از ساختارهای بنیادینی است که همگام با دیگر ساختارهای جامعه، پله‌های رشد و شکوفایی شخصیت انسان را می‌سازد. این کانون از آغاز، مناسب‌ترین بستر برای تأمین نیازهای جسمی و روان‌شناختی اعضا، بهترین یاور برای پرورش نسلی کارآمد و باورمند به ارزش‌های دینی و اجتماعی و مطلوب‌ترین زمینه برای فراهم‌سازی نیازهای اقتصادی، حقوقی و آرامش‌روانی افراد است. در تاریخ و فرهنگ بسیاری از جوامع مختلف بشری نیز خانواده همواره چونان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، خاستگاه ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بوده است. خانواده به‌لحاظ قدمت، نخستین و از نظر گستردگی، جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است که مأوا و مأمی بی‌مانند برای اعضای خود و غنی‌ترین منبع سرشار از عاطفه، محبت و صمیمیت است.

با همه این اوصاف، در این عصر و به ویژه در سالیان اخیر، به دلیل تحولات فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، علمی و ارزشی، نظام خانواده، گرداب گسترده‌ای از آسیب‌ها را رو در روی خود می‌بیند. این زمانه، تزلزل و سست‌پاوری در بسیاری از سنت‌ها، اخلاقیات، آداب و اعتقاداتی که عامل تقویت، استحکام و تعادل خانواده بود، سلامت خانواده را نه در معرض تهدید و تهی‌دستی، که در کام نابودی کشانده است. تهی شدن جامعه از خانواده‌های اصیل، کارآمد و محبت‌محور

نیز بیش از گذشته به چشم می‌آید. از سوی دیگر، آنها که این نهاد را سدی اساسی در برابر مصادم و خواسته‌های نامشروع خود می‌بینند، با همه‌توان و به شیوه‌های مختلف، برای براندازی آن می‌کوشند. امروزه نظام خانواده دچار چالش‌های اساسی چون بالارفتن سن ازدواج، افزایش پرشتاب آمار طلاق، بروز بی‌در و پیکر اختلاف‌ها و تعارضات خانوادگی، خیانت‌های زناشویی، فرزندان بی‌سرپرست و بزه‌کاری نوجوانان و جوانان شده است.

این در حالی است که مجموعه تعالیم اسلامی درباره خانواده، ما را به نظام و ساختاری سازمان‌یافته رهنمون می‌کند که ریشه در پیشینه‌ای گران‌سنگ از حکمت و دانایی و کارآمدی برای رویارویی با مشکلات خانواده دارد و از کلی‌ترین امور تا ریزترین دغدغه‌ها را شامل می‌شود. شناخت علمی خانواده، شناسایی مسائل و مشکلات آن و شناساندن درمان‌ها، وظیفه همه پاسبانان معرفت و اخلاق و به ویژه سکنداران فرهنگ دینی یعنی عالمان و روحانیون است.

در این راستا، نشریه علمی «مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده» بر آن است تا با ترویج شیوه‌های درست پژوهش، در موضوع نهاد مقدس خانواده، راه را بر ارائه تولیدات فکری پژوهش‌گران ارجمند و دانش‌پژوهان گرامی بگشاید. در این باره همکاری‌ها و راه‌نمایی‌های شما راه‌گشاست.

نقش سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی در پیش‌بینی حوزه‌های بریدگی و محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

حسین رضائیان بیلندی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ویژگی‌های سرشتی و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد و حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه اجرا شد. بدین منظور ۳۹۴ نفر از جامعه طلاب و دانشجویان قم به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و پرسش‌نامه‌های سرشت و منش کلونینجر (TCI-SF)، سبک‌های فرزندپروری (YPI) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF) یانگ را تکمیل کردند. در تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری بریدگی و طرد و ویژگی سرشتی آسیب‌پرهیزی مهم‌ترین پیش‌بین‌های حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه هستند ($P < 0.01$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری حوزه محدودیت‌های مختل، ویژگی‌های سرشتی نوجویی و آسیب‌پرهیزی به صورت معناداری حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کنند ($P < 0.01$). این در حالی بود که ویژگی‌های سرشتی پاداش وابستگی، پشتکار و همچنین دیگر سبک‌های فرزندپروری، پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار نبودند. یافته‌های پژوهش در کل گویای آن است که ویژگی‌های سرشتی و سبک‌های فرزندپروری مربوط به هر حوزه بر شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه تاثیر دارند.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های سرشتی، سبک‌های فرزندپروری، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، مدل طرح‌واره محور یانگ

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مقدمه

تأثیر معنی‌دار عملکرد والدین در خانواده بر شکل‌گیری افکار، رفتار و هیجانات کودکان مدت‌هاست که از سوی روان‌شناسان مورد تأکید قرار گرفته است. (شهامت، ثابتی و رضوانی، ۲۰۱۱) پژوهش‌های وسیعی که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکان انجام شده، نشان می‌دهد رفتارهای نادرست والدین در مدل‌های کارکرد درونی کودکان ذخیره شده، شناخت‌های او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آثار طولانی بر عقاید و افکار، رفتار و عملکرد، انتظارات و شخصیت افراد در آینده دارد. (هریس و سرتین،^۱ ۲۰۰۲؛ گرتز، وان اوز، گولسما،^۲ ۲۰۰۹؛ بوسمنز، بریت و ولبربرگ،^۳ ۲۰۱۰؛ رولوفس، آنکلز و موریس،^۴ ۲۰۱۲) در این میان دانشمندان حوزه شناختی به ساختارهای ذهنی، با نام «طرح‌واره»^۵ اشاره می‌کنند. پیاژه^۶ (۱۹۵۴) معتقد است عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل‌هایی در درون سازمان شناختی کودک به نام طرح‌واره می‌شود. وی طرح‌واره را به صورت قالبی شناختی و بازنمایی انتزاعی از خصوصیات متمایزکننده یک واقعه مطرح کرد و آن را به عنوان «نقشه انتزاعی شناختی» و راهنمای تفسیر اطلاعات در نظر گرفت. آرون. تی بک^۷ (۱۹۶۷) نیز در نظریه خود بر عملکرد طرح‌واره‌های شناختی به عنوان اساسی‌ترین عامل تأکید کرد و به سه لایه مختلف تفکری یعنی افکار سطحی^۸ یا خطای شناختی، افکار واسطه‌ای^۹ و طرح‌واره‌ها یا افکار هسته‌ای^{۱۰} در شکل‌گیری آسیب روانی و نیز اهمیت تغییر آنها در درمان اشاره نمود. (فری، ترجمه جان بزرگی، ۱۳۸۸)

1. Harris A.E. & Curtin. L

2. Geerts E., van Os & Gerlsma C.

3. Bosmans G., Braet C. & Vlierberghe L. V.

4. Roelofs J., Onckels L. & Muris P.

5. Schema

6. Piaget

7. Aaron T. Beck

8. Surface Beliefs

9. Beliefs Intermediate

10. Beliefs Core

در ادامه جفری یانگ^۱ (۲۰۰۳) مکتب‌های شناختی- رفتاری، دلبستگی گشتالت^۲، روابط موضوعی^۳، سازنده‌گرایی^۴ و روان‌تحلیل‌گری^۵ را در قالب یک مدل درمانی و مفهومی تلفیق کرده و معتقد است «طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه»^۶، الگوهای هیجانی خودآسیب‌رسان و ساختارهای شناختی عمیق و پایداری هستند که در دوران کودکی ایجاد و به سراسر زندگی فرد گسترش می‌یابند. (یانگ، کلوکسکو^۷ و ویشار^۸، ۲۰۰۳، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱)

بر اساس مدل طرح‌واره یانگ، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه درون مایه‌ها یا الگوهای فراگیر و عمیقی درباره خود و دیگران هستند که به شدت ناکارآمدند و از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساس‌های بدنی تشکیل شده‌اند. طرح‌واره‌ها به مثابه عدسی‌هایی بر ادراک فرد از جهان، خود و دیگران اثر می‌گذارند. (الفوسفوس^۹، ۲۰۰۹؛ ملمد^{۱۰}، ۲۰۱۲) و ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش شناختی خفیف‌تر و بسیاری از اختلالات مزمن محور یک قرار گیرند. (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱) در مقایسه با سایر آسیب‌پذیری‌های شناختی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، غیرشرطی‌تر و خودآیندتر هستند و توان تولید سطوح بالای عاطفه منفی را دارند، چرا که آنها با موضوعات هسته‌ای زندگی، چون استقلال و صمیمیت، مرتبط‌اند. (اشمیت، جونر، یانگ و تلچ^{۱۱}، ۱۹۹۵)

به اعتقاد یانگ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از ارضاء نشدن نیازهای هیجانی اساسی^{۱۲}

-
1. Young Jeffrey E.
 2. Gestalt
 3. Object relations
 4. Constructivism
 5. Psycho Analysis
 6. Early Maladaptive Schemas
 7. Klosko, Janet
 8. Weishoar, Marjorie E
 9. Alfasfos
 10. Melmed
 11. Schmidt, N. B., Joiner, T. E., Young, J. E., & Telch, M. J
 12. Core emotional needs

دوران کودکی: ۱. دل‌بستگی^۱ ایمن به دیگران ۲. خودگردانی^۲، رقابت، کفایت و هویت ۳. آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم ۴. خودانگیختگی^۳ و تفریح ۵. محدودیت‌های^۴ واقع‌بینانه و خویشتن‌داری^۵ سرچشمه می‌گیرد. یانگ مطابق با این پنج نیاز تحولی و هیجانی، ۱۸ طرح‌واره ناسازگار اولیه را در قالب پنج حوزه کلی و گسترده معرفی کرده است که عبارتند از: ۱. حوزه بریدگی و طرد^۶ ۲. حوزه خودگردانی و عملکرد مختل^۷ ۳. حوزه محدودیت‌های مختل^۸ ۴. حوزه دیگر جهت‌مندی^۹ و ۵. حوزه گوش به زنگی و بازداری بیش از حد^{۱۰} (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱) بر این اساس ریشه تحولی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در تجارب اولیه دوران کودکی است و اغلب آنها نتیجه «تجارب زیانبخش»^{۱۱}ی هستند که فرد در طول دوران کودکی و نوجوانی با آن روبرو بوده است.

پژوهش‌هایی که در زمینه ایجاد طرح‌واره‌ها انجام شده نشان می‌دهد که آنها بیشتر از آنکه نتیجه وقایع تکان دهنده مجزا باشند، احتمالاً به وسیله الگوهای مداوم و تجارب رسمی روزمره با اعضای خانواده و هم‌تایان ایجاد می‌شوند که به نحو فزاینده‌ای طرح‌واره‌ها را ایجاد و تقویت می‌کنند. از مهم‌ترین این الگوهای مداوم و موثر، می‌توان به سبک‌های فرزندپروری والدین اشاره نمود. سبک‌های فرزندپروری ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین با کودک هستند که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می‌آورند. (برک لورا، ۱۲، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۲) بر اساس نظر یانگ تعاملات ناکارآمد والدین پیش‌بین بسیار

-
1. Attachment
 2. Autonomy
 3. Spontaneity
 4. Limits
 5. Self-Isolation
 6. Disconnection and Rejection
 7. Impaired Autonomy and Performance
 8. Impaired Limits
 9. Other-Directedness
 10. Overvigilance/Inhibition
 11. Noxious
 12. Berk Laura

قوی برای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در روابط بین فردی آینده است و بر شکل‌گیری طرح‌واره‌ها تأثیر معناداری دارد. (دیازا، ۲۰۰۵، به نقل از جعفری، بروهون و قمری، ۱۳۹۴)

در حمایت از این دیدگاه، گانتی، جان و بوری^۲ (۲۰۰۸) با بررسی عملکرد والدین شامل سه مولفه مهرورزی، اقتدار و کنترل، دریافتند که عملکرد والدین پیش‌بینی‌کننده معناداری برای برخی حیطه‌های طرح‌واره‌ها (قطع ارتباط / طرد و عملکرد / خودگردانی مختل) می‌باشد. طبق یافته‌های پژوهش موریس^۳ (۲۰۰۶)، رابطه مثبت و معناداری بین طرد و عدم پذیرش والدین با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و رابطه منفی و معناداری بین گرمی و محبت والدین با نمرات بالای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بدست آمد. مطالعه زفیریلی^۴، اوآگیانو^۵ و واسیلیادو^۶ (۲۰۱۴) نیز با استفاده از یک نمونه ۶۳۶ نفری از نوجوانان، نشان داد که بین فراوانی و میزان طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با سبک‌های فرزندپروری ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج حاکی از این بود که چنانچه مادر زمان مناسبی برای مراقبت از کودک فراهم کرده باشد؛ فرزند، کمتر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه انزوای اجتماعی، بی‌اعتمادی، رهاشدگی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، محرومیت هیجانی، ایثار و شکست را تجربه خواهد کرد و از سوی دیگر حمایت‌های افراطی والدین از کودکان نیز همبستگی مثبتی با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، استحقاق، گرفتار، خویشتن‌داری ناکافی و شکست دارد.

همچنین بیرامی و اسمعلی کورانه (۱۳۹۱) پژوهشی به منظور بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در مدل طرح‌واره یانگ انجام دادند. تحلیل نتایج بدست آمده با استفاده از تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک‌های فرزندپروری در حوزه‌های پنج‌گانه طرح‌واره‌ها به غیر از حوزه دیگر جهت‌مندی، پیش‌بین خوبی برای طرح‌واره‌های ناسازگار در دو حوزه بریدگی / طرد و خودگردانی و عملکرد مختل می‌باشند.

-
1. Diaz Y
 2. Gunty, L. & John R. Buri
 3. Muris, P
 4. Zafiropoulou, M.
 5. Avagianou, P.A.
 6. Vassiliadou, S.

مطالعه امیرسرداری و اسمعیلی کوران (۲۰۱۴) نشان داد که سبک‌های فرزندپروری (ریشه‌های تحولی) یانگ پیش‌بینی‌کننده معناداری برای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌باشند. به صورت جزئی‌تر در پژوهش حاجی‌کاظمی، اسمعیلی و فتحی‌آشتیانی (۱۳۹۳)، رابطه منفی و معنادار شیوه فرزندپروری با بُعد غالب محبت و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، نقص، انزوای اجتماعی، وابستگی، اطاعت، بازداری هیجانی، خودتحوّل نیافته، معیارهای سرسختانه و خویشتن‌داری و خودانضباطی ناکافی و همچنین رابطه مثبت و معنادار شیوه‌های فرزندپروری با بُعد غالب کنترل با طرح‌واره‌های ناسازگار محرومیت هیجانی، نقص، اطاعت، ایثار و بی‌اعتمادی به دست آمد.

یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های سرشتی هیجانی یا همان خلق و خواست. (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱) سرشت به عنوان یک سازه کلی به دامنه گسترده‌ای از صفات روانی که ریشه زیستی دارد، اشاره می‌کند. (بزدخواستی و هاریزوکا، ۲۰۰۶). در واقع ویژگی‌های سرشتی به ویژگی‌های ذاتی گفته می‌شود که در افراد مختلف از لحاظ هیجان، ویژگی حرکتی، خودتنظیمی و توجه متفاوت است و به طور متوسط با بهنجاری در دوره‌های بعدی رابطه دارد. (حشمتی، بزدخواستی و مولوی، ۱۳۹۱) به نظر می‌رسد شکل‌گیری طرح‌واره‌ها نیز در دوران کودکی با ترکیبی از نظم ژنتیکی و عوامل زیست‌شناختی در ارتباط است. (نوردال، هولت و هاگام، ۲۰۰۵) بر همین اساس در تئوری بک نیز طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نتیجه تداخل بین خلق و خوی فطری کودک و تجارب بد عملکردی با والدین و هم‌تایان در طول چند ساله اول زندگی عنوان شده است. (تورس، ۲۰۰۲، یانگ (۲۰۰۳) نیز معتقد است ویژگی‌های سرشتی متفاوت، کودکان را در معرض شرایط گوناگونی قرار می‌دهد و این مسئله موجب شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مختلف در هر فرد می‌شود. چرا که کودکان ممکن است به دلیل ابعاد سرشتی متفاوت، در مقابل رفتار مشابه والدین خود، واکنش‌های کاملاً متفاوتی نشان دهند و در مقابل شرایط زندگی یکسان، به طور متفاوتی آسیب‌پذیر گردند. (صلواتی و بیکه‌یزدان‌دوست، ۱۳۸۹)

1. Nordahl, Holthe, Haugum
2. Torres

از دیدگاه یانگ برخی از ابعاد سرشتی که تا حدودی غیرقابل تغییر هستند عبارتند از: پایدار^{۱/} بی‌ثبات^۲، خوشبین^۳ / افسرده‌خو^۴ و خونسرد^۵ / مضطرب^۶. (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) در ادامه کلونینجر^۷ در مدل عصبی-زیستی خود که جنبه‌های ژنوتایپی شخصیت را بررسی می‌کند و شامل چهار بعد سرشتی آسیب‌پرهیزی^۸ (HA)، نوجویی^۹ (NS)، پاداش وابستگی^{۱۰} (RD) و پشتکار^{۱۱} (PS) و سه بعد منشی خودهدایتی^{۱۲} (SD)، همکاری^{۱۳} (C) و خودفراروی^{۱۴} (ST) می‌شود. (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷، ۱۶)؛ معتقد است که تفاوت‌های فردی در ابعاد سرشتی، شکل‌دهنده فرآیند پردازش اطلاعات حسی و مولفه‌های یادگیری‌های نخستین (از جمله طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه) می‌باشد. در مدل کلونینجر نوجویی مرتبط با تحریک‌جویی، افراط، تکانش‌گری و بی‌نظمی است؛ آسیب‌پرهیزی اشاره به خصوصیات مانده نگرانی، ترس از عدم قطعیت، شرم و خجالت و فرسودگی دارد؛ پاداش وابستگی بیانگر وابستگی گرم و اجتماعی، اندوه جدایی، ابراز همدردی و حساسیت اجتماعی است و پشتکار نشان‌دهنده تلاش در پاسخ به نشانه‌های پاداش احتمالی در مقابل تنبلی و سخت‌کوشی می‌باشد. (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱؛ آدان، گرابولوسا، ساسی و ناتالی، ۲۰۰۹، ۱۷)

1. Nonreactive
2. Labile
3. Optimistic
4. Dysthymic
5. Calm
6. Anxious
7. Cloninger CR
8. Harm Avoidance
9. Novelty Seeking
10. Reward Dependence
11. Persistence
12. Self Directedness
13. Cooperativeness
14. Self Transference
15. Sadock BJ.
16. Sadock VA
17. Adan, Grabulosa, Caci & Natale

به نقل از علی محمدی، شیبانی نوقابی و زاهدی تجربی، (۱۳۹۱) در این رابطه پژوهش رضائیان بیلندی، منیرپور و حسن آبادی (۱۳۹۵) نیز رابطه بین ویژگی‌های سرشتی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را تایید کرد و نشان داد که خلق و خو به صورت مستقیم و معنادار طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به تبیین نظری یانگ از ریشه تحولی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و حمایت‌های پژوهشی متعدد از آن مبنی بر نقش ویژگی‌های سرشتی و سبک‌های فرزندپروری در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تاکنون پژوهش‌های اندکی به بررسی همزمان نقش سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی در پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه پرداخته‌اند و مطالعه بومی که نقش این عوامل را به صورت جزئی در پیش‌بینی حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بررسی کرده باشد، یافت نشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ویژگی‌های سرشتی و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد و حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و همچنین تعیین سهم نسبی هر یک از این عوامل است.

بر این اساس فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱. سبک فرزندپروری بریدگی و طرد، حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند.
۲. ویژگی‌های سرشتی، حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند.
۳. سبک فرزندپروری محدودیت مختل، حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند.
۴. ویژگی‌های سرشتی، حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: پژوهش حاضر جزء تحقیقات مقطعی-توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش سبک‌های فرزندپروری (بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی و بازداری) و ویژگی‌های

سرشتی (نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش‌وابستگی و پشتکار) به عنوان متغیر پیش‌بین و حوزه بریدگی و طرد و حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به عنوان متغیر ملاک بود. جامعه آماری پژوهش همه دانشجویان مرد دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه سراسری قم و طلاب مرد حوزه علمیه قم در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بودند که از میان آنها ۳۹۴ نفر با در نظر گرفتن محل تحصیل (۳۱۸ طلبه و ۷۵ دانشجو) و سطح تحصیلات (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای^۱ انتخاب و از آنها خواسته شد تا به ابزارهای پژوهش پاسخ دهند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

ابزار سنجش:

۱- فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF)^۲: یانگ در سال ۱۹۹۸ فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را برای اندازه‌گیری ۱۵ طرح‌واره ناسازگار اولیه تهیه کرد که از ۷۵ گویه دارای بیشترین بار عاملی در فرم بلند ۲۰۵ سوالی اولیه تشکیل شده است. (شایقیان، آگیلاروفایی و رسول‌زاده طباطبائی، ۱۳۹۰) این ابزار خود توصیفی، دارای پاسخ‌های ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط=۱، تقریباً غلط=۲، بیشتر درست تا غلط=۳، اندکی درست=۴، تقریباً درست=۵ و کاملاً درست=۶) است و طرح‌واره‌ها را در قالب ۵ حوزه می‌سنجد. درباره ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه بررسی‌های متعددی انجام شده است. از جمله در پژوهش والر^۳، دیکسون^۴ و آنین^۵ (۲۰۰۲) ثبات درونی محاسبه شده برای عوامل پرسش‌نامه از ۰/۶۵ تا ۰/۹۰ گزارش شد و در پژوهش بارانف^۶ و اویی^۷ (۲۰۰۷) نیز ساختار عاملی و روایی سازه آن مورد تأیید قرار گرفت. در ایران در پژوهشی که توسط آهی، محمدی‌فرو و بشارت (۱۳۸۶) به منظور بررسی روایی

1. Stratified random sampling
2. Young schema questionnaire – short form.
3. Waller, G.
4. Dickson, C.
5. Ohanian, V.
6. Baranoff, J.
7. Oei, T.P.

و اعتبار فرم کوتاه در دانشجویان انجام شد، نتایج نشان داد که اعتبار پرسش‌نامه به دو شیوه همسانی درونی آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود. در پژوهش حاضر برای این پرسش‌نامه، ضریب آلفای ۰/۹۴ به دست آمد. یک نمونه از گویه‌های این ابزار عبارت است از: اغلب، کسی را نداشته‌ام که از من حمایت کند، حرف‌هایش را به من بزند و عمیقاً نگران اتفاقاتی باشد که برایم می‌افتد.

۲- پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری یانگ^۱ (YPI): یانگ (۱۹۹۴) پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری را که یک ابزار خودتوصیفی با ۷۲ گویه است برای شناسایی ریشه‌های دوران کودکی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه طراحی کرده است. در این پرسش‌نامه پاسخ‌دهندگان، پدر و مادر خود را به طور جداگانه، براساس نوع رفتاری که در کودکی با وی داشته‌اند، در یک مقیاس شش درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کنند. خصیصه‌های روان‌سنجی اولیه پس از تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ آن را در دامنه ۰/۹۱ تا ۰/۷ نشان داد. همچنین نتایج بازآزمایی بیانگر اعتبار بالا بود و اعتبار سازه در حد قابل قبولی گزارش شد. (یانگ و براون، ۱۹۹۴) در ایران یکه‌بزدان دوست، صلواتی و عاطف‌وحید با استفاده از روش دو نیمه‌سازی، برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸۰ و برای فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ را گزارش کرده‌اند. (صلواتی و همکاران، ۱۳۸۹) در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برای فرم پدر و ضریب آلفای ۰/۸۸ برای فرم مادر به دست آمد. یک نمونه از گویه‌های این ابزار عبارت است از: عاشقانه مرا دوست داشت و با من مانند یک فرد خاص رفتار می‌کرد.

۳- فرم کوتاه پرسش‌نامه سرشت و منش کلونینجر^۲: (TCI-SF): کلونینجر به کمک همکارانش (پرایزبک^۳، سوراکیک^۴ و وتزل^۵) در سال ۱۹۹۴ پرسش‌نامه سرشت و منش را برای سنجش چهار بعد سرشتی (آسیب‌پرهیزی، نوجویی، پاداش وابستگی و پشتکار) شخصیت و نیز سه بعد منش (خودهدایتی، همکاری و خودفراروی) ارائه کرد. این پرسش‌نامه خودتوصیفی دارای ۱۲۵ سوال است و آزمودنی به صورت بلی یا خیر به سوال‌های آن که درباره علائق، نگرش‌ها واکنش‌های

1. Young Parenting Inventory
2. Temperament and Character Inventory - Short Form (TCI-SF)
3. Przybeck TR
4. Svrakic DM,
5. Wetzel R

هیجانی، اهداف و ارزش‌های افراد می‌باشد، پاسخ می‌دهد. (کاویانی، ۱۳۸۸) ضرایب همسانی درونی پرسش‌نامه در نمونه اصلی برای ابعاد سرشتی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۷، ۰/۷۶ و ۰/۶۵ و برای ابعاد منشی نیز به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۹ و ۰/۸۴ گزارش شد. (کلونینجرو همکاران، ۱۹۹۴) نتیجه اعتباریابی کاویانی و پورناصح (۱۳۸۴) در ایران حاکی از پایایی و روایی مطلوب آزمون در جمعیت غیربالینی بود و ضرایب پایایی با آزمای‌های خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه در دامنه ۰/۷۳ (برای وابستگی به پاداش) تا ۰/۹ (برای خودراهبری) و آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها بین دامنه ۰/۶۶ (برای خودراهبری) تا ۰/۹۰ (برای پشتکار) محاسبه گردید. همچنین کتابی، ماهر و برجعلی (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ سه خرده‌مقیاس نوجویی، آسیب‌پرهیزی و وابستگی به پاداش را در یک نمونه ۳۰۰ نفری ایرانی به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۸۵ و ۰/۶۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر بعد سرشت این پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفت و ضریب آلفای ۰/۷۸ به دست آمد. یک نمونه از گویه‌های این ابزار عبارت است از: غالباً چیزهای جدید را فقط به منظور سرگرمی و هیجان انتخاب می‌کنم، حتی اگر اکثر مردم فکر کنند که این کار، وقت تلف کردن است.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها:

برای اجرای پژوهش ابتدا جامعه مورد نظر به دو گروه کلی دانشجوی و طلبه تقسیم گردید و سپس از نظر سطح تحصیلات در سه دسته ناهمپوش (کاردانی / سطح یک حوزه، کارشناسی / سطح دو حوزه، کارشناسی ارشد / سطح سه حوزه) طبقه‌بندی شدند. پس از تقسیم واحدهای نمونه‌برداری به طبقه‌های مختلف، گام بعدی این بود که برای هر طبقه یک نمونه تصادفی ساده به دست آید و در گزینش مقدار گروه نمونه، اهمیت فراوانی نسبی هر طبقه مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس با مراجعه به هر یک از مراکز علمی مذکور، به صورت تصادفی از کلاس‌های رشته‌های گوناگون و مقاطع مختلف تحصیلی، تعداد مورد نظر انتخاب و افراد انتخابی با رعایت اصول علمی و ارائه توضیحات لازم، به تکمیل دفترچه حاوی سه پرسش‌نامه اقدام نمودند. تکمیل پرسش‌نامه‌ها به طور میانگین ۳۰ الی ۴۰ دقیقه طول کشید و برای حذف اثر خستگی ترتیب ارائه ابزار متغیر بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه بیست و یکم نرم‌افزار بسته آماری علوم اجتماعی (SPSS) انجام شد.

یافته‌ها:

نمونه مورد بررسی شامل ۳۹۴ نفر (۳۱۹ طلبه و ۷۵ دانشجو) آزمودنی بود که در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار داشتند. میانگین سنی آزمودنی‌ها ۲۸/۸۶ با انحراف معیار ۴/۳۶ به دست آمد. از نظر تحصیلات، ۵۳ نفر دانشجوی فوق دیپلم و یا طلبه سطح یک حوزه، ۱۸۹ نفر کارشناسی و یا سطح دو حوزه و ۱۵۲ نفر کارشناسی ارشد و یا سطح سه حوزه بودند. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری، ویژگی‌های سرشتی، حوزه بریدگی و طرد و حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

	میانگین	انحراف استاندارد	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11
۱- حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار	۵۵/۶۷	۱۸/۲۷	۱/۰۰										
۲- حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار	۳۰/۶۳	۸/۷۱	۰/۵۱**	۱/۰۰									
۳- سبک فرزندپروری بریدگی و طرد	۳۰/۰۲	۷/۹۳	۰/۴۳**	۰/۲۴**	۱/۰۰								
۴- سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل	۴۰/۵۳	۸/۰۷	۰/۳۷**	۰/۳۱**	۰/۳۱**	۱/۰۰							
۵- سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل	۱۸/۵۴	۶/۰۱	۰/۳۴**	۰/۳۴**	۰/۴۳**	۰/۵۲	۱/۰۰						
۶- سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی	۳۳/۵۶	۷/۵۳	۰/۲۸**	۰/۲۰**	۰/۲۰**	۰/۴۸**	۰/۵۴**	۱/۰۰					
۷- سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداري	۵۸/۸۱	۱۲/۶۶	۰/۳۵**	۰/۲۹**	۰/۳۶**	۰/۵۲**	۰/۵۸**	۰/۶۴**	۱/۰۰				
۸- نوجویی (NS)	۷/۹۳	۲/۹۶	۰/۲۲**	۰/۳۱**	۰/۲۰**	۰/۱۶**	۰/۲۱**	۰/۱۱*	۱/۰۰				
۹- آسیب‌پذیری (HA)	۸/۱۶	۴/۳۳	۰/۳۷**	۰/۲۶**	۰/۱۷**	۰/۱۳**	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۶	۱/۰۰			
۱۰- یاداش و استسگی (RD)	۸/۶۲	۲/۰۷	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۱۹**	۱/۰۰		
۱۱- پشتکار (PE)	۲/۶۳	۱/۴۷	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۱*	۰/۰۵	۰/۱۳**	۰/۰۹	۰/۲۱**	۰/۰۷	۱/۰۰	

** p < ۰/۰۱ * p < ۰/۰۵

جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین سطح مربوط به طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی و طرد، سبک‌های فرزندپروری در حوزه گوش به زنگی و بازداری، ویژگی‌های سرشتی در ویژگی سرشتی پاداش وابستگی می‌باشد. طبق ماتریس همبستگی تمام سبک‌های فرزندپروری، ویژگی سرشتی نوجویی و ویژگی سرشتی آسیب‌پرهیزی با حوزه بریدگی و طرد و حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ارتباط مثبت و معناداری دارند. به منظور بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی در پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج در جداول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان مربوط به پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار از طریق سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی

شاخص الگو	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	خطای استاندارد برآورد
رگرسیون	۴۸۱۱۲/۹۹۶	۹	۵۳۴۵/۸۸۸	۲۴/۶۸۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۰۵	۱۴/۷۱۶۲۲
باقیمانده	۸۳۱۶۱/۷۶۸	۳۸۴	۲۱۶/۵۶۷				

جدول ۳: شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

شاخص متغیر	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۲/۷۸۱	۵/۷۱۳		-۰/۴۸۷	۰/۶۲۷
سبک فرزندپروری بریدگی و طرد	۰/۵۷۴	۰/۱۰۸	۰/۲۴۹	۵/۳۲۶	۰/۰۰۰
سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۲۴۱	۰/۱۱۸	۰/۱۰۶	۲/۰۳۶	۰/۰۴۲
سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل	۰/۱۲۱	۰/۱۷۴	۰/۰۴۳	۰/۷۵۳	۰/۴۵۲
سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی	۰/۱۰۷	۰/۱۳۹	۰/۰۴۴	۰/۷۶۹	۰/۴۴۲
سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری	۰/۱۴۷	۰/۰۸۷	۰/۱۰۲	۱/۶۹۸	۰/۰۹۰
نوجویی (NS)	۰/۹۵۷	۰/۲۶۹	۰/۱۵۵	۳/۵۶۱	۰/۰۰۰
آسیب‌پرهیزی (HA)	۱/۳۴۵	۰/۱۸۴	۰/۳۱۱	۷/۳۱۶	۰/۰۰۰
پاداش وابستگی (RD)	-۰/۷۰۱	۰/۳۶۹	-۰/۰۸۰	-۱/۸۹۹	۰/۰۵۸
پشتکار (PE)	۱/۶۱۸	۰/۵۴۰	۰/۱۲۱	۲/۹۹۸	۰/۰۰۳

اطلاعات مربوط به تحلیل رگرسیون همزمان به منظور پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از طریق سبک‌های فرزند‌پروری و ویژگی‌های سرشتی در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی سبک‌های فرزند‌پروری و ویژگی‌های سرشتی با حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه برابر با ۰/۶۰۵ است که این متغیرها ۰/۳۶۷ از واریانس حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را تبیین می‌کنند. این رابطه خطی با مقدار ۲۴۴/۶۸۵ و در سطح ۰/۰۰۱ = P معنادار است.

همچنین نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بین، سبک فرزند‌پروری بریدگی و طرد (۰/۲۴۹ = P، $B = 0.10$) و سبک فرزند‌پروری خودگردانی و عملکرد مختل (۰/۱۰۶ = P، $B = 0.05$) و همچنین ویژگی‌های سرشتی نوجویی (۰/۱۵۵ = B)، آسیب‌پرهیزی (۰/۳۱۱ = B) و پشتکار (۰/۱۳۱ = B) به صورت مثبت ($P > 0.1$) و ویژگی سرشتی پاداش وابستگی (۰/۰۸۰ = B) به صورت منفی ($P > 0.05$) توانسته‌اند حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی نمایند. بر این اساس سبک‌های فرزند‌پروری بریدگی و طرد و خودگردانی و عملکرد مختل و همچنین همه ویژگی‌های سرشتی پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در مدل یانگ می‌باشند. به منظور بررسی نقش سبک‌های فرزند‌پروری و ویژگی‌های سرشتی در پیش‌بینی حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نیز از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج در جداول زیر ارائه شده است:

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان مربوط به پیش‌بینی حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار از طریق سبک‌های فرزند‌پروری و ویژگی‌های سرشتی

شاخص الگو	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	خطای برآورد
رگرسیون	۷۶۸۲/۸۸۰	۹	۸۵۳/۶۵۳	۱۴/۷۹۶	۰/۰۰۰۱	۰/۵۰۷	۷/۵۹۵۷۰
باقیمانده	۲۲۱۵۴/۷۵۷	۳۸۴	۵۷/۶۹۵				

جدول ۵: شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به محدودیت‌های مختل

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

شاخص متغیر	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۹/۳۳۹	۲/۹۴۹		۳/۱۶۷	۰/۰۰۲
سبک فرزندپروری بریدگی و طرد	۰/۰۲۳	۰/۰۵۶	۰/۰۲۱	۰/۴۱۸	۰/۶۷۶
سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۱۰۴	۰/۰۶۱	۰/۰۹۶	۱/۷۰۴	۰/۰۸۹
سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل	۰/۲۵۳	۰/۰۹۰	۰/۱۷۴	۲/۸۱۲	۰/۰۰۵
سبک فرزندپروری دیگر جهت مندی	-۰/۰۷۶	۰/۰۷۲	-۰/۰۶۶	-۱/۰۶۳	۰/۲۸۸
سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری	۰/۰۸۴	۰/۰۴۵	۰/۱۲۲	۱/۸۷۹	۰/۰۶۱
نوجویی (NS)	۰/۷۶۷	۰/۱۳۹	۰/۲۶۱	۵/۵۲۷	۰/۰۰۰
آسیب پرهیزی (HA)	۰/۴۵۶	۰/۰۹۵	۰/۲۲۲	۴/۸۰۶	۰/۰۰۰
پاداش وابستگی (RD)	-۰/۱۹۹	۰/۱۹۰	۰/۰۴۷	-۱/۰۴۴	۰/۲۹۷
پشتکار (PE)	۰/۴۶۶	۰/۲۷۹	۰/۰۷۹	۱/۶۷۳	۰/۰۹۵

اطلاعات مربوط به تحلیل رگرسیون هم‌زمان به منظور پیش‌بینی حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از طریق سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی در جداول ۴ و ۵ ارائه شده است. ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی با حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه برابر با $۰/۵۰۷$ است که متغیرها $۰/۲۵۷$ از واریانس حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را تبیین می‌کنند. این رابطه خطی با مقدار $۱۴۴/۷۹۶ = P$ و در سطح $P/۰۰۰۱ = P$ معنادار است.

همچنین نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که طبق انتظار از بین متغیرهای پیش‌بین، فقط سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل ($B/۱۷۴ = ۰$) و ویژگی‌های سرشتی نوجویی ($B/۲۶۱ = ۰$) و آسیب پرهیزی ($B/۲۲۱ = ۰$) به صورت مثبت می‌توانند حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی کنند ($P > ۰/۰۱$) و بقیه متغیرهای پیش‌بین تاثیر معناداری ندارند. بر این اساس سبک‌های فرزندپروری در حوزه محدودیت‌های مختل و ویژگی‌های سرشتی نوجویی و آسیب پرهیزی پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در مدل یانگ می‌باشند.

با توجه به تحلیل داده‌ها فرضیه اول پژوهش برای پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های

ناسازگار اولیه بر اساس سبک فرزندپروری بریدگی و طرد، فرضیه دوم برای پیش بینی حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر اساس ویژگی‌های سرشتی، فرضیه سوم پیش‌بینی‌کنندگی سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل و فرضیه چهارم پیش‌بینی‌کنندگی ویژگی‌های سرشتی برای حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه تایید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی در پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد و حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار بود که با توجه به مدل طرح‌واره محور یانگ انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که همه پنج حوزه سبک‌های فرزندپروری و دو ویژگی سرشتی نوجویی و آسیب‌پرهیزی با حوزه بریدگی و طرد و حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رابطه همبستگی مثبت و معناداری دارند. این یافته با نتایج به دست آمده در پژوهش‌های متعدد از جمله مطالعات هریس و سرتین (۲۰۰۲)، بارانف و همکاران (۲۰۰۷)، گانتی و همکاران (۲۰۰۸)، رایت و همکاران (۲۰۰۹)، زفیریلی و همکاران (۲۰۱۴) و شهامت و همکاران (۱۳۸۹)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۱)، احمدی و قریشی‌راد (۱۳۹۲)، حاجی‌کاظمی و همکاران (۱۳۹۳) و رستمی، سعادت‌ی و قزلسفلو (۱۳۹۴) همسو و هماهنگ است.

نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری بریدگی و طرد و سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل، حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کنند. این نتیجه در راستای نظریه یانگ و هماهنگ با پژوهش‌هایی است که بیان کرده‌اند سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده معناداری برای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه است. در همین راستا پژوهش جلالی، سروقد و سامانی (۱۳۹۱) تأیید کرد که طرح‌واره رهاشدگی/بی‌ثباتی از حوزه بریدگی و طرد بالاترین میزان همبستگی منفی را با مؤلفه‌های فرایند خانواده شامل انسجام و احترام، مهارت ارتباطی، مهارت مقابله دارد. یافته پژوهش رستمی و همکاران (۱۳۹۴) نیز حاکی از این بود که بین سبک‌های فرزندپروری همراه با آزار جنسی، آزار عاطفی و غفلت با طرح‌واره‌های رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی و نقص/شرم از حوزه بریدگی و طرد رابطه مثبت و معنی‌داری وجود

دارد. در تبیین نتایج مطالعات فوق و مطالعه حاضر می‌توان گفت که در ارتباط با خاستگاه طرح‌واره‌ها فرض بر این است که پنج نیاز اساسی کودک باید ارضا شود تا فرد رشد سالم داشته باشد. اگر در سبک فرزندپروری والدین هر یک از این نیازها به خوبی برآورده نشود، متناسب با عدم ارضا، کودک مستعد ایجاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در یک یا چند حوزه می‌شود. بر این اساس خانواده‌هایی که معمولاً پرتنش، دارای پیوندهای والدینی ضعیف و بی‌ثبات هستند و از لحاظ عاطفی محروم‌کننده، تحقیرکننده، سرد و بی‌عاطفه، طرد کننده، انفجاری، بدرفتار و رها کننده رفتار می‌کنند، نمی‌توانند نیازهای حوزه بریدگی و طرد کودکان مانند نیاز به دل‌بستگی ایمن، امنیت، ثبات، محبت و پذیرش را به طور قابل پیش‌بینی برآورده نمایند و در نتیجه زمینه گسترش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی و طرد را فراهم می‌آورند.

در رابطه با نقش سبک فرزندپروری حوزه خودگردانی و عملکرد مختل در پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار نیز می‌توان گفت در خانواده‌هایی که والدین با الگوی تربیتی خود اعتماد به نفس کودکان را کاهش داده، از کودک بیش از حد محافظت می‌کنند و اجازه استقلال و مسئولیت‌پذیری را به فرزند خود نمی‌دهند و احساس درماندگی و شرمندگی را به کودک القا می‌کنند؛ در این صورت به طور طبیعی نیاز به خودگردانی، کفایت و هویت کودکان ارضا نمی‌شود و فرد احساس می‌کند نمی‌تواند مسئولیت‌های روزمره خود را بدون کمک دیگران در حد قابل قبولی انجام دهد. در حقیقت این افراد در بزرگ‌سالی نمی‌توانند هویتی جدا از والدین برای خود متصور شوند، لذا احساس پوچی و سردرگمی و بی‌کفایتی می‌کنند و احساس می‌کنند که فردی شکست خورده‌اند. بنابراین این ویژگی‌ها علاوه بر اینکه این افراد را مستعد شکل‌گیری طرح‌واره‌های حوزه خودگردانی مختل نظیر وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و خود تحول نیافته / گرفتار می‌کند، همچنین می‌تواند با توجه به شباهت برخی از طرح‌واره‌های این دو حوزه با یکدیگر از یک سو و عدم تمایز بین سبک‌های فرزندپروری و استفاده از الگوهای تربیتی متفاوت در خانواده‌های ایرانی از سوی دیگر، زمینه بروز برخی از طرح‌واره‌های ناسازگار حوزه بریدگی و طرد همچون نقص / شرم، انزوای اجتماعی و رهاشدگی / بی‌ثباتی را فراهم نماید. این نتیجه با پژوهش بیرامی و همکاران (۱۳۹۱) که با استفاده از تحلیل رگرسیون نشان داد سبک‌های فرزندپروری در حوزه‌های پنج‌گانه طرح‌واره‌ها به غیر از حوزه دیگر جهت‌مندی،

پیش‌بین خوبی برای طرح‌واره‌های ناسازگار در دو حوزه بریدگی / طرد و خودگردانی و عملکرد مختل هستند، همسو و هماهنگ است.

نتایج این مطالعه بیانگر آن است که طبق انتظار سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل، به خوبی حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه نیز در راستای نظریه یانگ و همسو با نتایج مطالعات مذکور است. در تبیین این یافته می‌توان گفت طرح‌واره‌های حوزه محدودیت‌های مختل، نمایانگر نقص در مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران یا جهت‌گیری نسبت به اهداف بلندمدت زندگی است. افرادی که طرح‌واره‌هایشان در این حوزه قرار دارد، محدودیت‌های درونی آنها در خصوص احترام متقابل و خویش‌داری به اندازه کافی رشد نکرده است. این افراد ممکن است در خصوص احترام به حقوق دیگران، همکاری کردن، متعهد بودن یا دستیابی به اهداف بلندمدت مشکل داشته باشند و اغلب خودخواه، لوس، بی‌مسئولیت یا خودشیفته به نظر می‌رسند. آنها معمولاً در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که والدین در سبک فرزندپروری خود خیلی سهل‌گیر و بیش از حد مهربان رفتار کرده‌اند. افراد دارای طرح‌واره‌های این حوزه در دوران کودکی نیازی نداشته‌اند از قوانینی پیروی کنند که دیگران از آن قوانین تبعیت می‌کردند. آنها در دوران کودکی ملاحظه دیگران را نمی‌کردند و خویش‌دار نبوده‌اند. بنابراین در بزرگسالی نیز با ایجاد طرح‌واره استحقاق/بزرگ‌منشی، خود را از دیگران بالاتر می‌دانند و برای خود حقوق و امتیازات خاصی قائل‌اند و همچنین با خویش‌داری و خود-انضباطی ناکافی نمی‌توانند ابراز هیجانات و تکانه‌های خود را کنترل نمایند.

در پژوهش حاضر رابطه مثبت و معنادار بین ویژگی‌های سرشتی و دو حوزه بریدگی و طرد و محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه تأیید شد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که ویژگی‌های سرشتی نوجویی، آسیب‌پرهیزی و پشتکار به صورت مثبت و ویژگی سرشتی پاداش وابستگی به صورت منفی حوزه بریدگی و طرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین نتایج حاکی از این بود که دو ویژگی سرشتی نوجویی و آسیب‌پرهیزی توان پیش‌بینی حوزه محدودیت‌های مختل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را به صورت مثبت و معنادار دارند. هر چند پژوهش همسو و یا ناهمسو با این نتیجه یافت نشد، اما این یافته نیز در راستای نظریه یانگ است که معتقد است یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه،

ویژگی‌های سرشتی هیجانی کودک می‌باشد. در این باره می‌توان به این مطلب اشاره کرد که ویژگی‌های سرشتی هیجانی مانند نوجویی، آسیب‌پرهیزی، بدبینی، اضطراب و بی‌ثباتی که اکثر آنها مادرزادی‌اند و نسبتاً غیرقابل تغییر، می‌توانند به گونه‌ای انتخابی کودکان را در معرض شرایط خاصی قرار داده و منجر به واکنش‌های آسیب‌پذیر در مقابل رفتار والدین گردند. تداوم این وضعیت به تدریج ممکن است زمینه شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در هر یک از حوزه‌های پنج‌گانه را فراهم نماید.

نتایج پژوهش حاضر علاوه بر این که در توسعه دیدگاه یانگ درباره ریشه‌های تحولی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه قابل استفاده است، می‌تواند در جهت اصلاح و پیشرفت رویکرد طرح‌واره درمانی به درمانگران کمک نماید. همچنین می‌توان با تأکید بر اصلاح الگوهای فرزندپروری والدین در جهت پیشگیری و کاهش عوامل زمینه‌ساز طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، از نتایج این پژوهش در تدوین برنامه‌های آموزشی برای والدین استفاده کرد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نوع نمونه که فقط دانشجو و طلاب مرد بودند اشاره نمود. بنابراین لازم است در تعمیم نتایج به زنان و غیردانشجویان و طلاب، جوانب احتیاط رعایت شود.

فهرست منابع

۱. آهی، قاسم؛ محمدی فر، محمدعلی؛ بشارت، محمدعلی. پایایی و اعتبار فرم کوتاه پرسش نامه طرح‌واره‌های یانگ. *روانشناسی و علوم تربیتی*. سال سی و هفتم. شماره ۳: ۵-۲۰، ۱۳۸۶.
۲. احمدی، نسرین؛ قریشی راد، فخرالسادات، بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار و سبک‌های فرزندپروری در افراد دارای رگه‌های اختلالات شخصیت دسته ب. *روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*. دوره ۲۱. شماره ۱۰: ۸۷-۹۸، ۱۳۹۳.
۳. ایرانی، جلال؛ سروقد، سیروس؛ سامانی، سیامک، نقش واسطه‌های روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با فرایند و محتوای خانواده و شیوه‌های مقابله با تعارض. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، سال نهم. شماره ۳۳: ۸۳-۹۲، ۱۳۹۱.
۴. برک، لورا، *روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. ج اول، چاپ بیست و چهارم. تهران. ارسباران، ۱۳۹۲.
۵. بیرامی، منصور؛ اسمعیلی کورانه، احمد، بررسی رابطه بین ریشه‌های تحولی (شیوه‌های فرزندپروری) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی- طرد، خودگردانی و عملکرد مختل در مدل طرح‌واره یانگ. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*. سال هفتم. شماره ۲۸: ۷۱-۸۸، ۱۳۹۱.
۶. جعفری، اصغر؛ برهون، مهری؛ قمری، محمد، رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با خودهای ممکن در دانشجویان. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*. ۱۱۳(۱): ۲۹-۴۰، ۱۳۹۴.
۷. حاجی کاظمی تهرانی، مریم؛ اسمعیلی، معصومه؛ فتحی‌آشتیانی، علی، رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده با طرح و راه‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی. *روانشناسی و دین*. سال هفتم. شماره ۲۷: ۹۳-۱۰۸، ۱۳۹۳.
۸. حشمتی، اعظم؛ یزدخواستی، فریبا؛ مولوی، حسین، تعیین رابطه بین سرشت و درک پذیرش و طرد پدر با رفتار پرخاشگرانه دو گروه دانش‌آموزان شنا و ناشنوا در شهر اصفهان. *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*. سال اول، شماره ۱: ۲۷-۴۲، ۱۳۹۱.
۹. خدابخش، روشنگر؛ یزدی، سیده منور؛ عباسیان، محبوبه، بررسی طرح‌واره‌های ناسازگار نوجوانان بزهکار و عادی با سبک دل‌بستگی والدینشان. *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*. سال هشتم. شماره ۲۵: ۹۵-۱۱۰، ۱۳۹۲.
۱۰. رستمی، مهدی؛ سعادت، نادره؛ قزلسفلو، مهدی، رابطه بین تجربه‌ی آزار دیدگی در کودکی با شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *مجله اصول بهداشت روانی*. دوره ۱۷. شماره ۶: ۲۶۹-۲۷۷، ۱۳۹۴.
۱۱. رضائیان بیلندی، حسین؛ منیریور، نادر؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا، ارائه مدل ساختاری برای تبیین تنوع‌طلبی جنسی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های فرزندپروری و خلق و خو. *فصلنامه اندیشه و رفتار*. دوره

دهم. شماره ۴۰: ۷-۱۶، ۱۳۹۵.

۱۲. شایقیان، زینب؛ آگیلار و فایبی، مریم؛ رسول زاده طباطبائی، سید کاظم، بررسی طرح‌واره‌ها و پیوند والدینی در دختران نوجوان با وزن طبیعی، چاق و یا دارای علائم بی‌اشتهایی عصبی. *بژوهنده*. شماره ۱: ۳۰-۳۸، ۱۳۹۰.
۱۳. صلواتی، مژگان؛ یکه‌یزدان دوست، رخساره، *طرح‌واره درمانی راهنمای ویژه متخصصان روان‌شناسی بالینی*. ویرایش حسین کاویانی، تهران. دانه، ۱۳۸۹.
۱۴. علی محمدی، امیرحسین؛ شیبانی نوقایی، فرشاد؛ زاهدی تجربی، کمیل، مقایسه ویژگی‌های سرشتی - منشی شخصیت در میان افراد معتاد، افسرده و مضطرب با افراد عادی. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. سال سیزدهم. شماره ۵۰: ۵۱-۵۱، ۱۳۹۱.
۱۵. فری، مایکل، *شناخت درمانگری گروهی*. ترجمه مسعود جان‌بزرگی. قم.
۱۶. قنادی، فاطمه؛ عبداللهی، محمد حسین، ارتباط ادراک رفتار والدین با طرح‌واره‌های ناکارآمد اولیه»، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*. سال چهارم. شماره ۱۶: ۱۲۹-۱۵۱، ۱۳۹۳.
۱۷. کاویانی، حسین؛ پورناصح، مهرانگیز، اعتباریابی و هنجارسنجی پرسش‌نامه سرشت و منش کلونینجر TCI در جمعیت ایرانی. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران*. سال شصت و سوم. شماره ۲: ۸۹-۹۸، ۱۳۸۴.
۱۸. کاویانی، حسین، هنجارسنجی پرسش‌نامه سرشت و منش (TCI) در طبقات سنی - جنسی: یافته‌های تکمیلی. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران*. دوره شصت و هفتم. شماره ۴: ۲۶۲-۲۶۶، ۱۳۸۸.
۱۹. کتابی، صمیمه؛ ماهر، فرهاد؛ برجعلی، احمد، بررسی نیمرخ شخصیتی معتادان به مواد مخدر با استفاده از دو نظام شخصیتی کلونینجر و آیزنگ. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*. سال دوم، شماره ۷: ۴۵-۵۵، ۱۳۸۷.
۲۰. یانگ، جفری؛ کلسکو، ژانت؛ ویشار، مارجوری، *طرح‌واره‌درمانی راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. جلد اول. چاپ چهارم. تهران. ارجمند، ۱۳۹۱.

21. Alfasfos, L. The Early Maladaptive Schemas and their Correlations with the Psychiatric Symptoms and the Personality Accentuations for Palestinian Students Submitted to the Psychology Faculty of Ham-burg University in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy, 2009.
22. Amirsardari, L. & Esmali Kooraneh, A. Predicting Early Maladaptive Schemas by Young Parenting Styles. *International Journal of Psychology* Vol. 8. 1:23-42, 2014.
23. Baranoff, J., Tian, P.S., & Oei. Young Schema Questionnaire: Review of Psychometric and Measure-ment Issues, *Australian Journal of Psychology*, 59: 78-86, 2007.
24. Bosmans, G., Braet, C. & Vlierberghe, L. V. Attachment and Symptoms of sychopathology: Early Maladaptive Schemas as a Cognitive Link? *Clinical Psychology and Psychotherapy Clinical Psychol-ogy & Psychotherapy*. 17: 374-385, 2010.
25. Cloninger, C.R., Przybeck, T.R., Svrakic, D.M., & Wetzel, R. The temperament and character in-ventory (TCI): A guide to its development and use. First edition. USA. St Louis: Center for Psychobi-

- ology of Personality, Washington University, 23-175, 1994.
26. Diaz, Y. Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children [PhD Thesis]. University of Maryland, College Park, 2005.
 27. Geerts, E., van, O.T., & Gerlsma, C. Nonverbal communication sets the conditions for the relationship between parental bonding and the short-term treatment response in depression. *Psychiatry Research* 165 :120-127, 2009.
 28. Gunty, L., John R., & Buri. Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas, Paper Presented at the 20th Annual Meeting of the Association for Psychological Science, Chicago, 2008.
 29. Harris, A.E. & Curtin, L. Parental Perceptions, Early Maladaptive Schemas, and Depressive Symptoms in Young Adults, *Cognitive Therapy and Research*, 26(3):405-416, 2002.
 30. Melmed, L.R. Cognitive Style as a Mediator between Parental Psychological Maltreatment and Depression in Adolescent Boys, Submitted under the Executive Committee of The Graduate School of Arts and Sciences, Columbia University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, 2012.
 31. Muris, P. Maladaptive Schemas in non-clinical Adolescents: Relations to Perceived Parental Rearing Behaviours, Big five Personality Factors, and Psychopathological Symptoms, *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 13:405-413, 2006
 32. Nordahl, H. M., Holthe, H., & Haugum, J.A. Early maladaptive schemas in patients with or without personality disorders: does schema modification predict symptomatic relief? *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 12: 142-146, 2005.
 33. Roelofs, J., Onckels, L. & Muris, P. Attachment Quality and Psychopathological Symptoms in Clinically Referred Adolescents: The Mediating Role of Early Maladaptive Schema. *Journal of Child and Family Studies*, 2012.
 34. Sadock, B.J. & Sadock VA. Kaplan & Sadock's Synopsis of Psychiatry Behavior Sciences /Clinical Psychiatry. 10th ed. Lippincott Williams & Wilkins, 2007.
 35. Schmidt, N. B., Joiner, T. E., Young, J. E., & Telch, M. J. The schema questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schemas. *Cognitive Therapy and Research*, 19: 295-321, 1995.
 36. shahamat, f., Sabeti, A. & Rezvani, S. Study of relationship between child rearing styles and early maladaptive schemas. *Studies in Education and Psychology*, 11(2): 239-254, 2011.
 37. Sheffield, A., & Waller, G. et al. Linking between parenting and core belief: preliminary psycho-

- metric validation of the Young Parenting Inventory .Springer, 2005.
38. Torres, C. Early maladaptive schema and cognitive distortion in psychopathy and narcissism. A thesis (2002) submitted for the degree of doctor of psychology clinical of Australian national university, 2002.
 39. Waller, G., Dickson, C., & Ohanian, V. Cognitive content in bulimic disorders: Core beliefs and eating attitudes, *Eating Behaviors*, 3:171-178, 2002.
 40. Wright, M.O., Crawford, E. & Castillo, D.D. Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college students: The mediating role of maladaptive schemas, *Child Abuse & Neglect*, 33:59-68, 2009.
 41. Yazdkhasti, F. & Harizuka, S. The effects of temperament and perceived maternal rejection and childhood anxiety and behavior problems. *School Psychology International*, 27 (1): 105-128, 2006.
 42. Young, J. E., Kolsko, J., & Wissher, M. E. Schema therapy: Practitioners guide, New Yourk, Guilford Publications, 2003.
 43. Young, J.E., & Brown, G. Young schema questionnaire: A schema-focused approach. *J Cognitive Therapy of Personality Disorders*, 63-76, 1994.
 44. Zafiropoulou, M., Avagianou, P.A., & Vassiliadou, S.. Parental Bonding and Early Maladaptive Schemas. *Journal of Psychological Abnormalities in Children*, 3: 110, 2014.

نقش خانواده در تربیت انسان از نظر دو عامل ژنتیک و محیط در دوران قبل از تولد و نوزادی از منظر امام صادق علیه السلام

فاطمه صاحبیان^۱ / سیده زینب رضوانی^۲

چکیده

تربیت در ساختار شخصیت و روند رشد انسانی - به ویژه در دوران کودکی - تأثیر پایا و غیرقابل جبرانی دارد. هدف از این پژوهش، تأثیر خانواده از نظر عوامل تربیتی، نظیر ژنتیک و محیط در دوران قبل از تولد و نوزادی است؛ بنابراین، به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از منابع روایی، مسئله مورد نظر از نگاه امام صادق علیه السلام بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که از نگاه امام علیه السلام شالوده کمال رشد انسانی، در این دوران نهفته است و تربیت همچون نقشی بر سنگ، در شخصیت انسان باقی می‌ماند. همچنین در کنار اهمیت این دوران، اهمیت عوامل تربیتی مطرح می‌شود که از تولد تا مرگ همراه انسان بوده و در هر مقطعی رنگ و بویی متفاوت دارد. از دستاوردهای این پژوهش این است که در ابتدا گزینش و انتخاب همسر نقش اساسی در وراثت و محیط اولیه رشد، دارد، اما پس از تولد، با رسیدن به بلوغ فکری و کسب مهارت راه شناخت، انسان از زندان جبر تربیتی بیرون آمده و هم‌نوا با اختیار و اراده، قادر به تصمیم‌گیری است. این‌گونه، انسان می‌تواند فارغ از محیط نامطلوب خود، راه درست را شناخته و به کمال بایسته و شایسته انسانی برسد.

واژگان کلیدی: خانواده، وراثت، محیط، تربیت انسان، امام صادق علیه السلام

۱. دانشجوی دکتری و طلبه سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهرا علیها السلام

۲. سطح ۳ حوزه و کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی تهران

مقدمه

آنگونه که در تعالیم اسلامی و روانشناسی نوین یاد شده است، مهم‌ترین دوران تربیت، دوران کودکی است. بنابه فرموده ائمه معصومین علیهم‌السلام، ماندگاری نقش و نگار تربیت در دوران کودکی در روح و روان انسان، همچون حک کردن نقشی بر روی سنگ سختی است: «التَّعَلُّمُ فِي الصِّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ؛ مطلبی که در کودکی به انسان آموخته می‌شود، گویا همانند حک کردن بر روی سنگ است، که تا پایان عمر در ذهن او خواهد ماند». (مجلسی، ج ۱، ص ۲۲۴)

تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و تعالی بشر است؛ زیرا یکی از ارکان مهم اسلام در شکل‌گیری شخصیت فرد و ساختن جامعه است. قرآن نیز یکی از وظایف اصلی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تزکیه (یا همان تربیت) و تعلیم افراد می‌داند: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ». (بقره: ۱۲۹) تعلیم و تربیت، فعالیتی منظم و مستمر در طول زندگی انسان است؛ در حقیقت، امری است که بر تمامی ابعاد وجودی انسان (عاطفی، شناختی، اجتماعی، اخلاقی، جسمانی و روحانی) احاطه دارد. همچنین گفتنی است که امر تربیت، فعالیتی تدریجی و زمانبر است و مهم‌تر اینکه فقط در مورد انسان صدق می‌کند. عوامل متعددی در امر تربیت دخالت دارند، اما دو عامل مهمی که در دوران پیش از تولد و هنگام نوزادی، بسیار قابل توجه است، «ژنتیک» و «محیط» است که با گذشت زمان، دامنه محیط و کسب اندوخته‌ها و تأثیرات ژنتیکی، در شخصیت انسان افزایش می‌یابد و لذا در هر زمان می‌توان شاهد واکنش‌های رفتاری نوظهور و خلاقانه از سوی بشریت بود؛ به طوری که بخش بسیاری از این رفتارها و موقعیت‌های خلاقانه، به واسطه والدین انسان ایجاد می‌شود. در واقع آغاز تربیت یک انسان، زمان انتخاب همسر و پس از آن، مرحله انعقاد نطفه است. مرحله انعقاد نطفه، به عنوان مرحله پیش از تولد، مورد توجه و مطالعه متخصصین قرار گرفته است.

بنابراین، هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیرات خانواده از نظر ژنتیک و محیط در تربیت انسان است که در دو بخش «پیش از تولد» و «نوزادی» به آن پرداخته شده است. همچنین نظرگاه این پژوهش، دینی بوده و با توجه به ایجاد جنبش علمی در زمان ششمین امام معصوم و اهمیت موضوع خانواده - به ویژه در عصر حاضر - است و محور اصلی این پژوهش بر مبنای نظرات امام صادق علیه‌السلام قرار گرفته تا به دو سؤال پاسخ داده شود: خانواده از نظر ابعاد ژنتیکی و

محیطی، چه تأثیری می‌تواند بر تربیت یک انسان داشته باشد؟ امام صادق علیه السلام چگونه آنها را تحلیل می‌کنند؟

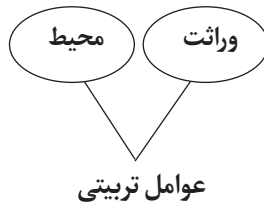
اگرچه مقالات گوناگونی با موضوع تربیت از منظر امام صادق علیه السلام نوشته شده است، اما این پژوهش سعی دارد تا با جزئی‌نگری و تطبیق بررسی‌های موجود، به دسته‌بندی نوینی از مبانی ارائه شده بپردازد.

مفهوم شناسی

شعاع معنایی ژنتیک در علم روانشناسی بر محور مطالعه روانشناسی رشد و بر اساس توارث، گسترده می‌شود. به عبارت دیگر، شاخه‌ای است از روانشناسی که به مطالعه رشد انسان از منظر بیولوژی، با روش ژنتیکی می‌پردازد. (نیکزاد، ۱۳۹۰، ص ۴۲۱) در علم روانشناسی رویکردهای مختلفی وجود دارد که یکی از آنها رویکرد ژنتیکی است. شالوده این رویکرد بر پایه توضیح و درک رفتار بر اساس توارث و رشد ارثی است. (همان) قدمت این رویکرد، نه تنها به علم نوین، بلکه بسیار پیش از آن، به تعالیم اسلامی بازمی‌گردد. دایره معنایی وراثت در روانشناسی، انتقال صفات ارثی توسط ژن‌ها از والدین به فرزندان و وراثت خانوادگی مؤثر جسمی و روانی است. (نیکزاد، ۱۳۹۰، ص ۵۰۱)

در کنار این عامل مهم تربیتی که به طور کامل، متولی تشکیل شخصیت انتسابی انسان است، باید از عامل حیاتی دیگری به نام «محیط» اشاره کرد. محیط در اصطلاح روانشناسی (به نقل از فرهنگ توصیفی علوم رفتاری / شناختی)؛ یعنی: «فضای مستقیم طبیعی یا اجتماعی که گاهی حالات درونی موجود زنده را نیز شامل می‌شود». (شعاری نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۲۵) در روانشناسی منظور از محیط، بیشتر محیط اجتماعی مورد نظر است؛ یعنی «حالات خارجی که در زندگی افراد، جوامع، ملت‌ها و رفتار و تطورشان تأثیر می‌گذارد». این دو عامل بسیار مهم، از موارد مؤثر در دوران پیش از تولد و نوزادی است. منظور از دوران پیش از تولد، بازه زمانی قبل از انعقاد نطفه و پیش از ازدواج است و تا هنگام ولادت ادامه می‌یابد. جنین پس از تولد، «نوزاد (Infancy)» نامیده می‌شود. نوزادی (Infantile)، دوره اولیه زندگی پس از تولد است که در آن، نوزاد درمانده و وابسته به والدین خود است. این دوران مربوط به نوباوگی انسان بوده و با ویژگی نارسایی رفتار دوره طفولیت در مقایسه با دوران کودکی و بلوغ است. (نیکزاد، ۱۳۹۰، ص ۴۹۷) لذا پس از روشن شدن

میدان معنایی این عوامل تربیتی، باید به سراغ گسترهٔ مصادیق هرکدام از آن دو در بستر زندگی انسان رفت و پس از آن، به بررسی میزان اثرگذاری آن دو عامل در تربیت انسان پرداخت.



این نمودار نشانگر کلیات مورد بحث در این پژوهش است.

یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی، انتخاب همسری پرهیزکار و هم‌کفو است. اهمیت این مرحله نه تنها سازندهٔ پایه‌های اصلی زندگی بوده، بلکه در ابتدا، در نطفهٔ انسان و در مراحل بعد، در روش و منش تربیتی فرزندان مؤثر خواهد بود. بنابراین می‌توان آن را اولین گام در تربیت انتسابی انسان دانست. اهمیت این امر در کلام امام صادق علیه السلام مشهود است که: «تَحِبُّ لِلْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ اخْتِيَاؤُهُ لَوَالِدَتِهِ وَتَحْسِينُ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ؛ سه چیز برای فرزند به عهدهٔ پدر است: اول مادر خوب برای او برگزیدن، دوم نام نیک بر او نهادن و سوم تلاش برای تربیت او نمودن». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۳۱۲) مادر یکی از مصادیق تربیت انتسابی در شخصیت انسان است که خیر و شر بودن آن تحت اختیار انسان مولود نیست، اما خواسته یا ناخواسته، انسان از شخصیت مادر خویش تأثیر می‌پذیرد؛ چراکه او، هم تأمین‌کنندهٔ رشد فرزند در بطن خود بوده و هم دو سال، متولّی خوراک جنین، از پرحرارت‌ترین نقطهٔ بدن، یعنی جایی نزدیک به قلبش است. عقل سلیم از این قربت، درمی‌یابد که فرزند، وارث ملکات نفسانی و عادات خوب و بد مادرش است؛ لذا انتخاب همسری خوب، ضامن ظهور ذریه‌ای پاک خواهد بود.

دومین گام در تربیت انتسابی انسان، نام نیک بر فرزند نهادن است. می‌توان این مورد را از مصادیق تکنیک تقویت اعتماد به نفس در انسان به حساب آورد. امروزه روانشناسان قائل به تکریم شخصیت و تقویت عزت نفس در کودک هستند؛ زیرا آن را شالودهٔ آرامش در بزرگسالی دانسته و معتقدند این‌گونه می‌توان شخصیتی خودساخته و خلاق تربیت کرد. نام نیکو - فارغ از تأثیرات نجومی و ابجدی حروف بر شخصیت فرد - تحت این شیوه از تکنیک‌های تربیتی قرار

می‌گیرد؛ زیرا هنگامی که والدین فرزندان خویش را با نام نیک فرا می‌خوانند، به نوعی شخصیت آنها را اکرام می‌کنند. (هندی، ۱۴۰۱ق، ص ۴۱۹)

سومین گام در تربیت انتسابی انسان، تلاش نمودن در امر تربیت فرزند است که به صورت ویژه، وراثت و محیط در مراحل بعد به طور تفصیلی مطرح می‌شود.

۱. عامل ژنتیک

در این عامل، مباحث به دو دسته تقسیم می‌شوند: اول تأثیر ژنتیک در جسم انسان و دوم تأثیر ژنتیک در روح انسان. از نظر علمی، انتقال صفات ژنتیکی از والدین به فرزندان، طی یک فرآیند معین اتفاق می‌افتد؛ با ترکیب نیمی از صفات کروموزومی پدر و نیمی از صفات کروموزومی مادر، سلول تخم تشکیل می‌شود و به این ترتیب صفات وراثتی هر دو، به فرزند منتقل می‌شود. شباهت ظاهری و شخصیتی والدین در فرزند، از این طریق ایجاد می‌شود.

۱.۱. تأثیر ژنتیک در جسم نوزاد

خصوصیات جسمانی هر انسان، متشکل از صفات وراثتی والدین وی است. این انتقال صفات، در زمان انعقاد نطفه رخ می‌دهد و شاید بتوان گفت تنها راه کسب شباهت - به خصوص در اندام و ظاهر - انتقال صفات از کروموزوم‌ها به نطفه است. گاهی این پرسش مطرح می‌شود که چرا برخی از انسان‌ها هیچ‌گونه شباهت ظاهری با والدین خود ندارند؟ امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «همانا خداوند تبارک و تعالی هرگاه اراده کند که کسی را بیافریند، همه صورت‌های بین او تا آدم را جمع کند. سپس او را بر صورت یکی از آنها می‌آفریند؛ پس هرگز کسی درباره فرزند خود نگوید که این نه شبیه به من است، نه شبیه به نیاکان من». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ص ۴۸۴، ح ۴۷۰۹)

در جایی دیگر آن حضرت فرموده‌اند: «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ حُمَرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ لِلرَّحِمِ أَرْبَعَةَ أَوْعِيَةٍ فَمَا كَانَ فِي الْأَوَّلِ فَلِلْأَبِ وَ مَا كَانَ فِي الثَّانِي فَلِلْأُمِّ وَ مَا كَانَ فِي الثَّلَاثِ فَلِلْعُمُومَةِ وَ مَا كَانَ فِي الرَّابِعِ فَلِلْخُثُولَةِ؛ همانا خداوند برای رحم مادر، چهار ظرف آفریده است. از این رو آنچه [از نطفه که] در ظرف نخستین قرار گیرد، برای پدر است و آنچه در دومین قرار گیرد، برای مادر است و آنچه در سومین قرار گیرد، برای عموهاست و آنچه در چهارمین قرار گیرد، برای دایی‌هاست».

(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۳۶۳) از این بیان می‌توان دریافت فارغ از تأثیر صفات کروموزومی در ایجاد شباهت، جایگاه رشد جنین در رحم نیز از عوامل مؤثر دیگری در این زمینه است.

۱.۲. تأثیر ژنتیک در روح نوزاد

هر انسانی نه ماه و اندی در بطن مادری پرورش می‌یابد که هر ساعت از زندگانی‌اش را به کاری یا فکری اشتغال دارد و درگیر اضطراب یا آرامشی است که منبعث از عقاید و باورهای اوست. مادر خداپور و بالغ وحدت یافته الهی، آرام و با رضایت زندگی می‌کند و این آرامش را به کودکش نیز انتقال می‌دهد؛ اما مادری که از رضامندی و خداسودی بی‌بهره است، سراسر وجودش مملو از اضطراب بوده و آن را نیز به کودکش منتقل می‌کند. امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین سیدالشهدا علیه السلام می‌فرماید: «يَا بِيَّيْ أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّاحِبَةِ وَالْأَرْحَامِ الظَّاهِرَةِ لَمْ تُنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأُجْحَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا؛ پدر و مادرم فدای تو، ای فرزند پیامبر خدا! گواهی می‌دهم که تو نوری در پشت‌های بزرگوار و رحم‌های پاک بودی. آلودگی‌های جاهلیت تو را نیالود و ناپاکی‌ها لباسش را بر تو نپوشاند». (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۱۴)؛ نتیجه آرامش و رضامندی یک مادر در طول زندگی، پرورش اولیاء الله خواهد بود.

اسلام اولویت اول در انتخاب همسر را اصالت خانواده می‌داند، نه زیبایی ظاهر؛ اگرچه آن هم مهم است، اما ملاک اول، پاکی و تربیت خدایسندانه است. اگر دختری زیبا در خانواده‌های بد تربیت شده باشد، محال است که تأثیرات روحی وی منبعث از اجدادش نباشد. فرد چه بخواند، چه نخواهد، روحش حامل آثاری است که حاصل رفتار پدرانش است و این خصیصه، از مواردی است که فرد آن را به ارث می‌برد. باینکه نمی‌توان منکر قابلیت تغییر در روح شد، اما این فرایند نیز طبق سیر طبیعی خود منتقل می‌شود. چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطبه خواند و فرمود: ای مردم! از سبزه‌های مزبله بپرهیزید. سؤال شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! سبزه‌های مزبله چیست؟ فرمود: زن زیبا روی، در رُستنگاه بد».

طلب خیر کردن برای کوچک‌ترین نیازهای زندگی، از سنت دین ماست و در تعالیم دین اسلام دعا و طلب فرزند صالح، تحت روش‌های تربیتی قرار می‌گیرد؛ لذا دعا در هنگام انعقاد نطفه و در ایامی که مبارک است، توصیه شده است. حال چه امر مهمی بیشتر از خلق یک انسان،

نیازمند دعاست؟ خود دعا و ابراز نیاز به درگاه خداوند، آثار مطلوبی در روح و جان والدین دارد و احساس امنیت را در وجود انسان ایجاد می‌کند و محنت‌های دوران بارداری و پس از آن را به لذت مبدل می‌سازد؛ چراکه انسان می‌داند به تکیه‌گاه محکمی پناه جسته است. چنان‌که سلیمان ابن خالد از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: «چرا خداوند در قرآن خویش شیطان را این‌گونه خطاب می‌کند: و در اموال و فرزندان آنان شریک شو؟ (اسراء: ۶۴) حضرت پاسخ دادند که در این باره این سخن را بگو: از شر شیطان رانده شده، به خدای شنوای دانا پناه می‌برم.»

در آداب فرزندداری آمده است: «کسی که می‌خواهد همسرش باردار شود، بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز با رکوع و سجود طولانی بخواند و سپس بگوید: بار الها! همان چیزی را از تو می‌خواهم که زکریا از تو خواست. بار الها! مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثی. بار الها! از جانب خودت نسلی پاک به من ببخش. همانا تو شنوای دعایی. بار الها! به نام تو او را بر خود حلال کردم. به عنوان امانت تو او را گرفتم؛ پس اگر در رحم او فرزندی تقدیر کردی، او را پسری مبارک و پاک قرار ده و برای شیطان، نه شراکتی در او قرار ده، نه بهره‌ای.» (کلینی، ج ۳، ص ۲۸۲) این مطلب بیانگر آن است که انسان در تمام لحظه‌های زندگی محتاج توجه و عنایت پروردگار است، تا از شر شیطان در امان باشد.

بنابر آنچه مطرح شد، با رعایت دو شرط مهم در زندگی، می‌توان تأثیرات ژنتیکی را کنترل کرد: اول آنکه در انتخاب همسر باید تمام جوانب (از جمله حسن ظاهری، حسن اخلاقی، اصالت خانواده و هوشمندی و کیاست) را مورد دقت قرار داد و دوم آنکه هرچه میزان رضامندی و آرامش در بستر زندگی بیشتر باشد، سطح اضطراب و تشویش، در آن خانواده کاهش می‌یابد و محیط مطلوبی برای تربیت فرزندان پدید می‌آید. تمام این موارد، بیش از هر چیز مربوط به نوع تربیت و تفکر زن در خانواده است؛ چراکه او مهره طلایی در امر تربیت به حساب می‌آید.

تأثیرات ژنتیکی به دو دسته نسبی و کامل تقسیم می‌شوند. برخی از صفات مانند: قد، وزن، خلق و خو، و شدت و ضعف بسیاری از ویژگی‌ها، از مصادیقی هستند که علاوه بر تأثیر ژنتیک، محیط هم تا حدودی در آن مداخله دارد. اما برخی صفات مانند: هوش، یادگیری، تربیت اجتماعی و رشد معنوی، از مصادیقی هستند که اگر مایه‌های اصلی و ذاتی آن در فرد نباشد، عوامل محیطی به تنهایی کاری از پیش نمی‌برند. (افروز، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱)؛ لذا امام رضا علیه السلام استعدادهای هوشی

را هدیه‌ای الهی و غیر قابل اکتساب می‌داند. (ری شهری، ج ۱، ص ۷۰) امیرالمؤمنین علیه السلام باروری و شکوفایی این استعدادها را در گرو یادگیری و فراهم کردن عوامل محیطی می‌داند. (همان، ج ۲، ص ۲۶) و همچنین رشد معنوی و تربیت اجتماعی نیز در این مقوله قرار می‌گیرد. (همان، ج ۲، ص ۶۱)

۲. عوامل محیطی

«عوامل محیطی» عنوانی کلی، متشکل از شاخه‌های بسیار است. در این بخش به بررسی تأثیر خانواده به‌عنوان مصداقی از عوامل محیطی در دوران پیش از تولد و نوزادی پرداخته خواهد شد. از منظر بیولوژی، محیط قبل از تولد، محدود به محیط رحم است، اما روانشناسان بطن مادر را محیطی فراتر از یک فضای کاملاً زیستی می‌دانند؛ چراکه جنین درون رحم متأثر از تمام روش‌ها، منش‌ها، شادی‌ها و ناراحتی‌ها است. در این دوره، رحم همچون نیروی مغناطیسی، بسیاری از عوامل محیطی را به‌سوی خود می‌کشد و در نتیجه باید گفت رحم اولین محیطی است که انسان در آن قرار می‌گیرد.

از نظر علمی ثابت شده که علاوه بر وراثت، محیط نیز از عوامل مؤثر در تربیت است. امروزه محققان پی برده‌اند که می‌توان با استفاده از روش‌های نوین، جنین را تحت آموزش‌های محیطی قرار داد؛ زیرا برخی از دانشمندان قائل هستند که جنین در مرحله فتوسی (منصور، ۱۳۸۸، فصل دهم)، با توجه به دمیده شدن روح، توانایی یادگیری دارد. با آزمایشاتی نظیر سانتاک^۱ و اسپلیت^۲ این یادگیری در سطوح اولیه به اثبات رسیده است.

روش مورد نظر در این مرحله چنین است که برای تربیت دینی کودک، مادر می‌تواند با دوری از گناه و ایجاد رابطه نزدیک با معبود خود و توسل به اهل بیت علیهم السلام، در ایجاد آرامش خود و فرزندش نقش مهمی را ایفا کند. علاوه بر آن، با توجه به قابلیت یادگیری، مادر می‌تواند با قرائت زنده قرآن و اشعار مذهبی، این ارزش‌ها را در ضمیر ناخودآگاه فرزند نهادینه کند و به‌جای کسب

۱. با انتشار صدای شدید در نزدیکی شکم مادر، فتوس را شرطی می‌کنند.
 ۲. او وقتی چندین بار این کار را تکرار کرده، فتوس پس از آن واکنشی نشان نداده. سانتاک نتیجه گرفته است که فتوس، خود را با محیط اطرافش سازش داده است. sontac.lester
 ۳. او نتیجه گرفته که جنین هفت هفته‌ای می‌تواند به ارتعاشات خشنی که بر روی شکم مادر ایجاد می‌کنند، از خود واکنش نشان دهد؛ بنابراین قائل به قابلیت یادگیری در این دوره. البته در سطح بسیار ابتدایی هستند. splat.david

آرامش از مدیتیشن و یوگا - که صرفاً از تمرکز و موسیقی استفاده می‌شود - کودک خود را با کلام وحی مأنوس گرداند. آنچه در ضمیر ناخودآگاه فرد باقی می‌ماند، می‌تواند زمینه‌ساز یادگیری بهتر و سریع‌تر فرد در آن جهت باشد.

ارتباط مستقیمی بین دستگاه عصبی مادر و فرزند وجود ندارد، اما حالات هیجانی مادر، بر رشد جنین مؤثر است. حالاتی همچون ترس، خشم، اضطراب، نفرت و امثال آن، در دستگاه عصبی ما تأثیر گذاشته و منجر به آزاد شدن برخی از مواد شیمیایی، همچون استیلکولین و اپینفرین و ورود آن به جریان خونی می‌شود. این مواد از طریق جفت به جنین رسیده و رشد آن را مختل می‌سازد. (علی مصباح، ۱۳۷۴، ص ۳۰۲) در سال ۱۹۳۷ مشخص شد که فشارهای مداوم و پیوسته‌های که مادر متحمل می‌شود، با افزایش حالت مرضی کودک، کارکرد ناقص عصب‌شناختی، تأخیر در رشد و تحول زبان و آشفتگی رفتاری، همبستگی و پیوند داشته. (رابینسون، ص ۱۹۰) به این ترتیب زمینه‌ساز ناآرامی در روان و نارسایی در جسم جنین می‌شود.

۱.۲. ولادت کودک

اولین ابتلائی که خداوند برای انسان‌ها مقرر نموده، پدیده تولد است. در این مرحله انسان وارد دومین محیط زندگی خود می‌شود؛ محیطی که بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر از درون رحم است. ولادت یک انسان، از جمله اعمال مباحی است که می‌تواند به هر سو تمایل یابد. اگر والدین شئون دینی را در حق فرزند رعایت نمایند، به قطع شاهد آثار طهارت در سیر ولادت فرزند خود خواهند بود و در غیر این صورت، باید آثار خباثت در سیر ولادت فرزند خود را بپذیرند.

۲.۲. تغذیه

تغذیه یکی از عوامل اصلی مؤثر بر رشد جنین است. تغذیه والدین از عواملی است که مصادیق آن علاوه بر دوران پیش‌زایی، دوران پس از تولد را هم پوشش می‌دهد. رژیم مناسب در تغذیه، هم از سوی پدر و هم از سوی مادر، امری ضروری است. رعایت رژیم غذایی مناسب، قبل از تشکیل جنین و در طول ۹ ماه زندگی در بطن مادر، در قوت جسمی و طراوت روانی کودک مؤثر خواهد بود؛ چراکه جنین از طریق بند ناف از مواد مغذی خون مادر تغذیه می‌کند و نمو می‌یابد.

و بنابراین، مادر باید تغذیه مناسب و سالم داشته باشد تا مواد مغذی خون و در نتیجه غذای مورد نیاز جنین تأمین شود. در احادیث، برنامه‌ای از غذاهای مفید برای بارداری مادر، همراه با سوره‌هایی از قرآن ارائه شده است. حتی بسیاری از آداب و غذاها برای پیش از انعقاد نطفه توصیه شده است تا نطفه بر پایه آن تغذیه، شکل گیرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس ناشتا یک به بخورد، نطفه‌اش پاکیزه می‌شود و فرزندش نیکو می‌شود». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۷)

«أَمَّحَدُ بْنُ غِيَاثٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ يُوَلَّدُ الْوَلَدَ فَيَكُونُ فِيهِ الْبُلْبُلُ وَالصَّغْفُ فَقَالَ مَا يَنْتَعَكُ مِنَ السَّوِيقِ اشْرَبْهُ وَمُرْ أَهْلَكَ بِهِ فَإِنَّهُ يُنْبِثُ اللَّحْمَ وَيَشُدُّ الْعَظْمَ وَلَا يُوَلِّدُ لَكُمْ إِلَّا الْقَوِيَّ». محمد بن بکیر نقل می‌کند که نزد امام صادق علیه السلام بودم که کسی به ایشان گفت: «ای فرزند پیامبر خدا! گاهی فرزندی زاده می‌شود؛ ولی کم خرد و ناتوان است. ایشان فرمود: چه چیزی تو را از خوردن سویق بازداشته است؟ خودت بخور و همسرت را نیز به خوردن آن وادار؛ چراکه گوشت می‌رویانند و استخوان را محکم می‌سازد و جز فرزند قوی برای شما زاده نمی‌شود». (ابن بسطام، ۱۴۰۱ق، ص ۸۹)

کودک پس از تولد هم نیازمند تغذیه مناسب است. خرما از میوه‌های بهشتی است که به سرعت، انرژی تحلیل‌رفته را جبران می‌کند؛ چنان‌که حضرت مریم علیها السلام به دستور الهی، بلافاصله پس از وضع حمل از آن تناول نمودند. (مریم: ۲۵) در این باره، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام خَيْرُ ثَمَرِكُمْ الْبَرْزِيُّ فَأَطْعِمُوهُ نِسَاءَكُمْ فِي نَفَاسِهِنَّ تَخْرُجُ أَوْلَادُكُمْ زَكِيًّا حَلِيمًا؛ به زنانتان هنگام نفاسشان خرمای برنی^۱ دهید، تا فرزندانان بردبار شوند». (کلینی، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۲۲) در جایی دیگر ایشان می‌فرماید: «وَعَنْ حَسَنِ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي هَمَزَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَطْعِمُوا صَبِيَانَكُمْ الرُّمَانَ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِشَبَابِهِمْ؛ به کودکانتان انار دهید؛ چراکه مایه زودتر جوان شدن آنهاست». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۵۵) در ادامه، به بررسی ویژگی‌های تغذیه خواهیم پرداخت.

۱. معرّب «برنیک»، از بهترین انواع خرما (لغت‌نامه دهخدا).

۲،۲،۱. تغذیه حلال

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تغذیه، حلال بودن آن است و بهترین زندگی، حلال‌ترین زندگی است. زندگی حلال برکات و نعمات الهی را به سوی خود جذب می‌کند، اما درآمد حرام، مانند آتشی است که هر آنچه را فرد اندوخته، می‌سوزاند و برای آیندگان مانند آتش زیر خاکستر خواهد بود؛ زیرا گوشت و پوست نسل‌های بعد، از این درآمد حرام به وجود آمده و رشد می‌کند و خطر لغزش و شعله‌ور شدن آتش گناه، روحشان را بیش از سایر انسان‌ها تهدید خواهد کرد. به بیان بزرگان دین، اثر درآمد حرام، در نسل انسان آشکار می‌شود. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذُّرِّيَّةِ». (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۶۸۰) با توجه به این حدیث و احادیث دیگر، می‌توان گفت که شیطان از طریق مال حرامی که وارد خانه می‌شود، در هنگام آمیزش، با نطفه همراه شده و به این طریق در نسل انسان نفوذ می‌کند.

محققان دریافته‌اند یکی از روش‌هایی که می‌توان به واسطه آن جنسیت انسان را تعیین نمود، رعایت رژیم غذایی خاص است. به طور مثال، مصرف غذاهایی که طبعشان سرد است، موجب دختر شدن فرزند و غذاهایی که طبعشان گرم است، موجب پسر شدن فرزند می‌شود.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَلَيْكَ بِالْهُنْدَبَاءِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَيُحْسِنُ الْوَلَدَ وَهُوَ حَارٌّ لَيْسَ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَةَ». امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به افرادی که طالب فرزند پسر بودند می‌فرمودند: «کاسنی بخور؛ چرا که منی را افزایش می‌دهد و فرزند را نیکو می‌گرداند. گرم و ملین است و بر مردانگی فرزند می‌افزاید». (همان، ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۶۳۳)

۲،۲،۲. شیر مادر و مدت زمان شیردهی

ارتزاق از شیر مادر، ابتدایی‌ترین تغذیه انسان پس از تولد است و یکدیگر از مصادیق تغذیه در طول زندگی انسان محسوب می‌شود. دوران ارتزاق از شیر مادر، فرایندی است که دارای بازه زمانی مشخص است. این زمان از نظر علمی نسبتاً متغیر بوده، اما در اسلام به طور مطلق تا دو سال ذکر شده است؛ چنان‌که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «الرِّضَاعُ وَاحِدٌ وَعَشْرُونَ شَهْرًا، فَإِنَّا نَقْصُ فَهُوَ جَوْزٌ عَلَى الصَّبِيِّ؛ شیر خوردن، تا بیست و یک ماه است. پس هرچه کم شود، ستم بر کودک

است.» (همان، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ۴۲۵) در آیات قرآن نیز به طور مستقیم به این موضوع اشاره شده است. (بقره: ۲۳۳؛ احقاف: ۱۵؛ لقمان: ۱۴؛ طلاق: ۶؛ حج: ۲؛ قصص: ۷ و ۱۲)

نیازهای زیستی، ابتدایی‌ترین نیاز یک نوزاد است که مادر در صدد رفع آن نیازها برمی‌آید. یکی از آنها رفع گرسنگی و تشنگی کودک است. از نظر اسلام ارتزاق طفل از شیر مادر، حقی است برگردن مادر نسبت به طفل که اگر از آن غفلت ورزد، در روز جزا مؤاخذه خواهد شد. در ظاهر امر، مادر با شیردادن به کودک، تنها گرسنگی‌اش را برطرف می‌کند، اما همین رابطه نوزاد با بدن مادر آثار مطلوبی دارد که به ذکر چند نمونه از آن می‌پردازیم.

از آثار روانی این دوره، وابستگی روانی طرفین و وابستگی زیستی کودک به مادر است. باتوجه به زیستن ۹ ماهه جنین در بطن مادر، شیردهی مستقیم، بهترین گزینه برای حفظ سلامت روانی هر دو است؛ در حالی که اگر از همان لحظه تولد این رابطه بین مادر و فرزند به دلایل مختلف قطع شود، آسیب‌هایی جدی، هم برای مادر و هم برای کودک - به خصوص در آینده - در پی خواهد داشت.

گسستگی جسمی بین مادر و فرزند، به هر حال در یک زمان باید اتفاق بیفتد؛ بنابراین در قرآن و روایات، بهترین زمان برای مادر را دو سال تعیین می‌کند و این یکی دیگر از آثار ارتزاق طفل از شیر مادر است. در واقع می‌توان این مرحله را یکی از مراحل مهم رشد - هم از نظر جسمانی و هم از نظر روانی - دانست. شاید این سؤال مطرح شود که این عامل چگونه موجب رشد روانی می‌شود؟ به نظر می‌رسد هرگونه حسن تأمین در نیازها، می‌تواند پایان یک مرحله از رشد و مقدمه‌ای برای رشد بعدی باشد؛ به عنوان نمونه، رشد در مرحله اعتمادسازی و ایجاد حس امنیت در کودک، می‌تواند از این مقوله باشد.

۲،۲،۳. فواید فیزیولوژیک شیر مادر

شیر مادر از تولیداتی است که سریعاً به مصرف می‌رسد؛ لذا همیشه حاضر و در دسترس بوده و از نظر دما (سرما و گرما) کاملاً مناسب است. همچنین دقیقاً مطابق با نیازهای شیرخوار است و این قدرت را دارد که به‌تنهایی جبران‌کننده کاستی‌های نوزاد باشد. شیر مادر برای نوزاد، مانند آنتی‌باکتری عمل می‌کند؛ بنابراین به راحتی می‌تواند با عفونت‌ها مقابله کند و نوزاد را از

بیماری‌های گوناگون حفظ نماید. شیر مادر از نظر هضم آسان است؛ چراکه دارای آنزیم‌هایی است که به روند هضم در دستگاه گوارش کمک می‌کند. آهن و روی موجود در شیر مادر، بهتر از املاح سایر شیرهاست و بهتر جذب بدن نوزاد می‌شود. مهم‌ترین نکته کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند از بهره هوشی بالاتری برخوردارند. (کیمیاگر، ۱۳۹۲)

۲،۲،۴. احترام به درک شیرخوار

فهم شیرخوار از منظر محققانی مانند ویلیام جیمز بی معناست؛ چراکه دوران نوزادی را دورانی پراز آشوب و سردرگمی می‌پندارند. توانایی شناختی و هیجانی نوزاد، از مواردی است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است. به‌طورمثال، در آیه ۷۸ سوره نحل اشاره دارد که انسان درحالی که هیچ نمی‌داند از شکم مادرش خارج می‌شود؛ در این آیه، هرچند در ظاهر امر، دانستن هر چیزی را در انسان نفی کرده، اما این امر بدیهی است که هر موجود مجرد مستقلاً از خودش آگاه است. (رک مصباح، ص ۳۹۶) توجه به کودک و انتقال این درک به کودک، از روش‌های ایجاد اعتماد و اطمینان به حساب می‌آید و از مصادیق تکریم کودک در امر تربیت به‌شمار می‌رود. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَحَقَّقَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَثٌ قَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا حَقَّقْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاحَ الصَّبِيِّ». داستانی از امام صادق عليه السلام نقل کرده‌اند که حاکی از همین مسئله است. ایشان می‌فرمایند: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نماز ظهر و عصر را خواند و دو رکعت آخر را سریع بجا آورد. [بعد از نماز] مردم از ایشان پرسیدند: ای پیامبر خدا! درباره نماز، چیز تازه‌ای آمده است؟ فرمود: این [سؤال] به خاطر چیست؟ گفتند: دو رکعت آخر را سریع خواندی. فرمود: آیا صدای گریه شدید کودک را نشنیدید؟». (کافی، ۱۴۰۷ ق، ص ۴۸) در جایی دیگر عبدالرحمان بن ابی‌لیلی نقل می‌کند: «ما نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که حسین آمد و همین‌طور که بر پشت پیامبر صلی الله علیه و آله و شکم ایشان بالا [و پایین] می‌رفت، بول کرد؛ ابوعبید در غریب الحدیث آورده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: لا ترموا ابنی (بول کردن او را قطع نکنید)، سپس آبی خواست و بر بول او ریخت. ایشان فرمود: ره‌ایش کنید». (شیخ صدوق، ۱۵۷ ق، ص ۲۱۱) امروزه محققان دریافته‌اند که انتقال اضطراب به کودک، یکی از عوامل و سواس در بزرگسالی

خواهد بود و وسواس یکی از اختلالات روانی بسیار شایع در جوامع امروز است که مختل‌کننده روند زندگی اجتماعی است. جالب توجه اینکه رسول اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، در این‌گونه موارد با تساهل رفتار نموده و با علم بر آثار مخرب آن، از سخت‌گیری بی‌جا و ایجاد دین‌گریزی در مردم ممانعت می‌نمودند.

آثار و کیفیت آداب پس از ولادت

انسان پس از ۹ ماه و اندکی کامل شده و به صورت نوزاد^۱ وارد این دنیا می‌شود. از آنجا که عده‌ای از روانشناسان، دوره کوتاه نوزادی را - از نظر درک و فهم - دوره‌ای مشوش می‌دانند، کمتر به بحث و بررسی تأثیرات محیطی بر نوزاد می‌پردازند؛ در حالی که از منظر اسلام، این دوران از هر جهت مورد توجه است.

اعمال مستحبی بسیاری در این زمان توصیه شده است. با توجه به مبارکی روز تولد و پاک‌کردن نوزاد از آلودگی‌های درون رحم، این مناسک مهم هستند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: الْمَوْلُودُ إِذَا وُلِدَ عَقَى عَنْهُ وَحُلِقَ رَأْسُهُ وَتُصَدِّقَ بَوَازِنَ شَعْرِهِ وَرِقًا وَأُهْدَى إِلَى الْقَابِلَةِ الرَّجُلِ وَالْوَرِكِ وَيُدْعَى نَفَرًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَأْكُلُونَ وَيَدْعُونَ لِلْغَلَامِ وَيُسَمَّى يَوْمَ السَّابِعِ؛ هرگاه کودک زاده شد، [مستحب است] والدین برای او عقیقه کنند، سراو را بتراشند و به وزن موی او نقره صدقه بدهند، و ران عقیقه، به قابله هدیه داده شود و گروهی از مسلمانان دعوت شوند؛ آنان بخورند و برای فرزند دعا کنند، و روز هفتم بر او نام بگذارند». (کافی، ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۲۷) در مورد دعا برای نوزاد، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ إِثْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَمْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي بَرْزَةَ الْأَسْلَمِيِّ قَالَ: وُلِدَ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام مَوْلُودٌ فَآتَتْهُ فَرِيشٌ فَقَالُوا يَهْنُوكَ الْفَارِسُ فَقَالَ وَمَا هَذَا مِنَ الْكَلَامِ قُولُوا شَكَرْتَ الْوَاهِبَ وَبُورِكَ لَكَ فِي الْمُؤْهَبِ وَبَلَغَ اللَّهُ بِهِ أَشَدَّهُ

۱. معنای لغوی: نوزاد؛ یعنی «کودک کوچک، صغیر» و معنای اصطلاحی: «در جامعه پزشکی، نوزاد به طفلی اطلاق می‌شود که در ۲۸ روز اول زندگی (از بدو تولد تا ۴ هفته پس از تولد، کمتر از یک ماهه) باشد. کلمه «نوزاد» شامل نوزادان نارس، (نوزادان پست‌میتور از ۱ ماهگی تا ۹ ماهگی) و نوزاد کامل تازه به دنیا آمده، می‌شود. کلمه نوزاد از واژه‌های «نو» و «زاد» گرفته شده که «نو» به معنای جدید و «زاد» به معنای زاده شده است. در اصطلاح عام، به نوزاد یا کودک «نی‌نی» نیز می‌گویند. کلمه انگلیسی آن، infant از infans، به معنای «ناتوان در صحبت نمودن» و یا «لال» مشتق شده است. این به طور معمول به کودکانی بین سنین ۱ تا ۱۲ ماه اطلاق می‌شود؛ با این حال، تعاریف بین از زمان تولد تا ۳ سالگی متفاوت است. «نوزاد»، همچنین به کودکان زیر سن بلوغ قانونی اطلاق می‌شود.

وَرَزَقَكَ بِرَّةً؛ شخصی در تبریک به کسی که پسر دار شده بود، گفت: تولد فرزند سوارکار، بر تو مبارک باد! امام حسن علیه السلام به او فرمود: تو چه می دانی که او سوارکار خواهد شد یا پیاده؟ گفت: فدایت شوم، پس چه بگویم؟ فرمود: بگو سپاس گزاردی بخشنده [ی این نعمت] را و [هدیه خداوند] بر تو مبارک! [امیدوارم] به کمال برسد و خداوند نیکی اش را روزی تو گرداند». (همان، ص ۱۷)

به نظر می رسد برخلاف عرف امروز که انسان پس از مرگ مورد ابراز عواطف و دلتنگی های خانواده قرار می گیرد و روز وفاتش بر اهلس سنگین می آید، باید روز ولادتش مورد توجه واقع شود؛ چرا که با آمدن به این جهان، فرصت رشد و تعالی برای او فراهم شده است و این لطف خداوند را باید با بزرگ شمردن آن روز و حتی دادن ولیمه، شکر کند. لذا امام صادق علیه السلام فرموده: «بزرگ ترین روز انسان، روزی است که زاده می شود و کوچک ترین روز او، روزی است که می میرد». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۸۶)

از دیگر موارد مؤکد در اسلام، نظافت است؛ زیرا آلودگی عامل بیماری های گوناگون است. در روایات هم به نظافت بسیار اشاره شده است و اماکن کثیف را محل زندگی شیاطین دانسته است؛ بنابراین، امام صادق علیه السلام غسل دادن نوزاد را بر والدین لازم می داند: «وَرَوَى عُمَانُ بْنُ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ قَالَ غَسْلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ». (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۲۳)

از موارد دیگر، اهمیت اذان و اقامه است؛ صدای اذان، شیطان را دور می کند و احیاگر روح است و از این رو، گفتن اذان با صدای بلند هنگام نمازهای پنج گانه، عمل پسندیده ای است؛ لذا امام صادق علیه السلام درباره اعمالی که هنگام ولادت نوزاد، ضروری است، می فرماید: «الْحَسْبُ بِنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ أَبَانَ عَنِ حَفْصِ الْكُتَيْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مُرُوا الْقَابِلَةَ أَوْ بَعْضَ مَنْ يَلِيهِ أَنْ تَقِيمَ الصَّلَاةَ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى فَلَا يُصِيبُهُ لَمَمٌ وَلَا تَابِعَةٌ أَبَدًا؛ به قابله یا کسی که نزد اوست، فرمان دهید در گوش راست او اذان بگوید تا هرگز دیوانه و جن زده نشود».

خوردن خاک حرام است، به جز تربت امام حسین علیه السلام؛ این خاک مقدس، در نزد خداوند دارای جایگاه ویژه ای است و تبرک جستن از آن، شفا بخش و ضامن سلامت روح و جان انسان خواهد بود. لذا امام صادق علیه السلام توصیه فرموده است: «کام فرزندان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید تا در امان باشند»؛ «عن ابی عبدالله علیه السلام: حَتَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتَرْتِيبَةِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهَا أَمَانٌ».

(کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۳۸۱)

نامگذاری، در راستای تربیت انتسابی انسان قرار می‌گیرد - که در ابتدای بحث، به طور تفصیلی بیان شده است - در روایات و تاریخ، اهمیت نامگذاری مشهود است و اغلب نامگذاری پیامبران و امامان، از طریق وحی صورت گرفته است.

زمانی که به امام صادق علیه السلام گفته شد: فدایت شوم! ما فرزندانمان را به نام شما و پدرانمان می‌نامیم؛ آیا برای ما سودی دارد؟ فرمود: «آری! به خدا سوگند! آیا، دین، چیزی جز محبت است؟ خداوند فرمود: ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾؛ «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببامرزد». «عن ربیع بن عبدالله قال: قیل لابی عبدالله علیه السلام جعلت فداک انا نسبی بأسمائکم وأسماء آبائکم فینفعا ذلک؟ فقال ای والله، وهل الدین الا الحب؟ قال الله ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾. (حویزی، ج ۱، ص ۳۱۹)

همچنین در جایی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أحمدُ بنُ مُحَمَّدٍ عَن بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا يُؤَلَّدُ لَنَا وَلَا يُؤَلَّدُ إِلَّا سَمِيئَةُ مُحَمَّدًا فَإِذَا مَضَى لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَإِنْ شِئْنَا غَيْرَنَا وَإِنْ شِئْنَا تَرَكَنَا؛ هیچ فرزندی برای ما زاده نمی‌شود، مگر اینکه او را «محمد» می‌نامیم. وقتی هفت روز گذشت، اگر بخواهیم، تغییر می‌دهیم و اگر بخواهیم وامی‌گذاریم». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۸) در احادیث، به چند ویژگی در جهت نامگذاری صحیح اشاره شده است: ۱. اسم‌هایی که دلالت بر بندگی خداوند داشته باشد، مثل «عبدالرحمان»؛ ۲. اسم‌هایی که دارای مسما و معنای نیک باشد، مثل «حمزه»؛ ۳. اسامی چهارده معصوم علیهم السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اولویت قرار دارد؛ ۴. اسم‌هایی مثل «بشیر، میمون، شهاب، مبارک و...» را ناخوش دانسته‌اند.

عقیقه از دیگر مستحبات زمان تولد و از مصادیق صدقه می‌باشد. صدقه و اطعام دادن در راه خدا، انسان را از ابتلائات حفظ می‌کند. هر انسانی برای پرواز به سوی آسایش و آرامش، به دو بال محتاج است؛ یکی سلامتی که تأمین‌کننده آسایش در زندگی است و دیگری، امنیت که تأمین‌کننده آرامش در زندگی است. هیچ‌گاه انسان نمی‌تواند در این دنیای پیچیده شده در سختی‌ها و مشکلات، با آسودگی زندگی کند، مگر اینکه خود را به خدا بسپارد و او را حافظ خود بداند. یکی از تکنیک‌های روانشناسی مثبت‌گرا، توکل در جهت کسب رضامندی است، که روانشناسان غربی به عنوان تکنیک تن‌آرامی یا ریلکسیشن (relaxation) و مدیتیشن از آن

استفاده می‌کنند تا با این روش، دید مثبت انسان نسبت به خود و محیط خود را تقویت کرده و آرامش از دست رفته را به او برگردانند؛ لذا در فرهنگ اسلامی، آثار صدقه در روح انسان، همگرا با آثار این تکنیک‌ها در روانشناسی مثبت‌گرا است. روایتی در کتاب خزینة الجواهر فی زینة المنابر شیخ علی اکبر نهاوندی ذکر شده است به این مضمون که مرگ به صورت گوسفندی در قیامت ظاهر می‌شود که به دست حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام ذبح می‌شود و از این رو دیگر پس از آن مرگی وجود نخواهد داشت. با توجه به این روایت، می‌توان گفت که علت ذبح گوسفند در هنگام تولد و زمان نزول بلا همین است و در اسلام نیز این عمل توصیه شده است تا انسان در امان باشد؛ لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيْقَةِ؛ هِر نوزادی در گرو عقیقه است.» (همان، ص ۲۴)

ولیمه دادن هنگام ازدواج و تولد فرزند، از دیگر سنت‌های پسندیده اجتماعی است که قلوب مؤمنین را به یکدیگر وصل می‌کند. سهیم دانستن مؤمنان در شادی‌ها، نشان‌دهنده همدلی و نزدیکی بین آنان است. دلجویی و توجه به فشر زحمتکش و جبران زحمت نیز یکی دیگر از نکات ظریف در روابط اجتماعی است. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: عقیقه کردن برای نوزاد چگونه است؟ فرمود: «يُعْطَى الْقَابِلَةَ رُبْعَهَا، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ قَابِلَةً فَلِأَمِيهِ، تُعْطِيهَا مَنْ شَاءَتْ، وَتُطْعِمُ مِنْهُ عَشْرَةَ مِنْ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنْ زَادُوا فَهَوَ أَفْضَلُ...»؛ یک چهارم آن به قابله داده شود و اگر قابله نداشت، مادر فرزند به هر کس که خواست آن را بدهد و به ده تن از مسلمانان طعام داده شود و اگر بیشتر شدند بهتر است.» (همان، ج ۱۱، ص ۳۹۰)

امام صادق علیه السلام علت تراشیدن موی سر را عاملی برای رهایی نوزاد از آلودگی‌های درون رحم می‌داند؛ «وَسُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا الْعِلَّةُ فِي حَلْقِ رَأْسِ الْمَوْلُودِ قَالَ تَطْهِيرُهُ مِنْ شَعْرِ الرَّحِمِ». (ابن بابویه، ج ۳، ۱۴۱۳ق، ص ۴۸۴) ایشان همچنین ختنه کردن پسر را از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته‌اند. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: خِتَانُ الْغُلَامِ مِنَ السُّنَّةِ وَحَفْضُ الْجَوَارِي لَيْسَ مِنَ السُّنَّةِ». (کافی، ج ۶، ص ۲۷) امروزه در جوامع مختلف، ختنه کردن از مصادیق رعایت بهداشت به شمار می‌رود. ایشان می‌فرمایند: «اِحْتِنُوا أَوْلَادَكُمْ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ فَإِنَّهُ أَظْهَرُ وَأَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ وَإِنَّ الْأَرْضَ لَتَكْرَهُ بَوْلَ الْأَغْلَفِ؛ روز هفتم [تولد]، فرزندان را ختنه کنید؛ چرا که مایه پاکیزگی بیشتر و رویش زودتر گوشت است و زمین، بول ختنه نشده را ناپسند می‌دارد.» (همان، ص ۳۷) بنابراین، خانواده به عنوان عامل

اصلی در شکل‌گیری شخصیت فرزند - چه در دوران پیش از تولد و چه در دوران پس از تولد - اثرگذار خواهد بود.

جمع بندی

۱. انسان دارای دو بُعد جسم و روح است. او باید برای ارضای نیاز هر دو بُعد تلاش کند و با به کارگیری روش‌های صحیح، تربیت سالمی را برای خود و فرزندانش رقم بزند. با توجه به جامعیت دین اسلام، الگویی کامل تراز تعالیم وحی نمی‌توان یافت. در سراسر جهان، صاحب‌نظران برآنند تا با ارائه متدهای نوین، به ابعاد مختلف این جسم فانی رسیدگی کنند، در حالی که دین ما و برخی از فلاسفه مانند صدرالمتهلین، معتقدند «النفس جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء»؛ بدین ترتیب، اصالت را با روح دانسته و بر روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند.

۲. تمام انسان‌ها دارای الگوی ثابت فطرتند، اما عوامل مداخله‌گر در قالب ژنتیک و محیط زندگی، تفاوت‌های فردی را در انسان‌ها ایجاد می‌کنند؛ البته به نظر می‌رسد این اصل با درصد بیشتری در سنین کودکی انسان - که هنوز قدرت راه‌شناختی کسب نکرده است - قابل قبول است. اما از سنینی که توانایی راه‌شناخت به دست آورد، عامل اعتقادات در قالب پایبندی و اراده به ارزش‌ها، درصد بیشتر اثرگذاری را خواهد داشت. (منظور از قدرت راه‌شناخت، رسیدن به بلوغ ذهنی و قدرت تفکیک خوبی از بدی است. البته با توجه به پیش‌زمینه تربیتی، برخی از افراد سریع‌تر از برخی دیگر به این توانایی دست می‌یابند). بنابراین نمی‌توان گفت اگر کسی نتوانسته در محیطی سالم رشد کند، پس هرگز نمی‌تواند به کمال انسانی برسد.

فهرست منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، عراقی، مجتبی، چاپ اول. قم: دارسیدالشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، غفاری، علی اکبر، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن بسطام، عبدالله وحسین، *طب الأئمة* علیهم السلام، خراسان، محمد مهدی، چاپ دوم، قم: دارالشریف الرضی، ۱۴۱۱ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.
۶. افروز، غلامعلی، *روانشناسی تربیت کودکان و نوجوان*، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۹.
۷. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، *تفسیر نور الثقلین*، رسولی محلاتی، سید هاشم، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، محدث، جلال الدین، چاپ دوم، قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۹. بروجردی، آقا حسین، *جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)*، جمعی از محققان، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)*، خراسان، حسن الموسوی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۲. سایت رسالت، بنیاد آموزش اسلامی، چهارشنبه ۲۲ آوریل ۲۰۱۴.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، غفاری علی اکبر و آخوندی محمد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۵. کیمیاگر، مسعود، *بایدها و نبایدهای دوران شیردهی*، سلامت نیوز، کد خبر: ۷۱۵۶۴، تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۲۸.
۱۶. لورا برک، *روانشناسی رشد*، یحیی سید محمدی، تهران: نشر ارسباران، ۱۳۹۱.
۱۷. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال* چاپ پنجم، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۱ق.
۱۸. محمود منصور، *روانشناسی ژنتیک*، قم: مهر، ۱۳۸۸.
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

بررسی سیره رفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با همسران

رویا کاظمی^۱

چکیده

زندگی خانوادگی، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی زندگی بشری است و همسران به عنوان دو رکن اصلی خانواده، باید برای تعالی آن بکوشند. همسررداری مهارتی است که طی آن، زن و شوهر با شناخت کامل از یکدیگر، می‌توانند به تمام ابعاد نیازهای یکدیگر پاسخ دهند. امروزه یکی از مهم‌ترین منشأ اختلافات همسران، نداشتن الگو برای تبعیت در شیوه همسررداری است. اهتمام اسلام به روابط همسران، سبب شده تا کامل‌ترین الگو در این زمینه را معرفی کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان سرچشمه کمالات بشری، بهترین الگوی رفتاری برای همسررداری تمام انسان‌هاست. به نظر می‌رسد اگر زندگی خانوادگی افراد بر اساس سیره نبوی، سامان یابد، عدالت، محبت، همکاری، گذشت، مدارا، مودت و... بر روابط همسران غالب خواهد شد. در این مقاله سعی شده با روش تاریخی-تحلیلی، به سیره رفتاری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با همسران، پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، مهریه، عدالت، سیره رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. طلبه سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء ع

مقدمه

خانواده به منزله اصلی ترین رکن نهاد اجتماعی بشر، نقش مهمی در تعالی و تکامل انسان دارد. خانواده بر پایه دو عضو اصلی زن و مرد پایه گذاری می شود که هرکدام باید در تداوم و تعادل این زندگی تلاش کنند تا شامل مصداق آیه «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱) باشند و آرامش در زندگی شان برپا شود. رهبران دینی، به ویژه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که وظیفه هدایت بشریت را بر عهده دارند، بهترین الگوی انسان در تمام زمینه های زندگی، به ویژه در زمینه زندگی خانوادگی هستند. رفتار و منش هر فردی، بر اساس تعالیم اسلامی، می تواند یکی از اساسی ترین راه های رسیدن او به تکامل باشد که این معیار مهم، باید در همه ابعاد زندگی انسان ها (خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و...) اجرا شود، اما زندگی خانوادگی به عنوان مهم ترین واحد زندگی بشری، نقش مهمی در رسیدن به این مقصود مهم دارد. همسران برای رسیدن به تکامل، باید مهارت همسرداری را به گونه ای درست و زیبا یاد گرفته و عمل کنند.

همسرداری، مهارتی است که طبق آن، زن و شوهر با شناخت توانمندی ها، تفاوت ها و حساسیت های یکدیگر می توانند به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی و جنسی طرف مقابل پاسخ دهند؛ به طوری که هر دو، احساس رضایت خاطر نموده و به آرامش نسبی دست یابند. کارشناسان متعددی در زمینه مهارت های همسرداری اظهار نظر کرده اند، اما راه حل اصلی این مسئله را باید نزد کامل ترین الگوی انسانیت در عالم هستی جستجو کرد؛ زیرا قرآن کریم، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و روش و سیره ایشان را بهترین اسوه و راهنما معرفی می کند:

«لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة»؛ «یقیناً برای شما در (روش و رفتار) پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،

الگوی نیکویی است». (احزاب: ۲۱)

سیره به معنای روش، رفتار، سنت، طریقت و هیأت است و در این مقاله نیز، در واقع سیره شناسی خانوادگی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بازشناسی ارزش هایی است که در کردار و رفتار بهترین مخلوق و محبوب خدا در ارتباط با همسرانشان، تجسم عینی یافته و قابلیت الگوگیری برای همگان را دارد. مقاله حاضر در صدد تبیین رفتار پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با همسرانشان است تا بتواند تصویری مختصر از نمونه بارز زندگی خداپسندانه ارائه دهد؛ زیرا سیره نبوی، یکی از منابع چهارگانه شناخت اسلام است. بنابراین سعی شده از یک سو با استفاده از منابع تاریخی تحلیلی و

از سویی دیگر، با سیر در روایات، به تبیین موازین و شاخصه‌های اساسی برخورد رسول اکرم ﷺ در ارتباط با همسرانشان پرداخته شود.

در واقع سعی این مقاله بر آن است تا پاسخی به این پرسش‌ها بدهد که سیره و نوع برخورد پیامبر ﷺ با همسرانشان، در زندگی خانوادگی چگونه بوده است؟ ایشان محبت و مودت خویش را از چه راه‌هایی به آنان ابراز می‌نمودند؟ در برابر ناملازمات و ناسازگاری‌های زنان خویش چه برخوردی اتخاذ می‌کردند؟

۱. اهمیت تشکیل خانواده و همسراری، از دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ

تشکیل خانواده در سنت پیامبر اکرم ﷺ اعتبار و ارزشی ویژه دارد؛ دیدگاه آن حضرت از خانواده و اینکه این بنیاد چگونه بنیادی است و با آن چگونه باید رفتار کرد، موجب شگفتی است. تعابیر رسول خدا ﷺ در اهمیت تشکیل خانواده و جایگاه آن، والاترین تعابیر است؛ به گونه‌ای که هیچ چیز با آن قابل قیاس نیست. از آن حضرت روایت شده است که فرمودند:

«ما بُئِي فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَأَعَزَّ مِنَ التَّرْوِيجِ؛ هیچ بنایی در اسلام پایه‌گذاری نشده است که در پیشگاه خدای عزوجل محبوب‌تر و ارجمندتر از تشکیل خانواده باشد». (دلشاد
تهرانی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۷-۲۱)

زمانی که شخصی چون پیامبر گرامی اسلام ﷺ جایگاه خانواده را چنین معرفی کرده است، به درستی مشخص می‌شود که هیچ بنیانی در هستی - از نظر ارزشی - با آن برابری نمی‌کند؛ زیرا رسول اکرم ﷺ «سید الفصحاء والعقلاء» هستند و اغراق در کلام ایشان راه ندارد.

از آنجا که خانواده، نهادی فطری است؛ آدمی به سبب فطرت خود و کمال خواهی، تشکیل خانواده می‌دهد و هرچه فطرتش بیدارتر و نورانی‌تر باشد، خانواده دوستی‌اش بیشتر خواهد شد. رسول گرامی اسلام ﷺ بر این امر مهم تأکید می‌نمودند؛ ایشان فرموده‌اند:

«كلما إذا زاد العبد إيماناً أزداد حبا للنساء؛ هرچه ایمان بنده افزوده شود، دوستی‌اش به زن [و خانواده] بیشتر می‌شود». (دلشاد، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۲)

رسول اکرم ﷺ همان‌گونه که بر دوستی خانواده و اهمیت تشکیل آن مبادرت می‌ورزیدند، با مخالفان آن نیز برخورد می‌کردند؛ از امام علی ؑ نقل شده که فرمودند:

عده‌ای از یاران رسول خدا ﷺ همبسترشدن با زن، غذا خوردن در روز و خواب شب را بر خود حرام کرده بودند.

ام سلمه جریان را برای پیامبر ﷺ نقل نمود؛ پیامبر ﷺ سراغ آنان رفته و فرمود: آیا نسبت به زنان بی میل هستید؟ همانا من پیامبر با زنان همبستر می‌شوم، روز هنگام غذا می‌خورم و به گاه شب می‌خوابم؛ پس هر کس از سنت من روگردان شود، از من نیست. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵-۱۹۹)

۲. همسران پیامبر ﷺ

عده‌ی زنانی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ به عقد خویش درآوردند، پانزده زن (طبری، ترجمه پاینده، ج ۴، ص ۱۲۸۸) و طبق نقل دیگری، سیزده زن (ابن هشام، ترجمه رسولی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۲۱) بودند که با یازده نفر از آنان عروسی کردند و هنگام رحلتشان، نه تن از زنان ایشان با حضرت بودند. اسامی این زنان بدین شرح است:

ام حبیبه، ام سلمه، عایشه، حفصه، سوده، زینب دختر جحش، میمونیه، جویرییه و صفیه. نخستین همسر رسول خدا ﷺ حضرت خدیجه رضی الله عنها دختر خویلد است که به گفته‌ی برخی، برادرشان عمرو بن خویلد ایشان را به عقد پیامبر ﷺ درآورد و آن حضرت مهریه‌اش را بیست شتر قرار داد؛ به جز ابراهیم، تمام فرزندان رسول خدا ﷺ از آن بانوی محترم بود. (احمد بن یحیی بن جابر، ترجمه البلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳)

تا حضرت خدیجه رضی الله عنها زنده بود، رسول خدا ﷺ زن دیگری اختیار نکردند. عایشه، دختر ابوبکر، هفت سال داشت که در مکه به عقد رسول خدا ﷺ درآمد. چون نه‌ساله یا ده‌ساله شد، پیامبر اکرم ﷺ با او زفاف نمودند و او تنها زنی بود که هنگام ازدواج با رسول گرامی ﷺ باکره بود. عایشه را پدرش ابوبکر به عقد پیغمبر ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهر او قرار دادند. سوده دختر زمعه را سلیط بن عمرو یا ابوحاطب بن عمرو به ازدواج رسول خدا ﷺ درآورد و پیغمبر ﷺ چهارصد درهم مهر او قرار دادند. (ابن هشام، ۱۳۷۷، ص ۴۲۲)

ام سلمه دختر ابی امیه بن مغیره مخزومی را پسرش سلمه بن ابی سلمه به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت تُشکی که لایه‌اش خرما بود، با قدح و کاسه و دستمالی، مهریه‌اش کرد. زینب

دختر جحش را هم برادرش ابواحمد بن جحش به تزویج پیامبر گرامی ﷺ درآورد و آن حضرت مهر او را نیز چهارصد درهم قرار دادند. حفصه دختر عمر بن خطاب، که پیش از آنکه به عقد پیامبر اسلام ﷺ درآید، همسر خبب بن خزافه سهمی بود. عمر بن خطاب او را به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهریه او کردند. ام حبیبه، دختر ابی سفیان که نامش رمله بود؛ خالد بن سعید بن عاص، در حبشه به نیابت از طرف رسول خدا ﷺ چهارصد درهم مهرش کرد. (واقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۵۱)

جویریة دختر حارث بن ابی ضرار، از زنانی بود که در جنگ بین المصطلق اسیر شد و در سهم ثابت بن قیس انصاری قرار گرفت. وی برای آزادی خود، با ثابت قراردادی نوشت که با پرداخت مبلغی آزاد شود؛ از این رو به نزد رسول خدا ﷺ آمد و برای پرداخت آن مبلغ از حضرت کمک خواست. رسول خدا ﷺ مبلغ را پرداختند و پس از آن، به جویریة پیشنهاد ازدواج دادند و او پذیرفت و بدین ترتیب با وی ازدواج فرمودند و صداق او را چهارصد درهم تعیین کردند. صفیه دختر حی بن اخطب نیز از اسیران خیبر بود، رسول خدا ﷺ او را به خود اختصاص دادند و برای ازدواج با او ولیمه‌ای دادند که گوشت و روغن در آن ولیمه نبود و آن را از آرد و خرما تهیه کرده بودند. میمونه دختر حارث بن حزن که عباس بن عبدالمطلب او را به همسری پیامبر اکرم ﷺ درآورد و چهارصد درهم نیز مهریه‌اش کرد. زینب دختر خذیمه، زنی بود که به واسطه عطوفت و مهربانی با مساکین و فقرا، او را ام‌المساکین نامیده بودند. قبیصة بن عمرو هلالی او را به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهر او کردند. (احمد بن یحیی بن جابر، ترجمه البلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳)

همان طور که در معرفی همسران پیامبر ﷺ ذکر شد، شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که مهریه اکثر همسران پیامبر ﷺ یکسان بوده است. در ادامه، به ابعادی از سیره رفتاری پیامبر ﷺ پرداخته خواهد شد که مهریه همسران، یکی از موارد بررسی شده در سیره رفتاری کامل‌ترین انسان عالم هستی است.

۳. رفتار پیامبر ﷺ با همسران

درباره خصوصیات روحی، سجایای اخلاقی و جزئیات رفتار و گفتار یک فرد، هیچ‌کس نمی‌تواند

همانند همسر و شریک زندگانی اش داوری کند؛ زیرا در فراز و نشیب‌های زندگی، با وی همراز و همراه بوده است. یکی از همسران رسول خدا ﷺ که اغلب در محضر پیامبر ﷺ و مصاحب ایشان بوده است، در جمله‌ای کوتاه و فشرده، تصویر رسایی از زندگی خانوادگی آن بزرگوار ترسیم کرده است که گویای حقایق بسیاری است؛ عایشه گوید: «رفتار خانوادگی او نسخه‌ی کاملی از تعالیم قرآن بود». (بعلبکی، ۱۹۷۶، جزء سوم، ص ۲۵)

هرچند قلم، قاصر از بیان رفتار و سجایای چنین شخصیت بزرگوار است، اما در حدّ توان، به نمونه‌هایی از رفتار ایشان با همسرانشان پرداخته می‌شود.

۱-۳. مساوات و عدل بین همسران

پیامبر اکرم ﷺ همواره عدالت و مساوات را در تمام جنبه‌های زندگی میان همسران، رعایت می‌فرمودند، که این محور اصلی و مهم، در چند مورد بررسی می‌شود.

۱-۱-۳. مهریه و نفقه

رسول گرامی ﷺ برای هر یک از همسران خویش مهریه‌ی مساوی قرار دادند و مهریه‌ی هیچ‌کدام را بیش از دوازده و نیم رقیه که معادل چهارصد و هشتاد درهم است تعیین نفرمودند. (واقعی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ۱۳۸، ج ۸، ص ۱۶۶-۱۶۷ و علامه طباطبایی، ترجمه عزیزی ۱۳۸۳، ص ۲۰۱-۲۰۲) و ملاحظاتی از قبیل قریشی، غیر قریشی، جوان و غیر جوان... در مهریه دخالت نداشت. این تساوی به طور یقین اثر مثبت خود را در ذهن زنان می‌گذارد تا خود را از نظر شخصیت و سایر امور، همانند یکدیگر ببینند. اگر یکی از آنها ویژگی یا وضعیت خاصی داشت، پیامبر ﷺ به نحو دیگری جبران می‌کردند و با زبان یا عمل، به گونه‌ای رفتار می‌نمود که تساوی و برابری، برتری شخصی را از بین نبرد.

البته برای صفیه و جویریّه چنین مهریه‌ای ذکر نشده (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲)، شاید به این جهت که صفیه اسیری بود که به اسارت درآمد و حضرت او را برای خود انتخاب کرد و به این افراد مهریه‌ای تعلق نمی‌گرفت. در واقع آزادی او مهریه‌اش بوده است. جویریّه هم اسیری بود که سهم ثابت بن قیس انصاری شد و با او قرارداد نوشت که در مقابل پرداخت پول به عنوان «مال الکتابه»

آزاد شود، که رسول گرامی ﷺ هزینه آزادی او را پرداختند.
از نظر نفقه و هزینه زندگی نیز رسول اکرم ﷺ رعایت برابری و تساوی را می‌کردند؛ مثلاً پس از فتح خیبر، به هر کدام از همسران صد «وسق» پرداختند. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲)

۲-۱-۳. تقسیم وقت میان همسران

یکی دیگر از خصایص ویژه پیامبر ﷺ، تقسیم وقت میان همسران است. ایشان روزهای خود را میان همسرانشان تقسیم می‌فرمودند.

نقل شده است که تمام حجره‌های همسران، بر کرانه چپ قبله مسجد تا جایگاه منبر قرار داشته است که این حجره‌ها از شاخه‌های خرما بود و بر درهای آن، پرده‌های سیاه مویین آویخته شده بود. (واقدی، ترجمه مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۶۹)

پیامبر ﷺ پس از نماز صبح، به حجره هریک از همسرانش سر می‌زدند و از آنان احوال‌پرسی می‌کردند. ایشان هر شب در اتاق یکی از آنان به سر می‌بردند و تساوی را کاملاً رعایت می‌کردند؛ حتی در دوران بیماری - که منجر به وفاتشان شد - نیز چنین عمل می‌کردند، تا اینکه بیماری بر ایشان سخت شد. حضرت فاطمه رضی الله عنها پیش همسران آن حضرت رفتند و فرمودند: «برای رسول خدا صلی الله علیه و آله، گردش میان شما و از این خانه به آن خانه آمدن دشوار است». آنها در جواب گفتند: «در کمال آزادی باشد». بنابراین، آن حضرت در خانه عایشه بستری شدند. (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص ۵۳) شاید ماندن در خانه عایشه به این جهت بود که او جوان‌تر بود و می‌توانست از عهده کارهای منزل و مداوای حضرت برآید.

آن بزرگوار، حتی در سفرها و جنگ‌ها هم رعایت تساوی را می‌نمودند و پیوسته قرعه می‌کشیدند و طبق آن، یکی از همسران را همراه خود می‌بردند. شایان ذکر است که چون زمان و مدت غزوه‌ها معلوم نبود، راهی بهتر از قرعه کشیدن برای رعایت عدالت و برابری وجود نداشت. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵)

این همه اصرار بر تساوی و برابری بین همسران و حتی اجازه خواستن از آنان در برخی موارد، از سوی کسی است که خداوند به او اجازه داده است که نوبت هرکدام از همسران را که خواست به تأخیر بیندازد؛ چنان‌که در آیه ۵۱ سوره احزاب به آن اشاره شده است.

اما با این حال، زبان به دعا می‌گشودند و می‌فرمودند:

پروردگارا! این تقسیم من در موردی است که خود توان آن را دارم و در اختیار من است؛ درباره چیزی که در اختیار توست و مرا در آن توانی نیست نکوهشم مکن.

(علامه طباطبایی، ص ۲۰۱-۲۰۲ و واقدی، ص ۱۷۴)

۳-۲. ایجاد فضای عاطفی

برقراری روابط عاطفی صحیح با همسران و ایجاد فضای عاطفی و محبت‌آمیز در خانواده، از دیگر ویژگی‌های اخلاق والای پیامبر ﷺ است که به ابعادی از آن پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱ عطف و مهربانی

جلالت و عظمت مقام شامخ رسالت، هرگز مانع آن نبود که پیامبر ﷺ از همسران خویش فاصله گرفته باشند یا میان خود و همسران حدود و شرایطی قائل شوند، بلکه مهر و عطف و احترام به مصالح خانوادگی ایشان به حدی بود که گاهی برخی از همسران را به سوء استفاده از رفتار انسانی و ملکوتی آن حضرت وا می‌داشت، اما ایشان با کمال بزرگواری با آنان برخورد می‌کردند و می‌فرمودند:

مؤمن‌ترین مردم، کسانی‌اند که با خانواده خود خوش خلق‌تر باشند و بیشتر از همه به آنان لطف و محبت کنند و من بیشتر از شما به خانواده‌ام لطف و مهربانی می‌کنم. (بعلبکی، ۱۹۷۶، ص ۲۷۴)

۳-۲-۲. رعایت روحیه همسران

از دیگر ویژگی‌های پیامبر ﷺ که محبت همسران را به همراه داشت، رعایت روحیات آنان و ابراز علاقه به تمامی آنان، مناسب با شأن هر یک بود؛ به طوری که هیچ‌کدام احساس نمی‌کرد دیگری نزد پیامبر ﷺ محبوب‌تر از او است. مثلاً وقتی می‌دیدند عایشه زن جوانی است که دوست دارد محبوب شوهر خود باشد، با الفاظی نظیر «کلمینی یا حمیرا» محبت او را به خود جلب می‌کردند؛ یا وقتی با ام سلمه - که دارای فرزندان بود و بچه‌هایش را نیز بسیار دوست می‌داشت

مواجه می‌شدند، احوال فرزندانش را می‌پرسیدند و بر آنان اسم جدیدی می‌گذاشتند تا نشانهٔ اعتنا به آنان باشد. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹)

ایشان با خطاب زیبا، دل همسران خود را به دست می‌آوردند و همان‌گونه که اشاره شد، هر کدام را متناسب با روحیهٔ خودشان نامگذاری می‌کردند. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرمودند: سه چیز دوستی و محبت را بین دو مسلمان تقویت می‌کند و صفا و صمیمیت را در میان آنان حاکم می‌سازد:

هنگام ملاقات با خوش‌رویی و چهره‌ای گشاده برخورد کند، برای نشستن مسلمان دیگر جا باز کند و با بهترین نامی که دوست دارد او را صدا کند. (کلینی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۰۸)

۳-۲-۳. داشتن روحیهٔ تعذیر

یکی از زیباترین خصایص پیامبر ﷺ در رفتار با همسران، داشتن زبان اعتذار بود؛ ایشان در مواردی، از کارهای خویش عذرخواهی می‌کردند. صرف‌نظر از اینکه پیامبر ﷺ معصوم هستند و گناهی انجام نمی‌دهند و گذشته از اینکه ایشان از فکری سرشار و قدرت تصمیم‌گیری بالا برخوردارند و آنچه انجام می‌دهند، نه تنها صلاح امت اسلامی، بلکه صلاح جامعهٔ بشری است، با این حال از کارهای خود که ضرری متوجه شخصی خاص می‌کرد، عذرخواهی می‌نمودند.

برای مثال؛ در جنگ خیبر، پدر، عمو، شوهر و برخی خویشان دیگر صفيه کشته شدند. هرچند مقصراصلی خود آنان بودند، ولی پیامبر ﷺ در مورد کشته شدن آنان، از صفيه عذرخواهی کردند و فرمودند: «از تو عذر می‌خواهم که خویشانت کشته شد، ولی آنان بودند که علیه من توطئه کردند». (عابدینی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷)

همچنین ایشان در زندگیشان - به ویژه در زندگی خانوادگی - عذرپذیر بودند و در صدد تحقیق بر نمی‌آمدند که عذر طرف مقابل واقعی است یا ظاهری. سوده می‌گوید:

بعد از جنگ بدر، وقتی به اتاقم برگشتم، سهیل بن عمرو را دیدم که در گوشه‌ای از حجره‌ام دست‌هایش را با طناب به گردنش بسته است؛ گفتم با دست خودتان ذلت را پذیرفتید، چرا با بزرگواری مرگ را پذیرا نشدید؟ ناگهان کلام رسول خدا ﷺ مرا متنبه ساخت که فرمودند: ای سوده! آیا بر (برای) خدا و رسول او تحریک و ترغیب می‌کنی؟ گفتم: ای رسول خدا ﷺ! سوگند

به آنکه تو را به حق مبعوث کرد، هنگامی که سهیل بن عمرو را به این حالت دیدم، اختیار از کفم بیرون رفت و گفتم آنچه را که گفتم. (ابن هشام، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۴۵)

سوده از عدم شرکت سهیل در جنگ بدر ناراحت بود و او را سرزنش می کرد. پیامبر ﷺ سخنان سوده را شنیدند و از این کار وی جلوگیری کردند، اما برای همسرشان سخت گیری نکرده و عذرش را پذیرفتند. رسول گرامی ﷺ به مجرد عذر آوردن سوده راضی شدند و قضیه را پی نگرفتند که آیا واقعاً بی اختیار سخن گفت، یا قصد تحریک داشت؟

۳-۲-۴. هدیه دادن به همسر

اسلام از هر فرصتی استفاده کرده و به پیروانش دستور داده که در هر روز عید، شیرینی و هدایایی بخرند و به خانه آورند تا بدین وسیله، همسر و فرزندانشان را خوشحال کنند و دلشان را آکنده از مهر و محبت سازند؛ چراکه این شیوه رهبران دینی، به ویژه پیامبر اسلام ﷺ است. امام صادق علیه السلام فرموده اند:

رسول اکرم ﷺ هرگاه در روز عید عطری به دست می آوردند، ابتدا آن را به

همسران خود می دادند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۲۵۲)

ایشان در حدیثی می فرمایند:

کسی که از بازار هدیه ای برای همسر خود تهیه کند، مانند کسی است که نیاز

نیازمندان را تأمین می کند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲۵۷)

۳-۲-۵. مدارا کردن با همسر

مدارا، خویشتن داری، کرامت و بزرگواری، همواره سیره و روش رسول خدا ﷺ در برخورد با همسرانشان بوده است. اگر پیامبر گرامی ﷺ از یکی از همسران خویش ناسازگاری می دیدند، سریع خشم نمی گرفتند، بلکه از راه های مختلف می کوشیدند او را متوجه اشتباه خود کنند.

گاهی خطاهای همسران، تجاوز به حقوق پیامبر ﷺ بود که در این صورت بدون یادآوری به آنان، از کنار این قضیه می گذشتند و آنان متوجه اشتباه خود شده و سرافکنده می شدند و گاه خطاها و اشتباهاتشان در امور مربوط به دیگران بود، که رسول خدا ﷺ با گفتار و کرداری

مناسب، آنان را متوجه می‌کردند و اگر اشتباهشان ناشی از جهالت بود، با بیانی خوش، این نقیصه را برطرف می‌نمودند؛ به عنوان نمونه، زمانی که عایشه به ایشان گفت: «دهانت بوی مغفیر^۱ می‌دهد، آیا مغفیر خورده‌ای؟»، حضرت هیچ تحقیقی نکردند که آیا وی راست می‌گوید، یا نقشه‌ای کشیده؟ بلکه با سخت‌گیری بر خود و محروم ساختن خود از خوردن عسل، مشکل را حل کردند و سوگند یاد کردند که دیگر از آن ننوشند. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴)؛ درحالی‌که پیامبر خدا ﷺ مغفیر نخورده بودند، بلکه عسلی که همسر دیگر ایشان به نام زینب بنت جحش برایشان درست کرده بود، نوشیده بودند. اما بدون تحقیق از نیت همسرشان، با روی خوش، مدارا پیشه کرده و حتی خوردن چیز حلالی را بر خود ممنوع کردند.

۳-۳. کمک به همسر

پیامبر اسلام ﷺ پس از فراغت از کارهای بیرونی و اجتماعی، در کارهای خانه به همسرانشان کمک می‌کردند. حضرت لباس‌های خود را واری و کفش‌های خود را اصلاح می‌کردند. گوسفندان را می‌دوشیدند و برای رفع نیازمندی‌های همسران تلاش می‌کردند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ص ۲۵۷) گاهی نیز خانه‌ی خویش را جارو می‌فرمودند؛ شتر را به جای خود روانه می‌ساختند و در سایر کارهای داخلی کمک می‌کردند. (عقاد، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۲)

جالب توجه است که رسول خدا ﷺ با وجود مسئولیت‌های فراوانی که داشتند، از کمک به کارهای منزل دریغ نمی‌کردند و سعی می‌کردند باری از دوش همسران خویش بردارند. همواره سعی می‌کردند کارهای شخصیشان را خود انجام دهند و تا حد امکان در انجام کارهای خانه، از همسرانشان دستگیری کنند. عظمت شامخ رسالت و نبوت، هرگز سبب نشده بود که ایشان از کمک به همسران خودداری ورزند یا به انجام کارهای شخصی خویش توجه نکنند، بلکه انجام چنین کارهایی را احسان در راه خدا تلقی می‌کردند و مکرر می‌فرمودند:

کمک به همسر در کارهای منزل، صدقه و احسان در راه خداست. (عقاد، ۱۴۱۴، ص ۱۹۲)

۱. عطر درختانی از حجاز، به نام عرقط بود و بوی نامناسبی داشت.

نتیجه‌گیری

با بررسی منابع و گزارشات تاریخی در موضوع شیوه همسرداری رسول خدا ﷺ، چنین برمی‌آید که تشکیل خانواده در سنت پیامبر اکرم ﷺ اعتبار و ارزشی ویژه دارد و تلقی آن حضرت از خانواده و اینکه این بنیاد چگونه بنیادی است و با آن چگونه باید رفتار کرد، موجب شگفتی است.

به تحقیق روشن شد که رفتار آن حضرت با همسرانش، همواره بر انصاف و مدارا استوار بوده و در تمام زندگی خود، خشونت خانوادگی را در تمام جلوه‌ها و مراتبش نفی می‌کردند. نه تنها پیامبر اکرم ﷺ در تمام احوال و شرایط، در نهایت رحمت و مودت و مدارا و ملایمت، با همسران خود می‌زیستند، بلکه در برابر تندی برخی از آنان، صبر و حلم می‌ورزیدند و هرگز در قبال خواسته‌های ناصواب برخی از ایشان و رفتار درشت برخی دیگر، تندی نمی‌نمودند و رحمت و محبت و مودتشان نسبت به همسران‌شان به طور مداوم ثابت بود.

چه خوب است که انسان در زندگی خویش، چنین شخصیت والا و بزرگواری را سرلوحه و سرمشق رفتار و منش خود قرار دهد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن هشام، *سیره نبویه ابن هشام*، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: نشر کتابچی، ۱۳۷۷.
۲. الامام احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، ترجمه البلاذری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۳. اسماعیلی، ذبیح الله، *تربیت نبوی*، قم: سبط اکبر، ۱۳۸۵.
۴. بعلبکی، منیر، *حیاه محمد*، تصحیح محمدعلی مولانا، بیروت: انتشارات دارالعلم، ۱۹۷۶م.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیره نبوی*، منطق عملی، تهران: دریا، ۱۳۸۶.
۶. طباطبایی، محمدحسین، *سنن النبی*، ترجمه عباس عزیزی، قم: صلاه، ۱۳۸۳.
۷. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۵۲.
۸. عابدینی، احمد، *شیوه همسرمداری پیامبر ﷺ به گزارش قرآن و سنت*، تهران: هستی نما، ۱۳۸۱.
۹. عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعه*، ترجمه شیخ علی صحت، تهران: ناس، ۱۳۶۱.
۱۰. عقاد، عباس محمود، *العقربیات الاسلامیه*، بیروت: دارالکتب لبنانی، ۱۴۱۴ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۰.
۱۲. نوری طبرسی، حسین، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۵ق.
۱۳. واقدی، محمد بن سعد کاتب، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها السلام در ارتباط با همسررداری

ثریا شاعیدی^۱

چکیده

لزوم شناخت الگوی کامل در تعاملات رفتاری همسران، موجب استحکام و بالندگی مهم‌ترین نهاد جامعه، یعنی خانواده می‌شود. در این گستره، حضرت ام‌المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام به عنوان یکی از بهترین الگوها معرفی می‌شود. سیره ایشان در رابطه با همسر، معرف معیار ارزشی در این موضوع است. در این خصوص، از منابع تاریخی - روایی به شیوه کتابخانه‌ای بهره برده شده و از روش توصیفی - تحلیلی، در ارائه مطالب، کمک گرفته شده است. در سیره رفتاری آن حضرت، یافته‌هایی چون درایت، نواندیشی و معنویت‌جویی، از مهم‌ترین اصول ارزشی در انتخاب شریک و همراه زندگی است. نیکو شوهررداری کردن در هنگام بروز سختی‌ها و برقراری روابط کلامی مورد علاقه با همسر، فرزندپروری، اطاعت‌پذیری و نگرش ارزش‌مدارانه نسبت به همسر، نمونه‌هایی از جلوه‌های بارز همسررداری خدیجه کبری علیها السلام است.

واژه‌های کلیدی: خدیجه کبری علیها السلام، الگو، رفتار، ارتباط، همسررداری

۱. طلبه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهرا علیها السلام

مقدمه

یکی از ابعاد مهم و اثرگذار در سبک زندگی اسلامی - که سهم والایی در نشاط و استحکام خانواده و در نتیجه، اجتماع بشری دارد - شیوه شوهرداری بانوان است؛ همان طور که پیامبر ﷺ فرمودند: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُلِ؛ جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۳۷۰)، لذا یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش سبک شوهرداری به بانوان است. امروزه بسیاری از اختلافات، ناهنجاری ها و مشاجراتی که طعم زندگی را به کام زن و شوهر و فرزندان شان تلخ می کند، نداشتن الگوی کامل برای اداره صحیح خانواده است.

اگر جامعه ای بخواهد زندگی مشترکی را با شالوده های متین و نامتزلزل بنا نماید، باید الگوی برتر رفتار زن با شوهر در خانواده را بشناسد و سپس آن را سرمشق خویش قرار دهد و در جهت همانند شدن با آن الگو، بکوشد.

خدیجه رضی الله عنها در طول ۲۵ سال زندگی مشترک، به عنوان اولین زن تشکیل دهنده خانواده مسلمان، کوشید تا با رعایت حقوق و آداب همسرداری، نهایت تلاش خویش را برای کسب خشنودی همسر و سازگاری با وی، به عمل آورد.

این نوشته، نگاهی است نو و زنده به سیره درخشان و الهام بخش خدیجه رضی الله عنها همسر و همراه آرمان های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در فضایی آکنده از تعصب کور جاهلی و پیروی از رهبران تاریخ فکر و ستم پیشه، که سمبل معنویت و اخلاق می شود و مردم روزگارش او را پاک منش و پاک روش نام می نهند.

بدون تردید، مهم ترین فراز زندگانی حضرت خدیجه رضی الله عنها، پیوند ایشان با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود. ازدواج آن بانوی عاقله و کامله با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حمایت ها و پشتیبانی های بی دریغ ایشان از آن حضرت، نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که حضرت خدیجه رضی الله عنها را در شمار برترین زنان تاریخ ساز قرار می دهد. در روایتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را «صدیقه امت اسلامی» نامیدند: «هذه صدیقه امتی». (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۲)؛ به همین دلیل نوشتار حاضر، با هدف درس آموختن و الگوگرفتن از سبک شوهرداری پُر جاذبه حضرت خدیجه رضی الله عنها برای دختران و زنان کمال طلب و روشن فکر تدوین شده است و چگونگی رفتار و زندگی مشترک خدیجه رضی الله عنها با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به عنوان رهبر امت اسلامی، سؤال اصلی پژوهش حاضر است. در راستای موضوع مقاله، محققان

پژوهش‌های فراوانی انجام داده‌اند، از آثار مستقل دربارهٔ خدیجه کبری علیها السلام می‌توان به کتاب فروغ آسمان حجاز، نوشتهٔ علی کرمی فریدنی (۱۳۸۲) اشاره نمود که در یکی از بخش‌های کتاب خود، به سه دهه زندگی و دغدغه‌های مشترک آن حضرت پرداخته است. استاد حسین تهرانی (۱۳۹۲) نیز در کتاب خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری علیها السلام، با ذکر ویژگی‌های وی، همانند حسن رفتار با همسر، راستی و درستی، مقاومت و صبوری، به بررسی شخصیت آن بانوی بافضیلت پرداخته است. افزون بر کتاب‌های یاد شده، به مقالهٔ ویژگی‌های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تألیف مؤسسهٔ سبطین نیز می‌توان اشاره کرد. با این حال هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، نگاه مستقلی به الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام در همسرداری ندارند، اما تحقیق حاضر، با ذکر نمونه‌هایی از آیین همسرداری آن بانوی بافضیلت، در پی ارائهٔ الگوی صحیح همسری، برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

جلوه‌های سبک همسرداری حضرت خدیجه علیها السلام

۱. داشتن معیارهای الهی در ازدواج

گزینش صحیح همسر مبتنی بر آموزه‌های دینی، به تشکیل خانواده‌ای پایدار می‌انجامد. در پیوند دو انسان، اهداف و انگیزه‌ها برای زندگی مشترک، متفاوت است. داشتن انگیزه‌ای الهی و معنوی، و نه احساسی و مادی، از نکاتی است که در متون دینی بر آن تأکید شده است؛ چراکه این امر، تأثیر انکارناپذیری بر موفقیت و تداوم پیوند زوجین دارد. هدف برخی، مادی و رسیدن به جاذبه‌های ظاهری است و در اندیشهٔ پاسخ‌گویی به نیاز جسم هستند، اما برخی دیگر در اندیشهٔ جاذبه‌های معنوی و یافتن مونس‌ی امین برای پیمایش راه کمال و سعادت هستند.

ازدواج از دیدگاه اندیشمندان معنوی‌گرا، پاسخی است به نیازهای روحی و روانی و عاطفی انسان؛ قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». (روم: ۲۱)

از بالاترین فضائل حضرت خدیجه علیها السلام می‌توان به اندیشه بلند و بصیرت عمیق ایشان اشاره کرد که در مراسم خواستگاری اش، خطاب به حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ملاک و معیار اصولی خود را این چنین معرفی می‌کند:

«يَا بِنَ عَمَّ! إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقِرَاتِكَ مِنِّي وَشَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَأَمَاتِكَ عِنْدَهُمْ وَحُسْنِ خُلُقِكَ وَصِدْقِ حَدِيثِكَ؛ ای پسرعمو! من به خاطر خویشاوندی‌ات با من و شرف و امانتداری‌ات در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راستگویی‌ات، به تو تمایل پیدا کردم». (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۰۱؛ طبری، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۲۱ و اربلی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۰۹)

به گواهی تاریخ، انگیزه‌های خردگرایانه و نوگرایانه خدیجه علیها السلام برای انتخاب شریک و همتای زندگی، ایمان و آگاهی ژرف به تقوا و پاکدامنی و نجابت محمد امین صلی الله علیه و آله و آینده درخشان او بود و هرگز این اصول و ارزش‌ها، در زندگی پُر از فراز و نشیب او و توفان تاریک اندیشی روزگار، تابع احساسات و دستخوش آفت‌ها نشد.

گزینش شگفت و سرنوشت‌ساز بانوی بادرایت قریش، ناشی از بینش و منش پاک و استوار بود؛ به حدی که در پاسخ به گروهی از زنان قریش فرمود:

«ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما و خودتان در مورد ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خرده گرفته‌اید و عیب‌جویی می‌کنید. من از خود شما می‌پرسم، آیا در میان شما، فردی مانند محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد؟ آیا در شام و مکه و اطراف آن، شخصیتی بسان ایشان در فضائل و اخلاق نیک سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۸۱)

امام صادق علیه السلام در مورد انگیزه آن بانوی بافضیلت و معنویت، در پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خدیجه همان بانویی است که به خاطر کمال جویی و آینده‌نگری، خود را به همسری پیامبری آزاد درآورد؛ چراکه پرتوی از نویدها و بشارت‌های کتاب‌های آسمانی پیشین را از زبان دانایان و پارسایان روزگار خویش، در وصف محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود». (حمیری، ۱۴۰۵، ص ۳۲۵)

ملاک و معیار خدیجه علیها السلام در انتخاب محمد صلی الله علیه و آله به همسری و ادامه زندگی با او، مخالف معیارهای نظام اشرافی مکه - و حتی زندگی خانواده‌های معمولی - بود و زندگی خدیجه علیها السلام در

گذر از رفاه به فقر، فقط قابل تحلیل با عشق خالص خدیجه علیها السلام به محمد صلی الله علیه و آله بود و آن هم نه عشق وصال، بلکه عشقی تشنگی افزا و معرفت افزون. (زرگری نژاد، ۱۳۷۸، ص ۲۸۹)

یک معیار ارزشی و خدایسندانه، راز موفقیت و کامیابی در بنا نهادن نهاد متعالی خانواده است که مسیر زندگی را از ریشه و بنیان دگرگون می کند و زوجین را به اوج تعالی می رساند.

روابط عاطفی متقابل

در نگرش اسلامی، یکی از شاخص های مثبت همسری، ارتباط عاطفی است. زن و مرد به گونه ای آفریده شده اند که به صورت زیستی و طبیعی، دارای گرایش و میل به روابط احساسی و عاطفی با یکدیگر هستند؛ از آن رو که این روابط در ارتقای سلامت روحی و پرورش استعداد های تربیتی آنان بسیار مؤثر و در کاهش اضطراب ها و آشفتگی ها نقش اساسی دارد. خداوند حکیم در ضمن آیاتی (اعراف: ۱۸۹ و روم: ۲۱) از قرآن کریم، یکی از اهداف تشکیل خانواده را پیوند مؤدّت و رحمت بیان نموده است. در روایات ائمه معصومین علیهم السلام، زنی ستوده شده است که یار و یاور شوهرش باشد و روزگار را علیه او نشوراند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۹) و در تنگنا های روحی، همدم و مونس او باشد. چنین زنی از کارگزاران الهی شمرده شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۱)

مؤدّت و رحمت میان زن و شوهر، مقوله ای دوطرفه است؛ بدین معنا که هر یک از زن و مرد، در ژرفای وجود خویش، به مهربانی از جانب دیگری نیاز دارند و این نیاز تنها با تشکیل خانواده و آمیزش آن دو برآورده می شود. پس در تشکیل خانواده، تنها رفع نیاز جنسی، مطلوب نیست؛ بلکه افزون بر رفع نیاز، نوعی نیاز به احسان و عطوفت از سوی همسران نسبت به همدیگر وجود دارد و هر دو از این رفع نیاز، احساس شادمانی می کنند، بی آنکه هرگونه تلاش و تحمل رنج در این راه، بتواند آنان را دچار خستگی کند. (سید حسین هاشمی، ۱۳۸۵، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۴۸، ص ۸۸)

در تفسیر آیه ۲۱ سوره روم می گوید:

«ازدواج مبادلۀ روح با روح و عقد ازدواج، پیمان مؤدّت و رحمت است، نه مالک

شدن جسم بر جان». (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۳۶)

بر همین اساس، سرآغاز زندگی مشترک خدیجه علیها السلام و محمد صلی الله علیه و آله، همسان با آیات الهی، تبلور و

درخشندگی فراوانی پیدا کرده بود و هرروز زیبایی و لطافت بیشتری به خود می‌گرفت؛ چراکه آنان در فضایی زندگی مشترک را آغاز کرده بودند که لبریز از عشق و معرفت و خداپرستی و نوع دوستی بود و در کران تا کران آن، مهر و عطوفت و ارزش‌های دل‌انگیز اخلاقی موج می‌زد.

و در جایی دیگر، نویسنده عربی زبان کتاب *فاطمه الزهرا* علیها السلام و ترفی غمد در این مورد می‌نویسد: زندگی خدیجه علیها السلام در کنار محمد، به مدت ۲۵ سال و توأم با عشق بود و در این مدت، میان آن دو أخذ و عطا بود، اما نه احساس عطا (بخشش) از دو طرف، بلکه احساس گرفتن از یکدیگر و رسیدن به ارزشی والا و فوق تصور. احساس خاص خدیجه علیها السلام در عطای عشق به محمد صلی الله علیه و آله، عشقی بود که همه خوشبختی در آن نهفته بود و نیز هنگام بخشیدن ثروتش به محمد صلی الله علیه و آله، احساس خدیجه علیها السلام گرفتن هدایت از محمد صلی الله علیه و آله و برتری این هدایت از تمامی گنج‌های زمین بود. (کتانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰)

به راستی شیفتگی و دلدادگی خالصانه، این دو انسان نمونه را - که از نظر شرایط زندگی به طور کامل با هم تفاوت داشتند - به هم نزدیک ساخت و مهر و معنویت وصف ناپذیری را میان آنان پدید آورد که همواره در تاریخ اسلام از این زوج کمال یافته، به عنوان دو اسطوره عاشقی یاد می‌شود.

۲. الگوی روابط کلامی با همسر

یکی از برنامه‌های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان است. برقراری ارتباط مؤثر همسران با یکدیگر، نیازمند به کار بستن مهارت گفتگو و تعاملات کلامی است. فقدان این مهم در روابط زوجین، خواه بر اثر نادانی یا ناتوانی، موجب سردی و بی‌اثر بودن یا قطع روابط و گاه بروز تنش‌ها و درگیری‌ها می‌شود. اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری‌های زندگی زناشویی توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات، به رفتارهای بانوان و دختران جوان برمی‌گردد که این همه به دلیل عدم توجه و ناآگاهی به حقوق شوهران و رعایت نکردن آداب معاشرت است. با مراجعه به متون دینی، درمی‌یابیم که قرآن کریم برای شیوه بیان و گفتگو، الگوهایی ارائه کرده است؛ از جمله، قول معروف، قول سدید، قول لئین، قول کریم و قول احسن را می‌توان نام برد؛ همچنان که کلام باید مستدل، پسندیده، نرم، زیبا و بزرگوارانه باشد و بهترین‌ها گفته شود. در متون قرآنی، به گزاره‌ها و مضامین فراوانی برمی‌خوریم که از توجه عمیق اسلام به شیوه روابط

میان زوجین حکایت دارند؛ سفارش مردان به معاشرت نیکو با همسران، در آیه شریفه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) پدیدار می‌شود. خداوند سبحان در آیه شریفه، دستور معاشرت شایسته و رفتار انسانی مناسب با زنان را صادر کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۲۰)؛ همچنان‌که با مراجعه به سیره معصومین علیهم‌السلام دانسته می‌شود، طرح سخنان شایسته و مورد علاقه همسر، از مهم‌ترین شیوه‌های جلب محبت و سازگاری بین زوجین است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا فَيَصْفُو عَيْشُكَ؛ همیشه با همسرت مدارا کن و خوب مصاحبت کن تا عیش تو صاف، نیکو و غیرمکدر باشد». (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۸)

در مقابل، بی‌مهری و زیاده‌گویی در انتقادهای و سرزنش‌ها، موجب سستی پیوندها و سردی روابط می‌شود. امام صادق علیه‌السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«أَيُّمَا امْرَأَةً قَالَتْ لِرَوْحِهَا مَا زَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهَا؛ هر زنی که به شوهرش

بگوید: من از تو هرگز خیری ندیده‌ام، همه اعمالش باطل می‌شود». (همان، ص ۲۱۶)

راز شگفتی‌آفرین زندگی حضرت خدیجه علیها‌السلام با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنجا نمایان می‌شود که با نهایت ادب و تواضع، خدیجه علیها‌السلام خطاب به همسر محبوبش عرضه می‌دارد: «به خانه‌ات درآی که خانه من، خانه توست و من کنیز تو هستم». (بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹) عشق و علاقه خدیجه علیها‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یک طرفه نبود، بلکه محبت دوجانبه بود. این واقعیت را ابوطالب علیه‌السلام در خطبه عقد، چنین بیان کرد: «وله في الخديجه رغبه ولها فيه رغبه». (کتاب النکاح، ۱۴۰۷، ج ۹)

آن حضرت، بانویی راست‌گفتار و درست‌کردار بود؛ از این رو پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از او تعبیر به «صدیقه» می‌کرد و حضرت خدیجه علیها‌السلام این چنین آیین شوهرداری را نیکو به مرحله اجرا گذاشت.

۳. الگوی توافق با همسر در تربیت فرزند

از منظر پیشوایان دین، اساسی‌ترین و در عین حال پرمسئولیت‌ترین وظیفه زن، «شوهرداری و فرزندپروری» است؛ زیرا زن مظهر جمال و ربوبیت الهی و رکن اساسی در تعلیم و تربیت است. اگر زنان به این منزلت واقف باشند، فرآیند تربیتی جامعه، سالم مانده و به خوبی پیش می‌رود. بدون اعراق، محیط خانه برای زن، میدان جهاد کبیر و پایگاه بزرگ مبارزه است؛ جهاد در راه ساختن یک

جامعه فعال و بانشاط و مبارزه با تمام عوامل ضعف و فساد و عقب ماندگی. همچنان که عقب ماندگی هر جامعه، نتیجه بیماری های روحی - روانی و انحرافات اخلاقی زشت افراد همان جامعه است. یکی از روان شناسان غربی معتقد است: پیروی از اصول تربیت فرزند متعالی، کاری طاقت فرساست، ولی نباید ناامید شد؛ هیچ انسانی کامل نیست و در ضمن، سعی در برقراری یک ارتباط کلیشه ای و کنترل شده، ممکن است بین والدین و فرزندان فاصله بیندازد. از طرفی نداشتن هدف تربیتی نیز به شدت به این رابطه لطمه می زند و گاه حتی آن را خراب می کند؛ برای همین، لازم است که گاه گاهی به طور اساسی وضعیت تربیت فرزند و زندگی خانوادگی مرور شود. می بایست هدف ها منتقدانه، با واقعیت مقایسه شود. برای رسیدن به نتیجه مطلوب، بهتر است هردو (پدر و مادر) باهم و دور از چشم فرزندان، به گفتگو بنشینند؛ چون کسی که به تنهایی فرزندش را تربیت می کند، نمی تواند به تمام جوانب اشراف داشته باشد و حتماً نکات مهمی را از قلم می اندازد و نیز، در ارتباط تنگاتنگ با فرزند، فرد در شناخت کمبودهای خود ناتوان است. (داگمارف گرام، ۱۳۹۱)

روان شناسان معتقدند انحراف های رفتاری نوجوانان و جوانان، ریشه در اختلاف سلیقه والدین در تربیت آنان دارد. همچنین بسیاری از وسواس ها و تعارض ها در دوران بزرگسالی، به علت روش تربیتی نادرست پدر و مادر و توافق نداشتن آنان در تربیت فرزندان عنوان شده است.

بدون تردید، مادر به عنوان مؤثرترین عامل وراثتی و محیطی در پرورش و رشد شخصیت کودک، نقش بسزایی دارد. حضرت خدیجه علیها السلام علاوه بر اینکه به نص قرآن، مادر روحانی مؤمنین است، به عنوان مادری باایمان و شایسته، فرزندان صالح و پاکی را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تربیت نمود. وی فرزندان را برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله به دنیا آورد و در دامن پُرمهر خویش پرورش داد که در میان آنان حضرت فاطمه علیها السلام از جایگاه خاصی برخوردار است؛ بزرگ بانویی که پیشوایان اسلام، از نسل او پدید آمدند. حضرت خدیجه علیها السلام در مورد آینده دختر خردسال خویش دغدغه هایی داشتند و خطاب به همسر بزرگوارشان، این چنین بیان نمودند:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله، این دختر من - با اشاره به حضرت فاطمه علیها السلام - بعد از من غریب و تنها خواهد شد؛ مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتار تند و خشن داشته باشد. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۴)

به گفته نویسندگان و مورخان، خدیجه علیها السلام برترین همسر برای بزرگ‌ترین مرد بوده و زندگی آنان سرشار از محبت و عشق صادقانه و وفاداری کامل و اخلاصی متقابل بود و دارای فرزندان صالح - دختر و پسر - بودند که روزی خداوند بر ایشان است. (عبدالعال، ۱۴۰۷، ص ۶۹)

از والاترین امتیازات برای خدیجه علیها السلام همین بس که رویشگاه پاک و پاکیزه برترین نسل و شریف‌ترین تبار جامعه بشریت شد و خداوند، تنها او را لایق مادری برترین دخت بهشت، حضرت فاطمه علیها السلام قرار داد.

۴. اطاعت‌پذیری زن از شوهر

در رویکرد قرآنی، تفکیک نقش‌ها و اطاعت‌پذیری زن در برابر مرد، در پیوند زوجیت، از یک سو بر تفاوت‌های طبیعی و از سوی دیگر، بر پایه دستوره‌های فقهی و اخلاقی استوار است که در حقوق و تکالیفی که آن دو در قبال یکدیگر دارند، پدیدار می‌شود. به صراحت می‌توان گفت این نوع اطاعت‌پذیری که ناشی از ویژگی‌های طبیعی و زیستی - روانی است، براساس توانایی‌ها و نیازمندی‌هاست و نمی‌تواند دلیلی بر ارزشمندی و فضیلت یک جنس بر جنس دیگر و تحقیر دیگری باشد. ایفای نقش‌ها در جایگاه همسری، به زن و مرد احساس رضایت و کمال می‌دهد؛ بنابراین اسلام، در پی ارائه الگویی درست از همسری، برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»؛ پس زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند، و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. (نساء: ۳۴)

جمله «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ» لحن و تعبیری توصیفی دارد، نه امری و دستوری؛ در واقع حکم، مربوط به شئون همسری و چگونگی روابط در خانواده است و می‌فرماید زنان صالح، باید این‌گونه باشند. یعنی همواره در اموری که به کام جویی شوهران مربوط است، بر آنان واجب است که مراعات کنند و همه چیزهایی که به حق شوهران ارتباط دارد، در غیاب آنان حفظ نمایند.

(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۳)

در این آیه، خداوند سبحان، با اجلال و تکریم از زنان یاد کرده و ایشان را قیّم یا مدیر داخلی خانه معرفی کرده است و برای مردان فقط وظیفه اجرایی. خداوند در بیان مزایای زنان می‌فرماید:

زنان صالح حق‌گرا، پیوسته در طاعت الهی، پیرو پروردگار و به فرمان او، به پیمان زناشویی پایبند هستند و همواره از شوی خود فرمان می‌برند.

اطاعت زن از شوهر، خصوص زناشویی واجب است، نه به طور مطلق. در شئون زندگی نیز معیار و جوب اطاعت برای زن، هماهنگی فرمان شوهر با دین خداست و تنها در مواردی است که دستور شوهر، با دین الهی موافق باشد، وگرنه نباید پیروی کند؛ چون وی (زن) مطیع و قانت برای خداست. گفتنی است که زن می‌تواند با شرط ضمن عقد، وظایف خویش را مقید و محدود و دامنه حقوق و اختیارات شوهر را کوتاه سازد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۵۴۷-۵۴۸)

همچنین روایات متعددی بر لزوم یا مطلوبیت اطاعت زن از شوهر دلالت دارند؛ از جمله برحسب روایتی معتبر، زنی به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و از حق شوهر بر زن سؤال نمود؛ حضرت در پاسخ، اطاعت از شوهر و ترک نافرمانی او را از حقوق شوهر بر زن، به شمار آورد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۴۰)

حضرت خدیجه رضی الله عنها را می‌توان مصداق بارز این آیه شریفه برشمرد که با بذل جان و مال در راه رسول خدا صلی الله علیه و آله، با کمال اخلاص، اطاعت‌پذیری از همسر بزرگوار خود را در تاریخ بشریت جاودانه کرد. چه منطق و سندی شایسته‌تر از گواهی صادقانه و همواره پیامبر صلی الله علیه و آله بر این منش همدلانه خدیجه رضی الله عنها که بارها فرمود:

«والله ما اختلف لی خیرا منها، لقد آمنت بی إذ کفر الناس وأوتنی إذ رفضنی الناس وصدقنی إذ کذبنی الناس ورزقت منی الولد حیث حرمتموه قالت فغدا وراح علی بها شهرا...». (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۴۰ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۲)

نهایت حسن رفتار خدیجه رضی الله عنها با همسر خویش، برای بانوان مسلمان و حق‌مدار و تمام‌کسانی که به دنبال یک زندگی ایده‌آل هستند، می‌تواند تأثیر شگرفی در اصلاح روابط بین زوجین برای رسیدن به سعادت و خوشبختی باشد.

۵. الگوی تحمل مشکلات شوهر در زندگی

از آن رو که زن، محور خانواده قلمداد می‌شود؛ این الگو برای نهاد خانواده، به عنوان بنیاد اصلی نظام اجتماعی، اهمیتی فراوان و جایگاهی منحصر به فرد دارد. در سخت شدن شرایط زندگی

و رو آوردن گرفتاری‌ها، روحیه‌دادن و دلداری کردن زن در کنار همسر خویش، سبب فائق آمدن بر مشکلات می‌شود.

معمولاً مشکلات بیرون از خانه، بیشتر از درون خانه بوده و درگیری ذهنی مرد بیشتر است. در این میان، زن باید در کشاکش مشکلات پناهگاه مرد باشد. از طرفی، با سخنانش روحیه مرد را در برخورد بهتر با مشکلات، تقویت کند و از طرف دیگر، زمینه را برای سخن گفتن مرد از بعضی مشکلاتش، بدون سرکوفت زدن یا آیه یأس خواندن زن، یا مقایسه مرد با سایر مردان فامیل، فراهم کند. (قلی زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۶۶)

وقتی زن، محیط خانه را از مهر و محبت آکنده سازد - که درصد بالایی از آن با گفتار نیک است - خانه به صورت مأمنی برای مرد درآمده، نشاط و امید به مرد می‌بخشد و در برخورد با مشکلات با این روش، به قدرتمندی او افزوده می‌شود؛ تا جایی که این هنر آرامش بخشی با کلام نیکو در مشکلات، از ویژگی‌های زنان شایسته به شمار می‌رود. (رشیدپور، ۱۳۸۱، ص ۷۹)

اینجا نقش بانوی دوران پیش و خردمند حجاز، بیشتر آشکار می‌شود؛ بانویی که پیش از ازدواج با پیامبر گرامی اسلام ﷺ، از امکانات رفاهی فراوانی برخوردار بود و زندگی نسبتاً آرام و بی‌دغدغه‌ای داشت، ولی در طول زندگی مشترک، انواع رنج‌ها و محرومیت‌ها را پذیرا شد. زخم زبان زنان مکه را می‌شنید و آزار و اذیت‌های مشرکان به همسر محبوبش را متحمل می‌شد. هنگام محاصره و تحریم اقتصادی در شعب ابی طالب، تمام اموال خود را برای حفظ اسلام و پیامبر اکرم ﷺ و کمک به محاصره‌شدگان، در نهایت ایثار و مقاومت، به مصرف رسانید.

علامه سید شرف الدین در این باره می‌نویسد:

«حضرت خدیجه رضی الله عنها در تمام طول زندگی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ زیرا با مال خود، به او نیرو می‌بخشید و با گفتار و کردار نیز از او دفاع می‌نمود و به او، آنچه را که از عذاب و درد، کافران در راه رسالت نصیبش می‌کردند تسلی می‌داد.» (سیدشرف‌الدین، ۱۴۳۱، ص ۲۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بعثت، در هرماه چندبار و نیز همه‌ساله، ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می‌گذراند. (ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۰۸) و این عمل، بعد از ازدواج نیز ادامه داشت؛ لذا امام هادی علیه السلام می‌فرمود:

«پیامبر اسلام ﷺ پس از سفر تجاری شام، درآمدش را بین فقرا تقسیم کرد و بامداد هر روز، به فراز کوه حرا می‌رفت و به تماشای شگفتی‌های خلقت مشغول می‌شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می‌گرفت و خدا را آن‌گونه که شایسته بود، عبادت می‌کرد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۷۶)

خدیدجه علی‌علیه السلام با درک چنین روحیاتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کرد و همیشه با همدلی و همراهی، او را بدرقه می‌کرد، غذایش را توسط حضرت علی علیه‌السلام به بالای کوه می‌فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می‌شد. علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می‌نویسد:

در آن ماه رمضان که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کوه حرا به سر می‌برد و وحی و بعثت آغاز می‌شد، حضرت علی علیه‌السلام و خدیجه علیها السلام و یکی از غلامان در حضورش بودند. برای نمونه، تنها یکی از این عبادت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چهل روز به درازا کشید که خدیجه علیها السلام تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت‌های طولانی، به طور طبیعی می‌توانست موجب ناراحتی، دلشوره‌ها و نگرانی‌های مختلفی برای خدیجه علیها السلام شود، اما او نه تنها اعتراض نمی‌کرد، بلکه با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همراهی نیز می‌نمود؛ لذا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که خود متوجه نگرانی‌های خدیجه علیها السلام بود، عمار یاسر را نزد خدیجه علیها السلام فرستاد و پیام داد که:

«ای خدیجه علیها السلام! گمان نکن کناره‌گیری من به خاطر بی‌اعتنایی به توست، بلکه پروردگرم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت، فکر دیگری نکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می‌کند؛ پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن». (همان، ص ۷۷)

حضرت خدیجه علیها السلام با ایمان پاک و محبت خلل‌ناپذیر خود، برای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پشتیبانی وفادار بود که زنگ غم از روح بزرگش می‌زدود و او را در همه امور تقویت می‌نمود.

۶. الگوی مالی خدیجه علیها السلام در ارتباط با همسر

مدیریت مالی خانواده، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده پویایی و کیفیت روابط زناشویی و همچنین یکی از ابعاد عملکرد خانواده است که می‌تواند نقش مهمی در ثبات و تداوم کانون

خانواده ایفا کند.

قانون خلقت، برای اینکه زن و مرد را بهتر و بیشتر به یکدیگر پیوند دهد و کانون خانوادگی را - که پایه اصلی سعادت بشر است - استوارتر سازد، زن و مرد را نیازمند به یکدیگر آفریده است. اگر از جنبه مالی، مرد را نقطه اتکای زن قرار داده است؛ از جنبه آسایش روحی، زن را نقطه اتکای مرد قرار داده است. این دو نیاز مختلف، آنان را بیشتر به یکدیگر نزدیک و متحد می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۲۹)

حضرت خدیجه علیها السلام از نظر مدیریت و ساماندهی، به ویژه در موضوع تجارت، یگانه بانوی روزگار بوده است. کمک‌های مالی حضرت خدیجه علیها السلام موجب غنای نسبی پیامبر صلی الله علیه و آله شد؛ به گونه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را بی‌نیاز ساخت. خداوند در مقام بیان نعمت‌های خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود». (ضحی: ۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همواره می‌فرمودند: «هیچ مالی به من سود نبخشید، آن‌گونه که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۶۳)

بنابر روایات اسلامی، پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام در راه کمک به آزادی بدهکاران، یتیمان و بینوایان استفاده می‌کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ما أبدلني الله خيرا منها، صدقتني إذ كذبتني الناس وواستني بما لها إذ حرمني الناس، ورزقني الله الولد منها ولم يرزقني من غيره (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۷)؛ خدا زنی بهتر از خدیجه علیها السلام به من نداد. هنگامی که مردم تکذیبم می‌کردند، او مرا تصدیق کرد و هنگامی که مردم مرا تحریم کردند، با ثروتش کمکم کرد. و خدا از او فرزندان به من داد، درحالی که از دیگر زنانم به من فرزندی نداد.»

بانوی با سخاوت قریش، زمانی که از طعن‌ها و سرزنش‌های مردم راجع به همسر و الامقامش شدیداً آزرده خاطر شد، برای فیصله دادن به تمام بی‌حرمتهای و بدگویی‌های راجع به فقر و تنگدستی محمد صلی الله علیه و آله، عموی خویش «ورقه» را به حضور خواست، آنگاه تمام اموال و امکانات خود را در اختیار او قرار داد تا آنها را به عنوان هدیه، به حضور محمد صلی الله علیه و آله ببرد و به او پیام برساند که اینها هدیه‌ای است ناچیز و همه را به او بخشیدم و او می‌تواند در هر راهی که می‌پسندد، مصرف نماید. ورقه نیز

برابر دستور او، کنار کعبه آمد و در میان زمزم و مقام ابراهیم علیه السلام ایستاد و همگان را ندا داد که هان ای مردم! گواه باشید که خدیجه علیها السلام خود، تمام ثروت و چهارپایان و نیز مهریه و هدیه هایش را به محمد صلی الله علیه و آله بخشیده تا تجلیل شایسته‌ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و در عین حال عشق و علاقه خدیجه علیها السلام را به محمد صلی الله علیه و آله بازگو کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۲)

حضرت خدیجه علیها السلام، ملکه کمال یافته و مترقی قریش، با وجود داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه در رفتار و مواجهه با همسر گران قدر خود، عرضه داشتند:

«والله یا محمد صلی الله علیه و آله، ان کان مالک قلیلا فالی کثیر، ومن یسمح لک بنفسه کیف لا یسمح لک بماله، وانا ومالی وجواری وجمیع ما املک بین یدیک وفی حکمک لا اتمعک منه شیئا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۵۵-۵۶)؛ به خدا سوگند ای محمد صلی الله علیه و آله! اگر تو مالی نداری، من ثروت زیادی دارم و کسی که خود را در اختیار تو قرار داده است، چگونه مالش در خدمت شما نباشد؟ من و سرمایه ام و کنیزانم و آنچه که در اختیار دارم، از آن شماسست و تحت امر شماسست و هیچ منعی از طرف من نیست.»

خدیجه علیها السلام پشتیبان نهضت اقتصادی اسلامی بود که تمام مسلمانان وام دار ایشان هستند و نیز ایشان برای جامعه اسلامی، الگوی بیعت و پیروی با تمام توان از ولی فقیه هستند.

۷. نگرش ارزش مدارانه و تکریم شخصیت همسر

در متون دینی، عالی ترین شاخص های مثبت همسری، رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر و خانواده اوست که ناظر به اصلاح روابط بین زوجین است.

امروزه روان شناسان معتقدند یکی از تفاوت های روان شناسی زن و مرد، نیاز زن به احترام و نیاز مرد به تقدیر است. وقتی مرد در رفتارش به اندیشه ها و احساسات همسرش توجه می کند، زن کاملاً مطمئن می شود که شوهرش برای او احترام قائل است. وقتی زن حس کند که مورد احترام شوهرش قرار گرفته، به راحتی از همسرش تقدیر می کند و از این طریق، یکی از نیازهای اساسی او را برآورده می سازد. (جان گری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸)

در آموزه های حیات بخش اسلام، توصیه های ارزشمندی به مردان و زنان درباره تکریم همسر بیان شده است. امام صادق علیه السلام درباره حفظ حرمت مرد در حریم خانواده می فرماید:

«از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زنی که شوهر خود را آزار و اذیت کند، و سعادت‌مند زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و از او در تمام حالات، اطاعت و فرمان برداری نماید». (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۵۶)

از طرفی، در راستای گسترش فرهنگ اسلامی و هماهنگی افراد خانواده جهت رسیدن به تعالی، برای مردان نیز در قبال همسران، وظایفی را مشخص کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ درباره اکرام زن می‌فرمایند:

«کسی که زنی را به همسری انتخاب می‌کند، باید او را احترام کند و منزلت او را حفظ نماید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۳۶۳)

ابن حجر عسقلانی در وصف آن بانوی معنویت می‌نویسد:

از امتیازات خدیجه رضی الله عنها آن بود که پیامبر ﷺ را تکریم می‌کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت، تصدیق می‌نمود. هرگز با پیامبر ﷺ درگیر نشد؛ صدایش را بلند نکرد؛ خانه را محیط امن و آرام برای آن حضرت قرار داد. وی برخلاف برخی همسران، هرگز آن حضرت را نیاززد. از این رهگذر، خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود. (عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۱۳۸)

پانزده سال زندگی مشترک بانوی پخته و باتجربه، خدیجه رضی الله عنها در کنار محمد ﷺ قبل از بعثت و کشف جوهره وجودی وی در این سال‌های متممادی و شناخت خصلت‌های محمد ﷺ در زمانی که این صفات بر مردم پنهان بود و ایمان بانو خدیجه رضی الله عنها به همسرش و تصدیق رسالت او، بدون رسوخ کمترین تردید، به سبب عشق به همسر و شناخت او نسبت به عظمت مقام انسانی محمد ﷺ بود. (بنت الشاطی، ۱۳۸۷ق، ص ۲۰۰)

پیامبر اسلام ﷺ به عنوان راهنمای عالم هستی، با توجه به اخلاق عملی و رفتار آسمانی آن یار همدم و همفکر خویش، می‌فرمود:

من در زندگی مشترک، به دلیل بینش و منش مرفقی خدیجه رضی الله عنها به او عشق می‌ورزیدم؛ به همین جهت، از بارگاه خدا خواستم که در سرای جاودانه نیز ما را همراه و همنشین سازد؛ «... و کنت لها عاشقا، فسألت الله أن یجمع بینی و بینها...».

(حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۸۲ و بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۳۹)

بر اساس این اندیشه پاک و مقدس، هیچ زنی را همتای خدیجه رضی الله عنها قرار نمی‌داد:

«یشی علیها ویفضلها علی سائر امهات المومنین ویبالغ فی تعظیمها». او را ستایش می‌کرد و بر سایر همسران خود برتری می‌داد و در بزرگداشت و تکریم او تلاش زیادی می‌نمود. (ذهبی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۱۰ و بخاری، ۲۰۰۴م، ج ۷، ص ۱۰۷)

آن بانوی پاک سرشت، سمبل معنویت و قداست در بارگاه قدسیان قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که خداوند چندین مرتبه در روز به وجود خدیجه علیها السلام بر فرشتگان گران‌مایه اش مباحثات می‌کند «انّ الله عزّوجلّ لیباهی بکِ کرام ملائکته کلّ یوم مرارا» و فرشته وحی را مأمور می‌نماید تا به واسطه حضرت رسول صلی الله علیه و آله، حامل سلام الهی بر خدیجه علیها السلام باشد: «هذا جبرئیل یقرئک من ربک السلام قالت خدیجة الله السلام ومنه السلام وعلی جبرئیل السلام». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۱)

سلام خداوند به خدیجه علیها السلام، مختص او بود و موجب امتیاز ایشان از غیر خود، به سبب بدی نرساندن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و خشمناک نکردن ایشان، حتی برای یک لحظه، حائز اهمیت است. به همین مناسبت، حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مدت حیات خدیجه علیها السلام، با زنی دیگر ازدواج نکردند؛ زیرا از نظر ایشان، مقام و مرتبه سایر همسران، با قدر و منزلت خدیجه علیها السلام برابری نمی‌کرد. (سیره النبویه، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۰۶)

تحسین برانگیزترین امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام را در مطرح شدن ایشان به عنوان یکی از چهار زن برگزیده خدا در دوسرا می‌توان جستجو کرد. بر همین اساس، حضرت خدیجه علیها السلام در کمال خردورزی و نگرش ارزش‌مدارانه، با درک درست و عمیق از روحیات رسول خدا صلی الله علیه و آله، در پی حفظ حرمت و تکریم جایگاه همسر، سبک زندگی خود را مطلوب و همگام با ایشان می‌نماید.

نتیجه‌گیری

همسرمداری حضرت خدیجه علیها السلام، از جمله مباحثی بوده که به‌طور معمول در حاشیه زندگی نامه ایشان و حضرت رسول صلی الله علیه و آله مطرح شده و تاکنون به عنوان بحث مستقل پژوهشی، بررسی نشده است. این موضوع، حتی در آثاری در مورد سیره ایشان نیز به‌طور جدی پژوهشی انجام نشده است و غالباً نویسندگان به مشهورات بسنده کرده‌اند. دستاورد پژوهشی مقاله حاضر، این است که تعاملات رفتاری خدیجه کبری علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اولین خانواده مسلمان، که بر محور

آموزه‌های دینی شکل گرفته بود، می‌تواند تأثیر فراوان در تقویت یا تضعیف نهاد مهم خانواده داشته باشد. چگونگی رفتار حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله در زندگی مشترک، به عنوان الگویی کامل و بی‌بدیل، زمینه‌ساز استحکام روابط همسران و نشاط کانون خانواده خواهد بود. اسناد روایی و تفسیری و تاریخی، بیانگر این حقیقت است که او بانویی اندیشمند و صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت گسترده‌ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مترقی و انسان‌پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی نهاد.

تجلی معیارهای الهی، از مهم‌ترین اصول ارزشی همسرگزینی ایشان در انتخاب یار و همراه زندگی است. الگوهایی چون فرزندپروری، تحمل مشکلات شوهر، طرح سخنان شایسته در مواجهه با همسر و برقراری روابط عاطفی متقابل که ناشی از محبت و مودت بین زوجین است، اطاعت‌پذیری ایشان در برابر شوهر و همچنین احترام و تکریم ارزش‌مدارانه شخصیت همسر، تنها نمونه‌هایی از سبک شوهرداری خدیجه کبری علیها السلام است که در معرض دید همگان قرار داد، تا نشان دهد که می‌توان از گوشه یک محیط کوچک مانند منزل و محدودترین روابط اجتماعی، مثل رابطه زن و مرد، از والاترین صفات کمالی برخوردار و بهترین و نمونه‌ترین بانوی دو جهان را به شایستگی تربیت نمود و در ادامه، می‌توان یک دین و رسالت جهانی را تقویت و موجب بالندگی هرچه بهتر آن شد و الگویی به وسعت کل جهان و تمام اعصار، برای تقویت بنیان خانواده اسلامی بنا نهاد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن هشام، عبدالملک، *سیره النبی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۱.
۳. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ق.
۴. بانکی پورفرد، امیرحسین، *شردلبران (عوامل آرامش بخش و نشاط آفرین در خانواده)*، چاپ ششم، اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۹۱.
۵. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، *عوامل العلوم و المعارف و الاحوال*، قم: مؤسسه امام المهدی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، قاهره: آفاق العربیه، ۲۰۰۴م.
۷. بنت الشاطی، عائشه، *موسوعه آل النبی*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۹. حاکم نیشابوری، عبدالله بن محمد، *تحقیق: عبدالقادر عطا*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۱۰. حائری مازندرانی، محمد مهدی، *شجره طوبی*، النجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.
۱۱. حر العاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعہ*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۲. حمیری، عبدالملک بن هشام، *السیره النبویه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. داگمارف کرام، *آموزش آداب معاشرت به کودکان و نوجوانان*، ترجمه سیده خلیلی، چاپ اول، بی جا: پنجره، ۱۳۹۱.
۱۴. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
۱۵. رشیدیپور، مجید، *مراحل ازدواج در اسلام*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۱.
۱۶. زرگری نژاد، غلام حسین، *تاریخ صدر اسلام*، تهران: سمت، ۱۳۷۸.
۱۷. مفید، الافصاح، ص ۲۱۷، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۱۸. صدوق، ابن بابویه، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الاخلاق*، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۳. عبدالحسین سید شرف الدین، *عقیله الوحی*، بیروت: نشر دار الاحیاء التراث النبویه، ۱۴۳۱ق.
۲۴. عبدالعال، احمدجمال، *تساء خالدهات فی القرآن الکریم*، قاهره: مکتبه کلیات الأزهریه، ۱۴۰۷ق.
۲۵. عسقلانی، احمدبن علی، *فتح الباری*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.

۲۶. قلی زاده، فرض الله، ازدواج پیوندی مقدس، بی جا، قم: انتشارات نهاوندی، ۱۳۷۶.
۲۷. قمی، عباس، سفینه البحار، قم: نشر اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۸. کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز خدیجه، قم: دفتر فرهنگی نسیم انتظار، ۱۳۸۲.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۰. گری، جان، مردان مریخی، زنان ونوسی، سید رضا نیازی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۶.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، وسایل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۸.
۳۳. مغنیه محمد جواد، الکاشف، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ق.
۳۴. مغنیه، احمد، سیره النبویه الشریفه، بیروت: دار الصفوه، ۱۴۱۴ق.
۳۵. هاشمی، سیدحسین، قرآن و کارکردهای نهاد خانواده، فصلنامه پژوهش های قرآنی، سال دوازدهم، ش ۴۸، ۱۳۸۵.

کاهش جمعیت و تأثیر آن بر روابط انسانی در خانواده و جامعه

معصومه مؤذن^۱

چکیده

جمعیت و تغییرات آن، به عنوان رکن اساسی یک جامعه، تأثیر زیادی در رشد یا افول آن دارد؛ به طوری که اقتصاد، فرهنگ، سیاست و بخش‌های دیگر جامعه، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی، به پیامدهای کاهش جمعیت بر روابط انسانی در خانواده و جامعه، پرداخته است. کاهش جمعیت در بخش خانواده، سبب تغییراتی مانند تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای، شیوع تک‌فرزندی و عوارض ناشی از آن، کاهش صلۀ ارحام و قطع حمایت‌های خانوادگی می‌شود. و از آنجا که خانواده آیینۀ تمام‌نمای جامعه است؛ کاهش جمعیت علاوه بر سطح خانواده، در گستره‌ای وسیع‌تر، سبب تغییراتی در اجتماع نیز می‌شود که این تغییرات عبارت‌اند از: از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها، بروز سالمندی جمعیت و عوارض مترتب بر آن، رفاه‌زدگی و تسلط فرهنگی بیگانگان.

کلید واژه: کاهش جمعیت، روابط انسانی، خانواده، جامعه

مقدمه

از دیرباز مسئله جمعیت، مورد توجه جوامع بشری بوده و اندیشمندان بسیاری در این زمینه به نظریه پردازی پرداخته‌اند؛ همچنان‌که در این باره مطالب مختلفی از افلاطون، ارسطو و ... وجود دارد. (جمهوریت، ۱۳۵۳، ص ۴۵۹)

جمعیت، رکن اساسی تشکیل یک جامعه است و رشد یا کاهش آن، در زوال یا شکوفایی جوامع، تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ... بسیار موثر است؛ به همین سبب از قرون متمادی، هر جا جمعیت به دلایلی هم‌چون قحطی، جنگ، بیماری‌های اپیدمی و ... دچار تغییراتی می‌شده است، بزرگان جامعه چاره‌جویی می‌کردند تا بتوانند به نوعی مشکل را حل کنند.

مطالعات جمعیتی در سال‌های گذشته، غالباً پیرامون سیاست‌های کاهش جمعیت و حمایت از آن بود، اما در سال‌های اخیر، با توجه به پیامدهای کاهش جمعیت در کشورهای پیشرفته و به خصوص پس از توجه مقام معظم رهبری (دام‌الله‌العالی) به بحث کاهش جمعیت و خطرات آن، صاحب‌نظران و پژوهش‌گران با ورود به این عرصه، تحقیقاتی درباره‌ی بازنگری در این سیاست‌ها انجام داده‌اند. از این رو، پیشینه‌ی تحقیقاتی این موضوع در داخل کشور، به دو یا سه سال اخیر می‌رسد و پژوهش‌هایی نیز که در این زمینه انجام شده، غالباً به پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن پرداخته‌اند؛ از جمله‌ی این تحقیقات، می‌توان به مقاله «بررسی تأثیر متغیرهای جمعیتی بر تولید ناخالص داخلی در ایران» (دلآوری و خباری کوتشیش، ۱۳۹۱) اشاره کرد. تعدادی از پژوهش‌های انجام گرفته نیز بر بخشی از بحث کاهش یا افزایش جمعیت، تأکید ویژه داشته‌اند؛ مانند: «بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر مزیقه ازدواج و مجرد دختران (تحلیلی بر مجرد قطعی دختران به مثابه یک مسئله اجتماعی؛ چالش‌ها و راه‌کارها)» (حسنی، ۱۳۹۲) و «بررسی جامعه‌شناختی تحولات سالخوردگی جمعیت ایران» (فروتن، ۱۳۸۰). با مرور مطالعات انجام گرفته، روشن می‌شود مطالعاتی که پیامدهای کاهش جمعیت بر روابط انسانی را مورد توجه قرار داده باشد، بسیار اندک است. حال آنکه روابط انسانی، به خصوص در حیطه خانواده، مهم‌ترین بخش از مسائل اساسی جامعه است و به نوعی حوزه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

این مقاله سعی دارد با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، پیامدهای کاهش جمعیت را بر روابط انسانی و اجتماعی، مورد بررسی قرار دهد.

۱. جمعیت و دگرگونی‌ها

در دائرةالمعارف‌های علوم اجتماعی، دو مؤلفه در تعریف جمعیت لحاظ می‌شود: محدوده جغرافیایی خاص و زمان معین؛ یعنی به افرادی که در یک زمان معین، در واحد جغرافیایی خاص، زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود. این واحد جغرافیایی، می‌تواند یک روستا، یک شهر یا یک کشور باشد. (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۰۱) با توجه به آنکه افراد در هر گروه و اجتماع انسانی، تضادها و تعارض‌هایی دارند، هنگامی که بحث روابط انسانی و اجتماعی، منافع مشترک و استفاده از منابع زیستی به میان می‌آید، اصطلاح «جمعیت بهینه» یا «متناسب» مطرح می‌شود. در جمعیت بهینه، آنچه که مورد نظر است، کاهش یا افزایش جمعیت با یک سیاست‌گذاری خاص است. به عبارت دیگر، به تغییراتی که در کاهش یا افزایش جمعیت صورت می‌گیرد تا آرمان سیاسی ویژه و یا آسایش مادی مورد نظر را رقم بزند، جمعیت بهینه اطلاق می‌شود. (آشفته‌تهرانی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۲) در حقیقت، اندازه بهینه جمعیت، لزوماً محدودۀ ثابتی ندارد و متأثر از عوامل گوناگون همچون منابع اقتصادی، مسائل سیاسی و... تعریف می‌شود. افلاطون، تعیین محدودۀ جمعیت بهینه را کار زمامداران و دولت می‌داند. از نظر او، تشکیل خانواده و تعداد ازدواج‌ها را باید به حکام کشور واگذار کرد تا با توجه به میزان مرگ و میر، جنگ، بیماری و حوادث دیگر، میزان جمعیت شهر را به طور متوازن، در حدّ مشخصی نگه دارند. (آشفته‌تهرانی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۲) شاید بتوان گفت جمعیت بهینه، به نوعی توازن بین گروه‌های سنی در جامعه است؛ یعنی نسبت بین جمعیت جوان و سالمند، به طوری که تداوم خانواده و پویایی جامعه حفظ شود. همواره باید مدنظر قرار گیرد. با توجه به این موضوع است که بحث سیاست‌های جمعیتی مطرح می‌شود. «سیاست جمعیتی، مجموعه اصول و تدابیر و تصمیمات مدون جمعیتی است که از سوی دولتی در کشوری اتخاذ می‌شود و حدود فعالیت‌های او را در ارتباط با مسائل جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند». (تقوی، ۱۳۷۷، ص ۴۵) بنابراین، تشویق به کاهش یا افزایش میزان باروری، با توجه به وضعیت داخلی هر کشور، همواره در دستور کار حکومت‌ها قرار می‌گیرد.

سیاست‌های جمعیتی، متأثر از نظریات جمعیت، اتخاذ می‌شود. اساسی‌ترین نظریه در باب کاهش جمعیت، نظریه «مالتوس» است که با توجه به منابع اقتصادی، غذا و امکانات، توصیه به کاهش جمعیت داده است. (کوئن، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸) نظریه مالتوس، موافقان و مخالفان بسیاری

در سطح جهان داشته است، اما مهم‌ترین نقش مالتوس در این بود که جمعیت‌شناسی را وارد دانش‌های اجتماعی کرد. (آشفته تهرانی، ۱۳۶۴، ص ۸۸)

در هر صورت، آنچه اکنون با آن رو به رو هستیم، گرایش به کاهش جمعیت است. در حقیقت سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و توسعه اقتصادی، به نحوی نظام ارزشی جدید، الگوهای جدید و هنجارهای جدیدی به همراه آورد که کاهش باروری و محدود کردن تعداد فرزندان، تبلور عینی آن است. (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۷۲) این گرایش، عمدتاً همراه با دوران توسعه در کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی، همچون چین و ژاپن، به وجود آمد و سیاست‌هایی نیز در این زمینه، با عنوان سیاست‌های توسعه، تدوین و اجرا شد. (همان، ص ۱۹۷) اما در درازمدت با چالش‌ها و مشکلات فراوانی، از جمله سستی نظام خانواده، سالمندی جمعیت و کمبود نیروی جوان کاررو به رو شد. (همان، ص ۲۰۱-۲۰۴) اکنون در این کشورها، راه‌حلی برای مواجهه با این مشکلات و طرح‌هایی برای تحول منطقی و بهینه جمعیت ارائه شده است.

با این وجود در کشورهای جهان سوم، گرایش به کاهش جمعیت، هنوز طرفداران بسیاری دارد و به طور فزاینده‌ای رو به گسترش است؛ همان طور که در کشور خودمان برنامه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، از دههٔ چهل آغاز و در دههٔ شصت رونق گرفت. (شرفی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۵۵) و به طوری‌رویه ادامه یافت تا اینکه اکنون زمزمه کاهش موالید و پیری جمعیت ایران، اندیشمندان را به فکر واداشت تا تدابیری در این مورد بیندیشند. البته تأثیر این کاهش بر روابط انسانی، قطعاً مهم‌تر از مسائل دیگر خواهد بود.

۲. علل گرایش به کاهش جمعیت

علل گرایش به کاهش جمعیت را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

رفاه اقتصادی: شاید مهم‌ترین و قدیمی‌ترین دلیل به این گرایش در سطح جهان، بحث رفاه اقتصادی باشد. اقتصاد از قدیم‌الایام، تعیین‌کننده بسیاری از تغییرات در سطح خانواده و اجتماع بوده است. در این مورد علاوه بر حکومت‌ها، خود مردم هم توان اقتصادی را برای فرزندآوری مهم می‌دانستند. گاه حتی به دلیل فقر و عدم توانایی مالی، برای تنظیم جمعیت خانواده، اقدام به کشتن فرزندان خود می‌کردند؛ اوضاع عرب جاهلی، نمونه‌ای از این دست است که نوزادان خود

را از بین می‌بردند و جمعیتشان را براساس میزان درآمد اقتصادی خود تنظیم می‌کردند. (که قرآن کریم در سوره اسراء، آیه ۳۱ آنان را از این کار نهی می‌کند) بسیاری از نظریه‌های جمعیتی نیز، مانند نظریه مالتوس، بر پایه اقتصاد استوار است.

- عدالت: از دیگر دلایل، عدالت در توزیع امکانات برای تمام مردم است. جمعیت کمتر، امکان سیاستگذاری‌های عادلانه را برای حاکمان جوامع فراهم می‌کند.

- سیاست‌های استعماری: از نظر بسیاری از متفکران، سیاست‌های استکباری در جوامع جهان سوم و عمدتاً مسلمان، دلیل دیگر گرایش به موالید کمتر است. جمعیت کمتر، سبب ضعف ملل و جوامع است و امکان استثمار آنان را فراهم می‌سازد. از این رو در بسیاری از کشورهای جهان سوم، دول دست‌نشانده با پیاده کردن اوامر دول استعمارگر، زمینه فرهنگی برای عدم استقبال خانواده از فرزند بیشتر را فراهم آوردند. (تهرانی، ۱۴۲۵، ص ۹۱) و به این ترتیب، برنامه‌های وسیع کاهش جمعیت و تنظیم خانواده، برای آماده‌سازی افکار عمومی این کشورها، در راستای کاستن از جمعیت به کار گرفته شد.

علاوه بر این سیاست‌های کلی، دلیل دیگری که به خصوص در دهه‌های اخیر می‌توان از آن نام برد، تغییر الگوهای زندگی و به خصوص سبک زندگی زنانه، متأثر از مدرنیزاسیون است. از جمله این موارد که تأثیر زیادی می‌تواند بر کاهش جمعیت داشته باشد، بالا رفتن سن ازدواج است. در حقیقت یکی از پیامدهای مدرنیزاسیون، تغییر نوع و تأخیر در ازدواج است. طبق نظر «ویلیام جی گود»، مدرن شدن در سطوح فردی و اجتماعی، به تأثیرگذاری بر زمان ازدواج منجر می‌شود. (علی احمدی، ۱۳۸۹، ص ۴۹) از دیدگاه اقتصادی نیز، دستیابی زنان به سطح برتر و بالای آموزش، منجر به نوعی استقلال اقتصادی برای آنان می‌شود و انگیزه آنان از ازدواج را به دلایل اقتصادی تضعیف می‌کند. (دشتلند و دشنه، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶)

به طور کلی تحولات اجتماعی، گرایش زنان به تحصیلات بیشتر، ورود به بازار کار، مدیریت بدن و ... سبب کاهش تمایل به فرزندآوری شده است.

۳. پیامدهای کاهش جمعیت

کاهش جمعیت پیامدهایی را داشته که این پیامدها سبب تغییراتی در سطح خانواده و

جامعه شده است؛ تغییراتی که روابط خانوادگی و اجتماعی را دگرگون کرده است. در ذیل، به برخی از این پیامدها پرداخته می‌شود:

۱,۳. تک‌فرزندی

از پیامدهای کاهش جمعیت، بروز تک‌فرزندی است، که آن هم عوارض بی‌شماری دارد؛ از جمله: ۳,۱,۱. انزوای جبری: هنگامی که تعداد افراد خانواده زیاد است و هر فردی خواهران، برادران و خویشاوندان متعدد پدری و مادری دارد، از نظر ارتباط اجتماعی، دچار مشکل نمی‌شود و اگر هم کسی انزوا را انتخاب کند، از باب عدم ظرفیت خانواده و جامعه نیست، بلکه به سبب افسردگی، بیماری یا روحیه درون‌گرایی فرد است. در حقیقت جامعه و خانواده، ظرفیت برقراری روابط را دارد، اما به دلایلی خود فرد انزوا را انتخاب کرده است که می‌توان از این جهت، نام انزوای اختیاری را بر آن نهاد. اما وقتی خانواده‌ها به تک‌فرزندی روی می‌آورند و جمعیت هم کاهش می‌یابد؛ شخص تک‌فرزند، علاوه بر نداشتن خواهر و برادر (و در صورت تک‌فرزند بودن والدین، از داشتن عمو، عمه، خاله و دایی هم محروم است)، گروه همسالان و حلقه دوستان او هم به سبب همین کاهش جمعیت، تنگ‌تر شده است؛ لذا این فرد، دچار نوعی انزوای جبری خواهد شد که به خاطر ظرفیت‌های محدود خانواده و جامعه، بر او تحمیل شده است. از این رو، این فرد ممکن است انزوا را نخواهد، اما جامعه ظرفیت پاسخ‌گویی به نیاز او را ندارد.

۳,۱,۲. فرزندسالاری: یکی از پیامدهایی که کاهش جمعیت و تک‌فرزندی دارد؛ بروز عارضه فرزندسالاری است. کودک تک‌فرزند، مورد توجه بیش از حد والدین خود است، در حقیقت افراد خانواده برای برآورده شدن نیازهای او بسیج می‌شوند، بدون آنکه او تلاشی برای رفع حوائج خود و دیگران انجام دهد. فرزند در این حالت، خود را حاکم علی‌الاطلاق خانواده می‌یابد و دیگران را محکوم اوامر خود می‌داند و این حالت در او رشد می‌کند و سبب مشکلات زیادی در بزرگسالی می‌شود. ۳,۱,۳. اختلال در مراحل رشد روانی کودک: یکی از معایب تک‌فرزند بودن، تأثیر آن بر مراحل رشد کودک است. این کودکان کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند. آنان دوست و همدمی در منزل ندارند، بنا بر این برخی از احساسات را تجربه نمی‌کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت آنها نخواهند داشت. بلوغ روحی و روانی، پدیده‌ای کاملاً ارثی نیست، بلکه اکتسابی است. کودک

تک‌فرزند، کمتر با مشکلات مواجه شده و در معرض تجربه‌های کودکی قرار نمی‌گیرد و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی-روانی است، تجربه نمی‌کند. (هارن، ۱۳۷۹، ص ۲۳)

۳،۱،۴. عدم درک مفهوم نسبت‌های خانوادگی: با کاهش جمعیت، تک‌فرزندی و عوارض آن، به تدریج مفاهیم نسبی، مانند عمو، عمه، دایی و خاله به فراموشی سپرده می‌شود و اصولاً معنای خود را از دست می‌دهد.

۳،۱،۵. گسترش تجرد و بالا رفتن سن ازدواج: کودکان تک‌فرزند که از نظر رشد روانی دچار مشکل هستند. بسیاری از اخلاقیات، مانند گذشت، فداکاری، احساس مسئولیت و... را در زندگی فردی تجربه نمی‌کنند؛ لذا به خاطر ترس از پذیرفتن مسئولیت یک زندگی، معمولاً به سادگی تن به ازدواج نمی‌دهند. از طرفی با کاهش جمعیت، گزینه‌های آنان هم محدودتر خواهد شد. (چون زندگی تک‌فرزندی، سطح توقع‌شان را بالا برده است و در این سطح، مورد مناسبی برای ازدواج نمی‌یابند.) که در درازمدت این مسأله منجر به بالا رفتن سن ازدواج می‌شود و حتی در صورت تشکیل خانواده، با توجه به روحیات افراد تک‌فرزند، خانواده‌ای متزلزل تشکیل خواهد شد که با اندک ناملایماتی، ممکن است منجر به طلاق شود.

از طرفی، بالا رفتن سن ازدواج، خود، سبب کاهش جمعیت می‌شود؛ زیرا هنگامی که فرد - به خصوص دختران - در سن بالا ازدواج می‌کنند با محدودیت‌های فیزیولوژیکی که برای سن باروری وجود دارد، توان فرزندآوری‌شان کاهش می‌یابد و باز منجر به ایجاد خانواده‌های تک‌فرزند یا کم‌فرزند خواهد شد.

حضور فرزندان مجرد با سنین بالا، علاوه بر مشکلاتی که برای خود فرد دارد، سبب فشارهای روحی و روانی برای والدین و اعضای خانواده می‌شود.

۲،۳. رشد فردگرایی در سطح جامعه

فردگرایی عبارت از اولویت دادن به قضاوت شخصی و عدم هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی است. در فردگرایی، شخص معمولاً از نهادها و هنجارهای عرفی ناراضی است. (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۱۷۱)

با رواج تک‌فرزندی و بالا رفتن سن ازدواج و مشکلاتی که فرد برای ازدواج دارد، ارزش‌های افراد دگرگون می‌شود و از هنجارهای جمع‌گرایانه به هنجارهای فردگرایانه متمایل خواهند شد. این

افراد ترجیح می‌دهند در تنهایی و عدم رویارویی با گروه یا اجتماعی که برخلاف خواسته‌های آنان عمل می‌کند به سر ببرند. به این ترتیب، ممکن است سبک‌های جدیدی از زندگی شکل بگیرد، سبک‌هایی که حریم‌های فردگرایانه شخص را بیشتر حفظ نماید و از سطح وفاداری و مسئولیت کمتری برخوردار باشد. در نتیجه فرد ترجیح می‌دهد روابط خود را به نحو دیگری تنظیم کرده و نیازهای جنسی و عاطفی‌اش را به صورت دیگری ارضا کند که شاید این نحوه ارضا، با ارزش‌های اجتماعی و دینی در تضاد باشد و اساساً باعث تزلزل و از بین رفتن خانواده به معنای مصطلح آن شود.

۳,۳. تغییر شکل خانواده

با توجه به کاهش جمعیت، رواج تک‌فرزندی و تمایلات فردگرایانه، شکل خانواده نیز دچار تغییر و تحولاتی متناسب با این موارد می‌شود. در یک تقسیم‌بندی از شکل خانواده، دو دسته «خانواده گسترده» و «خانواده هسته‌ای» مطرح است. خانواده هسته‌ای از آن جهت که تعداد اعضای کمتری را شامل می‌شود، با کاهش جمعیت و روحیه فردگرایی، رواج بیشتری می‌یابد.

خانواده گسترده متشکل از سه نسل یا بیشتر است که در یک مسکن و یا در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند. بر این اساس، یک خانواده گسترده، می‌تواند شامل جد، جده، زن و شوهر و فرزندان ازدوج کرده آنان باشد. و خانواده هسته‌ای «خانواده‌ای است که در آن، یک زوج متأهل (یا یکی از والدین) با فرزندان خود یا کودکانی که به فرزند پذیرفته، زندگی می‌کنند» (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۴۲۶) این ویژگی خانواده هسته‌ای، تنها در تعداد افرادی که با هم زندگی می‌کنند منحصر نمی‌شود؛ بلکه همزمان با این تغییر شکل، ساختار و کارکرد خانواده، نقش افراد و جایگاهی که در خانواده دارند و روابط میان اعضا نیز تغییر می‌یابد و با خانواده‌های گسترده که شامل دو نسل بودند، متفاوت است. در این زمینه، نقش زنان به عنوان فرد مولد، بسیار مؤثر است. زنان در خانواده مدرن امروزی از استقلال مالی و معنوی بیشتری برخوردارند و مانند گذشته، مهم‌ترین نقش‌شان فرزندآوری نیست؛ بلکه جایگاه و نقشه‌ای جدیدی با توجه به وضعیت خانواده برای خود تعریف کرده‌اند که گاهی با نقش فرزندآوری در تضاد است.

در هر صورت، خانواده تغییر شکل یافته، از برخی مزایای خانواده گسترده محروم است. مزایایی

مانند:

- در خانواده گسترده، اعضای خانواده می‌توانند در مواقع نیاز، از اشخاص متعددی کمک بگیرند؛ مثلاً سالخورده‌گان و بیماران در خانواده گسترده، کمتر از خانواده هسته‌ای سربار خواهند بود؛ زیرا تعداد افراد خانواده زیاد است و در نتیجه هزینه آنان بر دوش یک یا دو نفر نیست.
 - خانواده گسترده، در کل، پایدارتر از خانواده هسته‌ای است، و برخلاف خانواده هسته‌ای، مرگ مادر یا پدر (زن و شوهر) باعث جدایی و یا از هم پاشیدگی خانواده نمی‌شود.
- خانواده گسترده، بیش از خانواده کوچک هسته‌ای، قدرت سیاسی دارد. (گود، ۱۳۵۲، ص ۱۴۵)
- در کنار این تغییرشکل از خانواده، الگوهای دیگری از شکل زندگی مدرن نیز به چشم می‌خورد؛ مانند الگوی تک‌والدی و زندگی بدون فرزند. علاوه بر آن، الگوهای دیگری نیز به خصوص در کشورهای صنعتی و غیرمسلمان وجود دارد که در فرهنگ ما با توجه به اعتقادات مذهبی، ناپسند شمرده می‌شود؛ مانند سبک زندگی مجردی با روابط جنسی آزاد و همجنس‌گرایی (که البته چون چنین پدیده‌هایی در جامعه ما به عنوان بحران، مطرح نیست و نیز به علت آنکه اصولاً این دو از دیدگاه اسلام و حتی بسیاری از جامعه‌شناسان غربی، از تعریف خانواده خارجند به همین اشاره گذرا اکتفا می‌شود).

۴،۳. قطع صلۀ ارحام و کاهش حمایت‌های خانوادگی

در گذشته که پیوندهای خانوادگی بسیار عمیق بوده است، تعصبات قومیتی و خویشاوندی، سیاست‌ها و نحوه کنش یک قومیت را که معمولاً شامل حمایت‌های بسیار وسیعی بود، در قبال محیط و افراد بیرون از آن قومیت مشخص می‌کرد. در این زمینه نام‌های متعددی که برای انواع گروه‌های خویشاوندی در فرهنگ‌های مختلف جهان وجود دارد، نشان از این اهمیت است. این نوع گروه‌ها در تمام جهان وجود داشته است. امروزه با کاهش جمعیت و تغییر سبک زندگی، علاوه بر کاهش تعداد این گروه‌ها، از اهمیت آنان نیز کاسته شده است؛ درحالی‌که داشتن روابط خویشاوندی، مسئله‌ای است که تأثیر مثبت آن در روح و روان انسان، ثابت شده است.

در فرهنگ اسلام نیز از این روابط به عنوان صلۀ ارحام، در چارچوب خاص و معینی حمایت شده است و در آیات و روایات اسلامی، بارها به احسان به والدین و خویشاوندان سفارش شده است. از جمله آنکه امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده‌اند:

«صله رحم مرگ را به تأخیر می‌اندازد، مال را افزایش می‌دهد و محبت در خاندان

را زیاد می‌کند». (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۵۵)

در هر صورت با کاهش جمعیت، نبود خویشاوند و در کنار آن، گسستن روابط خانوادگی و خویشاوندی، انسان مدرن از برکت چنین امر مهمی محروم شده است.

علاوه بر آن حمایت‌های خانوادگی و خویشاوندی که حمایتی عمیق، دلسوزانه، تضمین شده و فارغ از دغدغه‌های سوداگرانه است و یکی از کارکردهای مهم صله ارحام است، منتفی خواهد شد و در نتیجه امنیت، اقتدار، اعتماد به نفس و... در فرد و خانواده به مخاطره خواهد افتاد؛ زیرا کسی که در درون شبکه خانوادگی قرار می‌گیرد، از حقوقی برخوردار می‌شود و در قبال آن، تکالیف اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی نسبت به دیگر افراد دارد که البته بسیاری از اوقات، این تکالیف به صورت نانوشته و سنت اجتماعی، مورد توجه است، اما وجود این حقوق و تکالیف، روابط مستحکمی را ایجاد می‌کند که پیامدهای مثبتی برای افراد دارد.

کاهش جمعیت، علاوه بر تغییراتی که در سطح خانواده‌ها ایجاد می‌کند، به مرور زمان منجر به بروز تغییرات و مشکلاتی در سطح جامعه و فرهنگ اجتماعی نیز می‌شود؛ از جمله:

۵.۳. از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها و تنوع زبانی

با کاهش جمعیت، فرهنگ‌هایی که درون فرهنگ عمومی یک جامعه وجود دارد، دچار نوعی انقراض می‌شود. به عبارت دیگر با کاهش تعداد انسان‌ها، وارثان فرهنگ‌های مختلف نیز رو به اقلیت می‌روند و کم‌کم با مرگ بزرگان یک فرهنگ و زبان، فرهنگ نیز مضمحل می‌شود. بدین ترتیب خرده فرهنگ‌هایی که وجود آنها سبب پویایی و زنده بودن فرهنگ می‌شد، اکنون با کاهش جمعیت انسانی، رو به زوال می‌گذارد که این خود سبب مشکلات فرهنگی زیادی خواهد شد. درحقیقت کاهش جمعیت یک فرهنگ خاص از یک سو و گسترش یکسان‌سازی فرهنگی در جهان؛ ایجاد زبان و فرهنگ بین‌المللی، وجود خرده فرهنگ‌ها و تنوع زبانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۶.۳. بروز سالمندی جمعیت و پیامدهای آن

وقتی شاخص رشد جمعیت سقوط کند و تعداد موالید کم شود؛ به تدریج ساختار سنی تغییر

کرده و جمعیت رو به سالمندی می‌نهد. به خصوص آنکه با بهبود و ارتقای سطح بهداشت عمومی، انسان‌ها عمر طولانی و امید به زندگی بیشتری خواهند داشت و در مقابل به دلیل باروری کمتر، جمعیت سالمند در جامعه بیشتر می‌شود. به جمعیت سالمند، «جمعیت وابسته» نیز می‌گویند؛ یعنی کسانی که از لحاظ اقتصادی، جسمی، عاطفی و ... وابسته به گروه دیگر هستند.

سالمندی جمعیت، سبب مشکلات فراوان اجتماعی خواهد شد؛ از جمله:

۳،۶،۱. گسست نسل‌ها و سکون نسبی زمان اجتماعی: به دلیل جدایی فیزیکی و روحی نسل گذشته از نسل امروزی، انتقال دانسته‌ها به نسل جدید صورت نمی‌گیرد؛ لذا زمان، دچار نوعی سکون اجتماعی می‌شود. همین‌طور به خاطر فاصله سنی که دو نسل با هم دارند، تفاوت سنی والدین و فرزندان زیاد می‌شود. فاصله سنی زیاد، قدرت سازگاری را کم می‌کند و والدین کمتر قادر خواهند بود خود را در موقعیت نوجوان و جوانشان قرار دهند و از منظر آنان به جهان و آرزوها و آرمان‌ها بنگرند؛ بنابراین تفاوت فرهنگی بین دو نسل، گسترش می‌یابد و همین، سبب عدم درک متقابل دو نسل از هم و در نتیجه، قطع ارتباط می‌شود. در حقیقت والدین و فرزندان جوان آنان در دو دنیای کاملاً متفاوت زندگی می‌کنند، تا جایی که می‌توان گفت ارتباط بین نسل‌ها شبیه به افسانه خواهد شد. (قائم، علی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۳) فاصله سنی زیاد، ابتدا ممکن است به گسست نسلی و در ادامه به تضاد نسلی منجر شود. علاوه بر آن نوع تربیت تک‌فرزندی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی، خود به خود عامل مهمی برای عدم ارتباط با والدین سالمند و ناتوان است.

۳،۶،۲. بیماری و مشکلات جسمی: جمعیت سالمند، با توجه به بالا رفتن سن و عوارض آن، درگیر بیماری‌های سن پیری است و توان و حوصله ارتباط با دیگران را ندارد و همین، سبب قطع ارتباط این قشر جامعه با قشر جوان می‌شود؛ به خصوص که با پیدایش خانه سالمندان، از نظر فیزیکی هم جدا از خانواده به سر می‌برند. ارتباط میان‌گروهی خود سالمندان هم به دلیل وجود بیماری‌های مزمن و افسردگی‌ها، بسیار کم می‌شود.

۳،۶،۳. واگذاری نگهداری سالمندان از خانواده به اجتماع: با کاهش تعداد فرزندان خانواده، والدین پیر به ناچار راهی مراکزی به نام «خانه سالمندان» می‌شوند؛ زیرا برخلاف گذشته که در برابر هریک از والدین سالمند، چند فرزند وجود داشت که نقش حمایت از او را برعهده می‌گرفتند، اکنون به ازای هر سالمند، یک فرزند یا در حالت تک‌فرزندی به ازای هر دو سالمند، یک فرزند وجود

دارد که این فرزند هم، اصولاً نه توان جسمی برای این مراقبت و حمایت را دارد - زیرا بیماری‌های متعدد سالمندان و ناتوانایی‌های آنان، حمایت مادی و معنوی زیادی نیاز دارد - و نه روحیاتی که از قبل تک‌فرزندی و فرزندسالاری و... کسب کرده است، به او اجازه چنین حمایتی می‌دهد. گسترش خانه‌های سالمندان، تبعات خانوادگی و اجتماعی زیادی دارد و چالش‌های بسیاری ایجاد می‌کند؛ یعنی علاوه بر آنکه روح احسان و تعاون را در جامعه کم‌رنگ می‌کند، باعث دوری هرچه بیشتر سالمندان از خانواده‌ها می‌شود و آنان را دچار خلأ هویتی می‌کند؛ زیرا نقش افراد در خانواده، سبب تشخیص می‌شود، در حالی که سالمند با ترک محیط خانواده، چنین تشخیصی را از دست می‌دهد و احساس بیهودگی می‌کند. علاوه بر آن با دیدن دیگر سالمندان پیرتر و بیمارتر از خود، آنان را به عنوان آینه‌ای از آینده مبهم و ناخوشایند خود می‌داند و امید به زندگی در او کم‌رنگ می‌شود، که تمام اینها در روابط او با دیگران و محیط اطراف تأثیرگذار خواهد بود.

ایجاد سرای سالمندان در جوامع توسعه یافته که از سال‌ها پیش دچار پیری جمعیت شده‌اند، امری معمول است و مشکلات و چالش‌های آن پیش‌بینی و سیاست‌هایی برای آن اتخاذ شده است که تا حد امکان از صدمات روحی و جسمی به سالمندان پیشگیری شود، اما در جوامع در حال توسعه که با توجه به آمارها، از اوایل قرن ۲۱ رشد جمعیت سالمند در آنها سرعت بیشتری پیدا کرده است. (شیخی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲) با وجود سیاست‌های کاهش باروری و تمایل مردم به آن، هنوز سیاست‌گذاری مدوئی برای رده سنی سالمند انجام نشده است؛ از این رو آسیب‌های وارده به سالمندان بیشتر خواهد بود.

در هر صورت واگذاری نقش خانواده به نهادهای دولتی و خصوصی، سبب رنجش والدین پیر و سالمند می‌شود. (بستان و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۲)؛ زیرا سالمندان به طور معمول از فرزندان خود توقع حمایت همه‌جانبه دارند و این توقع به عنوان یک فرهنگ، از سالیان دور در سالمندان نهادینه شده است، به خصوص که از نظر اخلاقی و دینی هم، بی‌مبالاتی به سالمندان خانواده -مخصوصاً والدین - امری بسیار ناپسند است. در دیدگاه اسلامی نیز این را مشاهده می‌کنیم؛ زیرا دین مبین اسلام، به روابط درون خانواده بسیار اهمیت می‌هد و این روابط را در بُعد عاطفی و حتی مالی تنظیم می‌نماید. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

آن کس که با بغض و کینه به والدینش که حتی به او ستم کرده‌اند بنگرد، نمازش مقبول

نیست. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۴۹)

روایات دیگری هم از این دست وجود دارد که نشان دهنده اهمیت اسلام به روابط عاطفی درون خانواده است. همین طور در جنبه های مالی نیز بر حمایت خویشاوندان از یکدیگر تأکید می کند، که در این مورد می توان از حکم فقهی انفاق خویشاوندان نسبت به یکدیگر نام برد. (حلی، ۱۴۰۸، ج ۱-۲، ص ۲۹۶) این حکم در میان فرزندان و والدین، جنبه وجوبی دارد و برای دیگر خویشاوندان، جنبه استحبابی. به طور قطع چنین احکامی سبب استحکام روابط خانوادگی خواهد شد و برای سالمندان آرامشی روحی فراهم خواهد کرد.

۷.۳. رفاه زدگی و رواج فرهنگ مصرف گرایی

با کاهش جمعیت، سطح رفاه اقتصادی خانواده و - در سطح کلان تر - جامعه، بالا می رود؛ در نتیجه الگوهای مصرف تغییر می کند و عوارض رفاه زدگی، در سطح جامعه نمایان می شود که از جمله آن رواج فرهنگ مصرف گرایی است. انسان ها بیشتر تولید می کنند تا بیشتر مصرف کنند و این خود، عامل اسراف می شود که در فرهنگ دینی، بسیار ناپسند است.

اثر دیگر رفاه زدگی، دنیا طلبی و لذت گرایی است که سبب می شود افراد، تکامل معنوی خود را به فراموشی بسپارند و از هدف حقیقی حیات غافل بمانند. اصولاً اگر رفاه با دین محدود نشود، موجب طغیان و سرکشی خواهد بود: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (سوره علق، ۶) قرآن کریم، این نوع رفاه زدگان سرکش را «مترفین» می نامد. «مترف به معنای ثروتمند است؛ یعنی کسی که به او نعمت زیاد داده شده که در صورت عدم ایمان، سبب طغیان و سرکشی است». (قرشی، ج ۱، ص ۲۷۲) غیر از این موارد، رفاه، همانند فقر می تواند سبب بالا رفتن انحرافات در سطح اجتماع هم بشود؛ با توجه به پیامدهایی که کاهش جمعیت در سطح خانواده داشت، اضافه شدن رفاه، سبب می شود که بسیاری از مشکلات، از خانواده فراتر رفته و به معضلات اجتماعی تبدیل شوند (خودکشی ها، انواع اعتیاد، انحرافات جنسی و... افزایش می یابد)؛ لذا جامعه ای که می توانست یک جامعه پویا و آرمانی باشد، تبدیل به جامعه ای بیمار خواهد شد. مبارزه با این انحرافات اجتماعی هم توان زیادی از جامعه می برد و آن را دچار فرسایش می کند.

۸,۳. زمینه سلطه‌پذیری فرهنگی

عواملی مانند کاهش جمعیت و سستی نهاد خانواده در یک کشور، اساساً سبب کم‌رنگ شدن فرهنگ آن کشور در جهان می‌شود؛ چون تعداد افراد کمتری حامل آن فرهنگ خواهند بود. از طرفی سبب کاستن اقتدار امنیتی نیز می‌شود؛ زیرا رابطه مستقیمی بین قدرت ملی و جمعیت وجود دارد. زیاد بودن جمعیت یک کشور، قدرت چانه‌زنی آن را بالا می‌برد و بر روابط بین‌الملل و بُردارهای قدرت تأثیرگذار است و بالعکس، کاهش جمعیت، کاهش اقتدار و زمینه سلطه فرهنگی را فراهم می‌کند (به خصوص که با از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها، فرهنگ عامه هم به نوعی تهی شده است و سستی نهاد خانواده نیز انتقال فرهنگی را کاهش داده است)؛ زیرا اگر نزاعی بین‌المللی صورت گیرد، عامل تعداد نفرات، در موفقیت کشور غالب، بسیار مؤثر خواهد بود، که در صورت پیروزی، علاوه بر سلطه نظامی، فرهنگ خود را نیز به کشور مغلوب، تحمیل خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

نتیجه بحث را در این موارد می‌توان خلاصه کرد:

۱. رفاه اقتصادی، عدالت، و سیاست‌های استعماری، سبب گرایش به کاهش جمعیت در جوامع است.
۲. کاهش جمعیت در دو بخش خانواده و اجتماع، بر روابط انسانی اثر می‌گذارد.
۳. این اثرات، شامل تغییر شکل خانواده، تک‌فرزندگی، قطع صلۀ ارحام و کاهش حمایت‌های خانوادگی است که هرکدام از این موارد، عواقب متعدد دیگری دارد. به موازات تغییر روابط درون خانواده، پیامدهای کاهش جمعیت در سطح جامعه نیز نمایان می‌شود که شامل از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها، بروز سالمندی و پیری جمعیت، رفاه‌زدگی و سلطه‌پذیری فرهنگی خواهد بود.

پیشنهادها:

- پیشنهاد می‌شود برای کنترل پیامدهای کاهش جمعیت در ارتباطات انسانی، موارد ذیل مورد توجه قرار گیرد:
- سیاست‌های کنترل جمعیت، با نگاهی عمیق و هوشمندانه و آینده‌نگری لازم تدوین شود؛

- به طوری که هم از پیامدهای کاهش جمعیت در امان باشیم و هم مشکلات افزایش جمعیت گریبان‌گیرمان نشود.
- روش‌های ازدواج آسان، از سوی دولت تبلیغ شده و در سطح جامعه نهادینه شود.
 - تعالیم اسلامی در مورد اهمیت خانواده و وظایف افراد خانواده در قبال یکدیگر، در سطح اجتماع تبیین شود.
 - سیاست‌های تشویقی، برای رفاه خانواده‌های پرجمعیت اعمال شود.
 - وضعیت زنان خانه‌دار، از لحاظ ارزشی، بهبود یابد و برای تحصیلات و کار زنان در درون خانه، سیاست‌گذاری شود.
 - در رسانه‌ها، از یک سو در مورد جایگاه خانواده و به خصوص در مورد مزایای خانواده گسترده آگاهی بخشی شود و از سوی دیگر نقش بزرگان خانواده، برای آنان تبیین شده و مرز دخالت‌های ناپجا و بجا روشن شود.
 - سیاست‌گذاری‌های مدوئی در قبال وضعیت سالمندان ایجاد شود و در عین حال که به رفاه و سلامت آنان توجه می‌شود، اولویت نگهداری آنان برعهده فرزندان باشد و دولت، تنها سیاست‌های حمایتی، مانند بیمه تکمیلی، گسترش طب سالمندی و ... را اعمال نماید تا از سنگینی مسئولیت فرزندان کاسته شود و سالمندان نیز از محیط خانواده طرد نشوند.

فهرست منابع

*قران کریم

۱. آنتونی گیدنز، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ بیست و دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۲. آشفته‌تهرانی، امیر، **جامعه‌شناسی و آینده‌نگری جمعیت ایران**، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.
۳. افلاطون، **جمهوریت**، مترجم: محمد حسن لطفی، چاپ اول، تهران: خوشه، ۱۳۵۳.
۴. بروس کوئن، **درآمدی به جامعه‌شناسی**، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ بیست و ششم، تهران: توتیا، ۱۳۸۴.
۵. بیرو، آلن، **فرهنگ علوم اجتماعی**، چاپ دوم، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
۶. بستان، حسین و همکاران، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۷. تقوی، نعمت‌الله، **جمعیت و تنظیم خانواده**، چاپ دوم، تبریز: روان پویا، ۱۳۷۷.
۸. تهرانی، سید محمد حسین، **کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین**، چاپ دوم: مشهد، نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۴۲۵.
۹. حسنی، محمدرضا، **بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر مضیقه ازدواج و تجرد دختران (تحلیلی بر تجرد قطعی دختران به مثابه یک مسئله اجتماعی؛ چالش‌ها و راهکارها)** «نشریه: معرفت، سال بیست و دوم شهریور ۱۳۹۲ شماره ۱۸۹».
۱۰. حلی، نجم‌الدین، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام**، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم: ۱۴۰۸ق.
۱۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
۱۲. دشتلند، کلود و کلود دشنه، **جمعیت جهان؛ چالش‌ها و مسائل**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸.
۱۳. دلاوری، مجید و طاهره خباری کوتشیخ، «**بررسی تأثیر متغیرهای جمعیتی بر تولید ناخالص داخلی در ایران**»، نشریه جمعیت، تابستان ۱۳۹۱ شماره ۸۰.
۱۴. ساروخانی، باقر، **درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی**، تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۱۵. شرفی، محمد رضا و سهیلا خوشبین و احمد احمدی و حسین محمودیان، **دانش خانواده**، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۱۶. شیخی، محمد تقی، **جامعه‌شناسی سالمندی**، چاپ اول، تهران: نشر حریر، ۱۳۸۹.
۱۷. شیخی، محمد تقی، **جمعیت‌شناسی اجتماعی و اقتصادی**، چاپ دوم، تهران: انتشار، ۱۳۸۰.
۱۸. علی احمدی، امید، **باز تحلیل چالش‌های خانواده در زمینه تنگنا و تاخیر ازدواج در ایران**، چاپ اول، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۹. کارل پیک هارن، **کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند**، ترجمه: مسعود حاجی زاده، چاپ دوم، تهران: صابرین، ۱۳۷۹.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۱. فروتن، یعقوب «**بررسی جامعه‌شناختی تحولات سالخوردگی جمعیت ایران**»، نشریه: علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شهریور ۱۳۸۰ شماره ۱۵.
۲۲. قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۳. قائمی، علی، **خانواده و مسائل سالمندان**، چاپ دوم: تهران: انتشارات اولیا و مریمان، ۱۳۶۹.
۲۴. ویلیام جی گود، **خانواده و جامعه**، ترجمه: ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.

چکیده پایان نامه

فاطمه سادات میرقادری^۱

چکیده، عصارهٔ پایان نامه است و باید محتوای اصلی آن را به صورت کامل بیان کند. به عبارت دیگر چکیده باید یک نمایندهٔ خوب از کل پژوهش انجام شده باشد. در چکیده تنها موارد مهم و کلیدی بیان می شود و به هدف و انگیزهٔ پژوهش، روش تحقیق، یافته ها و نتیجه گیری کلی که در پایان نامه به دست آمده، اشاره می شود.

نوشتهٔ پیش رو به معرفی و بازنویسی سه چکیده از پایان نامه های دفاع شده در مقطع سطح ۳ رشته تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهرا علیها السلام می پردازد.

نقش الگوها در تربیت اخلاقی نوجوانان با تأکید بر منابع اسلامی

مریم محمدی

استاد راهنما: حسین مهدی زاده

استاد مشاور: محمدرضا کاظمی

این پژوهش به بررسی نقش الگوها در سه بُعد گرایشی، بینشی و رفتاری، به منظور کاهش آسیب های تربیتی نوجوانان در ساحت تربیت اخلاقی پرداخته است. نقش الگوها به عنوان یک

۱. طلبه سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهرا علیها السلام و کارشناسی ارشد مطالعات زنان (گرایش حقوق زن در اسلام) دانشگاه خوارزمی

عامل تأثیرگذار در تربیت اخلاقی به خصوص در میان قشر نوجوان، دارای اهمیت ویژه‌ای است. چرا که سعادت و شقاوت هر جامعه‌ای به نوع تربیت نسل نوجوان آن بستگی دارد و از طرفی دشمنان در صدد هستند تا با تهییج و جذب نوجوانان به سمت الگوهای فاسد غربی، نقشه هجوم فرهنگی خود را کامل نمایند. از این رو، بررسی علمی این موضوع ضرورت پیدا می‌کند تا با استفاده کاربردی از یافته‌های آن بتوان در تربیت صحیح نسل نوجوان، گامی مهم در سعادت جامعه برداشت. به منظور تبیین نقش الگوها در تربیت اخلاقی نوجوانان از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. در گردآوری اطلاعات، بر استفاده از منابع اسلامی تأکید و در صورت نیاز از منابع روانشناسی نیز استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حساس‌ترین مرحله رشد انسان، دوره نوجوانی است چرا که در این دوره، نوجوانان به شدت به الگوهای گرایش دارند که بتوانند با او همانندسازی کنند. افزون بر این، الگوها با تأثیرگذاری در شکل‌گیری و تثبیت شناخت‌ها و بینش‌های اخلاقی نوجوانان، نقش مهمی در سعادت و کمال آنها ایفا می‌نمایند. پس از آن الگوها با پرورش توان توجه به معارف اخلاقی و تربیتی، موجب دوری از رذایل و گرایش به فضایل اخلاقی نوجوانان می‌شوند و با استفاده از روش‌هایی به شکل‌گیری و تثبیت رفتارهای اخلاقی آنان کمک می‌نمایند. این پژوهش برای تبیین نقش الگوها در تربیت اخلاقی نوجوانان افزون بر اهمیت نقش الگوها و تربیت اخلاقی، به معرفی الگوهای شایسته پرداخته و عوامل و موانع الگوگیری از افراد شایسته را مطرح نموده است.

واژگان کلیدی: نقش، الگو و اسوه، تربیت، اخلاق، تربیت اخلاقی، نوجوان

روش‌های نهادینه‌سازی حجاب در دختران با تأکید بر آیات و روایات

صدیقه محمدی

استاد راهنما: سید محمدرضا موسوی نسب کرمانی

استاد مشاور: حسین مهدی زاده

حجاب از ضروریات دین مقدس اسلام است که به طور مستقیم مورد هجوم دشمن قرار گرفته است و متأسفانه شاهد به حاشیه رانده شدن آن هستیم. در این راستا لازم است تحولی در روش‌های آموزش حجاب صورت گیرد تا مقاومت دختران را در برابر این حملات بیشتر و حجاب را در آنان نهادینه کند، همان هدفی که موجب ضرورت انجام این پژوهش شده است. لازمه چنین تغییری شناخت ابعاد وجودی انسان و تحول آنهاست. انسان دارای سه بُعد؛ شناخت، گرایش و رفتار است، که برای تغییر در هر یک از آنها روش‌های متناسب با آن بُعد باید به کار گرفته شود. از طرفی بهترین منبع برای استخراج این روش‌ها بی‌شک قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام است. در این پژوهش تلاش شده است با روش توصیفی، تحلیلی و نگاهی درون دینی و روان شناختی به این سؤال پاسخ داده شود که چه روش‌هایی برای نهادینه‌سازی حجاب در آیات و روایات وجود دارد؟ پس از بررسی آیات و روایات روشن شد که روش‌های شناختی مانند اعطای بینش، استدلال، عبرت‌دهی؛ روش‌های گرایشی مانند موعظه، تکریم، آراستن ظاهر، تحریک ایمان، تبشیر، انذار و توبه؛ و روش‌های رفتاری مانند جایگزین‌سازی، الگودهی، تغییرموقعیت، امر به معروف و نهی از منکر و تنبیه، در آیات و روایات معرفی شده است. نتایج کاربردی این تحقیق می‌تواند خانواده‌ها، مربیان، مبلغان، و نهادهای فرهنگی را در ترویج فرهنگ حجاب یاری نماید.

واژگان کلیدی: روش، نهادینه‌سازی، حیا، حجاب، عفاف، جلباب، تربیت

راه‌کارهای بهداشت روانی دختران نوجوان با تأکید بر منابع دینی

مه‌ری نوری کلکناری

استاد راهنما: سید علی حسینی‌زاده

بهداشت روانی، به معنای کمک به افراد در رسیدن به زندگی کامل‌تر، شادتر، هماهنگ‌تر و موثرتر است. دوره نوجوانی از دوره‌های مهم و حساس رشدی به شمار می‌رود. دوره‌ای که تغییرات جسمانی، شناختی و روحی و روانی در آن به وجود می‌آید. تغییراتی که در مفهوم خود و هویت صورت می‌گیرد، مشکلاتی برای نوجوان ایجاد می‌کند. اهمیت دوران نوجوانی جنس زن به دلیل آنکه دختران را برای پذیرش تغییرات دوره نوجوانی و مسئولیت‌های آینده آماده می‌سازد، قابل توجه است. از سوی دیگر توجه به سه ساحت شخصیت انسان (شناخت، عاطفه و رفتار)، روابط تعاملی و تأثیرپذیری این ابعاد از یکدیگر در تربیت شخصیت انسان ضروری است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تتبع در آیات و روایات و تحلیل‌های روانشناختی، راه‌کارهای شناختی از جمله خودشناسی، خداشناسی، آشنایی با تغییرات دوران بلوغ و...، راه‌کارهای عاطفی مانند ارضای محبت، ارضای حس خودنمایی و راه‌کارهای رفتاری مانند تنظیم خواب، تغذیه، بهداشت جسمی و جنسی و... معرفی و مورد بررسی و تبیین قرار داده است.

واژگان کلیدی: نوجوانی و بلوغ، بهداشت روانی دختران، راه‌کارهای شناختی، راه‌کارهای عاطفی، راه‌کارهای رفتاری

قالب و ساختار اصلی مقاله با روش اسنادی

رویا کاظمی^۱

۱. عنوان (Titel)

عنوان، مفهوم اصلی مقاله را نشان می‌دهد و باید جذاب و کوتاه و گویا بوده و تنها بیانگر متغیرهای اصلی پژوهش باشد. تعداد کلمات در عنوان را حداکثر دوازده واژه بیان کرده‌اند که در بالای صفحه به صورت وسط چین نوشته می‌شود.

۲. نام نویسنده[ها] و نشانی پستی و الکترونیکی آن[ها] (Name[s] and Address[es])

([of Author[s])

بعد از عنوان مقاله و قبل از نگارش چکیده، نام نویسنده (یا نویسندگان) در زیر عنوان، سمت چپ نوشته می‌شود. یک معرفی کوتاه با اشاره به رتبه علمی نویسنده مقاله و نیز آدرس الکترونیکی و نام دانشگاه یا مؤسسه محل خدمت وی، در پاورقی همین صفحه می‌آید. ترتیب قرار گرفتن نام مؤلفان به دنبال یکدیگر، معمولاً متناسب با میزان مشارکت آن در انجام پژوهش است؛ اما اگر میزان مشارکت همه افراد در اجرای پژوهش یکسان باشد، اسامی آنان به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.

۱. طلبه سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء (ع)

۳. چکیده (Abstract)

چکیده از نظر زمانی، بعد از تدوین مقاله و از نظر مکانی، در ابتدای مقاله، بعد از عنوان نوشته می‌شود. چکیده خلاصه‌ جامعی از محتوای یک گزارش پژوهشی است که هدف‌ها، پرسش‌ها، روش‌ها، یافته‌ها و نتایج پژوهش، به اختصار در چکیده آورده می‌شود. طول چکیده برای مقاله، بستگی به روش‌های خاص هر نشریه دارد، اما معمولاً در حد یک بند و بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه پیشنهاد شده است. البته در برخی چکیده‌ها تا ۲۵۰ کلمه نیز نوشته می‌شود.

۴. کلیدواژه (Keyword)

واژگان کلیدی، کلیدی از جنس واژه هستند که با آن می‌توان دروازه فهم مقاله را گشود؛ یعنی بدون این واژگان اصطلاحی و فنی، نمی‌توان مقاله را فهمید. در واقع این واژه‌ها دربرگیرنده کلمات کلیدی مورد استفاده در عنوان، هدف، روش و نتیجه‌گیری هستند.

۵. مقدمه (Introduction)

مقدمه قلب مقاله است و نحوه شروع آن تأثیر بسزایی بر خواننده دارد، می‌تواند او را جذب یا دفع کند. مقدمه مقاله باید فشرده و مختصر باشد. توصیه می‌شود حجم مقدمه از یک چهارم حجم کل مقاله فراتر نرود. هدف اصلی آن، طراحی یک نقشه است که نویسنده ابتدا به طور عام، لزوم بررسی موضوع را عنوان می‌کند و سپس با نشان دادن روش‌ها، به یک سؤال اصلی که همان هدف مقاله است، می‌رسد. یک تاریخچه کوتاه که اهمیت پژوهش درباره عنوان مقاله را مطرح می‌کند و اطلاعات قبلی موجود در این زمینه را بیان کرده، نقایص موجود را نمایان می‌سازد. برخی از عناصر مهم مقدمه عبارت‌اند از: تعریف و تبیین مسئله، اهمیت و ضرورت، پیشینه بحث، روش بحث، نوآوری‌ها و مقایسه آنها با کارهای انجام شده، هدف تحقیق.

۶. متن اصلی (Main text)

در متن اصلی مقاله که بعد از مقدمه می‌آید، محقق با توجه به لیست سؤالات طبقه‌بندی شده، پاسخ آنها را در قالب بندهای به هم پیوسته می‌آورد و هر چند بند را در ذیل یک عنوان فرعی

قرار می‌دهد. تمام بندها و تمام عناوین فرعی باید در کل، یک مجموعه یکپارچه و هماهنگ را به وجود آورند. این بخش در تحقیقات کتابخانه‌ای، شامل احکام و نتایج، به همراه تجزیه و تحلیل و ادله‌های مربوط است. محقق در تبیین این قسمت از بحث، باید اصول مهم قواعد محتوایی مقاله را مورد توجه قرار دهد و سعی کند آنها را مراعات نماید؛ اصولی مانند: منطقی و مستدل بودن، منظم و منسجم بودن، تناسب بحث با عنوان اصلی، ارتباط منطقی بین عناوین فرعی تر در مسئله، خلاقیت و نوآوری در محتوا، اجتناب از کلی‌گویی، مستند بودن بحث به نظریه‌های علمی و دینی و امثال این موارد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری (Conclusion)

در این بخش، خلاصه نتایج ارائه شده در مقاله و زمینه‌ها و مسائلی برای کار بیشتر، به صورت شفاف و مشخص ارائه می‌شود. برای تدوین نتیجه، باید به دستاوردهای مهم پژوهش تأکید شود و جمله‌ها و عبارات متناسب با فضای نتیجه‌گیری باشد. مقدمه‌چینی و تکرار استدلال‌های مفصل و ارجاعات متعدد، با این فضا مناسب نیست. در این قسمت، حاصل و محصول بحث‌ها و استدلال‌های انجام‌شده با عبارت‌پردازی جدید ذکر می‌شود و به خواننده نباید احساس تکرار دست بدهد. نتیجه‌گیری دارای پیام اصلی مقاله است و حاصل تحقیقات نویسنده را نشان می‌دهد. صرفاً با خلاصه‌کردن محتوای مقاله، نمی‌توان قسمت نتیجه را تدوین کرد. در اینجاست که مشخص می‌شود جواب نهایی نویسنده به سؤال اصلی مقاله چیست و سرنوشت فرضیه تحقیق به کجا کشیده است. در انتهای نتیجه، محقق می‌تواند با توجه به نتایجی که بدان دست یافته است، راه‌بردها و پیشنهادهایی را برای انجام بهتر و کامل‌تر پژوهش و جوانب دیگر آن ارائه دهد.

۸. قسمت تشکر و سپاس (Acknowledgement)

در بخش سپاس‌گزاری، از افراد و مؤسسات همکاری‌کننده تقدیر می‌شود. اگر افرادی در تدوین تمام یا بخش مهمی از مقاله همکاری داشته‌اند، ولی این همکاری در حدی نبوده است که نام آنها را در ردیف نویسندگان مقاله بیاورید، از لحاظ اخلاقی شایسته است که از آنها در پایان مقاله تقدیر

و تشکر شود. این سپاس‌گزاری معمولاً قبل از فهرست منابع و در حد یکی دو بند ذکر می‌شود.

۹. فهرست منابع (References)

فهرست منابع، باید بر اساس نام خانوادگی مؤلف، به صورت الفبایی آورده شوند. البته، در صورت استفاده از قرآن کریم و نهج البلاغه، آن دو را به ترتیب در شماره ۱ و ۲ ذکر می‌کنیم و به مترجم قرآن یا مترجم و شارح نهج البلاغه و سایر مشخصات لازم اشاره می‌کنیم. لیست منابع باید بر اساس راهنمای نشریه یا محل و مؤسسه‌ای که قرار است مقاله را تحویل بگیرد، تنظیم شود.

فهرست منابع

۱. اسلام‌پور کریمی، حسن، *فرایند و ساختار مقاله‌نویسی*، نشریه یاسین وابسته به مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمی قم و کتاب خودآموز مقدمات پژوهش، چاپ چهارم، تهران: سمت، ۱۳۹۴.
۲. نکوئیان، علی اکبر، *چگونه یک مقاله علمی بنویسیم؟*، مجله جراحی استخوان و مفاصل ایران، دوره نهم، شماره دوم، ۱۳۹۰.
۳. مصلحیان، محمد صالح، *چگونه مقاله علمی بنویسیم؟*، سایت <http://profsite.um.ac.ir/moslehan>.
۴. نجیبی، مهدی، *آیین چکیده‌نویسی*، نشریه علوم اطلاع‌رسانی، دوره ۱۹، شماره ۲۱، ایرانداک ۱۳۹۶.
۵. *اصول مقاله‌نویسی*، سایت دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی تبریز: دفتر توسعه آموزش، ۱۳۹۳.
۶. *آموزش مقاله‌نویسی* از ابتدا تا ارسال به ژورنال، وب سایت www.irphd.

معرفی کتاب رضایت زناشویی

اکرم حبیبی خاوه^۱



به دلیل جایگاه ویژه‌ای که خانواده در سلامت فرد و جامعه دارد، بر آن شدیم تا کتاب ارزشمند رضایت زناشویی را معرفی کنیم. این کتاب به عنوان یکی از منابع مطالعاتی ارزشمند به شمار می‌رود.

کتاب رضایت زناشویی را آقای عباس پسندیده نگاشته و به سفارش سازمان بهزیستی کشور با تهیه‌کنندگی پژوهشکده اخلاق و علوم رفتاری پژوهشگاه قرآن و حدیث به چاپ رسیده است.

مشخصات نشر این کتاب: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۱ است.

کتاب رضایت زناشویی پیش از این با عنوان رضایت از زناشویی؛ بررسی عوامل موفقیت زندگی زناشویی از دیدگاه اسلام منتشر شده بود.

موضوع مطرح شده در این کتاب، روابط زن و مرد - جنبه‌های مذهبی - اسلام است که در ۳۶۰

۱. طلبه سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء (ع)

صفحه و در سه فصل تنظیم شده است.

فصل اول با هدف ترغیب به ازدواج مسائلی چون روش اسلام در ترغیب ازدواج، با دو زیر

مجموعه؛ برطرف کردن موانع، و تشویق به ازدواج را مطرح می‌کند.

- اعتماد به فضل خداوند در تأمین مخارج زندگی؛
- عدم مغایرت ازدواج با فضیلت‌خواهی که در نظر برخی، ازدواج مانع از تکامل معنوی است؛
- عدم سخت‌گیری در ازدواج و برتری ندادن به مال و ثروت در این امر؛
- مسئولیت‌پذیری در برابر خانواده و نیز پاسداشت مفهوم خانواده به معنای پیمانی مقدس و نه پیمانی جنسی، با استناد به آیات و روایات تحت عنوان ترغیب به ازدواج مطرح شده است. همچنین به منظور تسهیل و تسریع در امر ازدواج، مواردی چون؛ تشویق جوانان به ازدواج با مطرح کردن اینکه تجرد از سوی پیشوایان دینی نکوهش شده و خانواده و ازدواج از نظر اسلام در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد، مورد بررسی قرار گرفته است. مسئولیت‌دیگران در قبال ازدواج جوانان نیز به عنوان رسالت، تحت عنوان مسئولیت خانواده، از حقوق فرزند بر والدین به شمار می‌آید و مسئولیت جامعه با عنوان خواهران و برادران ایمانی در فصل اول این کتاب مورد توجه قرار گرفته است.

فصل دوم به عوامل پیشینی، پایداری و رضامندی، یعنی نوع نگاه به خانواده و چگونگی تشکیل آن، که به برخورداری همسران از توانمندی‌هایی که پیش از آغاز زندگی به آن نیاز دارند، می‌پردازد.

در ابتدا توانمندی‌های شناختی (نوع نگاه تلقی انسان به اهمیت خانواده) از طریق تنظیم دیدگاه نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده با این نگاه که اسلام، خانواده را یک امر مقدس و آسمانی می‌داند و راز قداست خانواده با بررسی رویکردها، نظریه‌ها و نقد آنها تبیین شده است. در نهایت دیدگاه دین با بیان اینکه هدف اساسی از تشکیل خانواده بر دو محور همسران و فرزندان استوار است به دو مؤلفه تربیت و سکونت می‌پردازد و نیز کارکرد خانواده نظیر؛ تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، مشروعیت، حمایت، مراقبت و... را به عنوان راز قداست خانواده اثبات می‌کند و نیز به تنظیم دیدگاه، نسبت به همسر، تعامل همیشگی با او و در حقیقت شیوه تعامل با همسر که امانتی الهی است اشاره می‌کند.

در مبحث دوم این فصل مهارت انتخاب همسر به منظور کامیابی در زندگی که شامل ابعاد؛

«دقت در انتخاب همسر به جهت امر مسلم و انکار نکردنی»، «معیارهای انتخاب، اعم از دینداری، حسن خلق، همسانی و...» و «ازدواج اختیاری» مورد بحث واقع شده است.

فصل سوم کتاب نیز به طور گسترده به عوامل پسینی پایداری و رضامندی، پرداخته است. همسران باید پس از ازدواج و تشکیل خانواده، اموری را رعایت کنند تا موفقیت خانواده و رضایت زناشویی، تضمین گردد. این امور، موارد متعدد و متفاوتی را تشکیل می دهند که مودت و رحمت، محور اساسی و راهبرد اصلی تأمین رضایت است و بقیه موارد، پیرامون آن قرار دارند.

مودت و رحمت با یکدیگر تفاوت دارند. محبت، احساس عاطفی انسان است که در قلب او جای دارد اما مودت جلوه رفتاری محبت است. حدّ مودت و رحمت به عنوان رکن پایداری و رضامندی، در این است که آلوده به گناه و معصیت نگردد. منبع آن خداوند متعال است. وظیفه همسران در طول نقش یگانه خداوند یکتاست. همسران نیز به اندازه خود و در طول خواست الهی، وظیفه ای دارند که باید انجام دهند تا چرخه صمیمیت، تکامل یابد. رعایت حقوق خانواده نیز از آنجا که مسئولیت خانوادگی همسران را نشان می دهد، اهمیت بسیاری در پایداری و رضایت دارد. در ادامه به این مسئله که تعامل مثبت و سازنده، عامل تحقق راهبرد است، پرداخته شده است. چگونگی تعامل همسران با یکدیگر، نقش مهمی در تحقق مودت و رحمت دارد که از آن به حسن معاشرت یاد شده است. تعامل مثبت و سازنده، عامل بنیادین در تأمین مودت و رحمت بوده و از توانمندی های اساسی به شمار می رود که مولفه های این تعامل مثبت و سازنده؛ خوش اخلاقی، واکنش مناسب به خوبی و بدی همسر، الگوی تعامل مثبت با همسر - خانواده، واکنش مناسب در موقعیت «حضور - غیبت»، ارضای جنسی، شادی و نشاط در خانواده، سازگاری و مدارای همسران، الگوی مناسب اقتصاد خانواده، کمک به همسر، معناداری زندگی زناشویی است که به صورت گسترده به آنان پرداخته شده است.

از یافته های مهم این کتاب، آن است که همه ی آموزه های خانوادگی اسلام، بر محور پایداری و رضایت زناشویی استوار است.

معرفی نرم افزار خانواده موفق

سکینه امیری^۱



خانواده نهادی است که اولین هسته زندگی بشر را تشکیل می‌دهد و به عنوان واحدی مستقل دارای نظام، ارکان و وظایفی است. هماهنگی ارکان و وظایف موجود در خانواده موجب می‌شود تا این نهاد اجتماعی همانند سایر نهادها دارای ویژگی‌هایی شود که سبب برجستگی و موفقیت آن خواهد شد. بخش معرفی نرم افزار در صدد آن است تا به شناسایی لوحی

بپردازد که ویژگی‌های خانواده موفق را از نگاه بزرگان و مباحث دینی و مذهبی بررسی کرده است.

نرم افزار خانواده موفق با هدف تحکیم بنیان خانواده و ارتقای سطح کارآمدی و اثربخشی نقش تربیتی آن در چارچوب آموزه‌های نورانی اسلام، در دفتر امور خانواده معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه طرح‌ریزی شده و با بهره‌گیری از کارشناسان و اساتید متخصص حوزوی و

۱. طلبه سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء (ع.ا.ه)

دانشگاهی در موضوعات متنوع تربیتی - آموزشی تهیه و ارائه گردیده است.

این نرم افزار در دو لوح تهیه شده است. لوح اول شامل موضوعات: «خانواده و دانش افزایی دینی، خانواده و اخلاق زندگی، خانواده و مهارت های ارتباطی، خانواده و شناخت تفاوت های زن و مرد» است که هر کدام از این موضوعات به بررسی موضوعات جزئی تر پرداخته و مجموعاً از ۲۸ ریز موضوع تشکیل شده است.

نمونه ای از موضوعات جزئی: همسران شایسته، اخلاق خانوادگی، الگوپذیری بانوان از حضرت حضرت زهرا علیها السلام، عوامل موفقیت در زندگی حسن معاشرت، ارتباط کلامی در روابط همسران، ارتباط غیر کلامی در روابط همسران، مدیریت ارتباطات خویشاوندی، مدیریت روابط با خانواده های زوجین، نقش مهارت های ارتباطی و ارتقای تفاهم و همدلی در زندگی مشترک، آشنایی با تفاوت های شناختی-عاطفی زن و مرد، بیان تفاوت های اساسی زن و مرد.

در لوح دوم این نرم افزار به موضوعات «خانواده و مهارت های مدیریتی، خانواده و ایجاد محبت و آرامش، خانواده در پرتو آموزه های مهدوی و خانواده و مهارت های فرزندپروری» پرداخته شده که هر کدام از این موضوعات در عناوین جزئی تر و حدود ۲۵ ریز موضوع است که برخی از آنها عبارت اند از: مدیریت زن در خانه، مدیریت خانوادگی، مهارت های هماهنگی مدیریت وظایف طلبگی با تکالیف خانوادگی، سازگاری همسران، راه کارهای تقویت محبت و عشق در خانواده، نقش آرامش در زندگی، راه کارهای ایجاد نشاط و شادابی در خانواده، آرامش بخشی همسران نسبت به یکدیگر، تغذیه و سلامت خانواده ها، خانواده خوشبخت در پرتو زندگی مهدوی، راه کارهای پیشگیری از انحرافات اجتماعی فرزندان، مدیریت تحصیلی فرزندان.

در نرم افزار خانواده موفق استادانی چون «آیت الله یزدی، آیت الله حائری شیرازی، آیت الله کعبی، آیت الله حسینی بوشهری، آیت الله ممدوحی، آیت الله معصومی، دکتر مظاهری، دکتر باقری، خانم دکتر شریفی، حجج اسلام: دکتر دولتخواه، دکتر آذربایجانی، دکتر سالاری فر، دکتر تبرایی، دکتر کرمی، دکتر حسین خانی، دکتر هادی، دکتر آفاتهرانی، دکتر جلالی، دکتر مهکام، دکتر صفورایی، آقای تراشیون، آقای عباسی، آقای همتیان، آقای مقدمی، آقای عبداللهی، آقای شهامت، آقای فرخ فال و آقای زینتی» به بحث و بررسی راجع به خانواده موفق پرداخته اند.

قطعه های گزینشی از محتوای نرم افزار: «باید مرد به عنوان یک ملک و زن به عنوان یک ملکه

در خانواده نقش‌های خود را بشناسند.»؛ «هنر زندگی، شناخت است و هنر زن شناخت مرد و به دست آوردن خصوصیات مرد و همکاری با روحیه همسرش است.»؛ «کلید و رمز موفقیت در زندگی، احترام متقابل است. راه ورود شیطان در زندگی شکستن مرز احترام است.»؛ «وقتی زن همسرش را سرزنش می‌کند، میدان استقرار عقل مرد را آسیب‌زا کرده است، به اندیشه تعقل‌گرای مرد آسیب می‌زند.»؛ «زن باید توقعات خودش را با همسرش تفکیک کند. اگر چنین تفکیکی صورت نگیرد؛ زن در هاله‌ای از ترس یا تخیل به سر می‌برد، ترس از اینکه همسرش او را دوست نداشته باشد، ترس از اینکه همسرش کس دیگری را دوست داشته باشد.»

بنابر نکات مطرح شده، خانواده موفق، خانواده‌ای است که نقش و جایگاه زنان و مردان در آن به خوبی روشن و مشخص باشد به این صورت که هر یک از افراد به دیگری با دیده احترام بنگرد و از وظایف متقابل به خوبی آگاه باشد. گفتنی است که ویژگی‌های بسیار زیادی در یک خانواده موفق وجود دارد که با دیدن این لوح، اطلاعات بیشتری جهت ارتقا سطح مخاطب و سطح جایگاه خانواده به بیننده خواهد داد.

معرفی انجمن علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت

انجمن علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی با هدف تعمیق و توسعه مباحث علوم تربیتی، نوآوری، تقویت و گسترش روحیه نظریه‌پردازی در حوزه تعلیم و تربیت، بهره‌گیری از اساتید و متخصصین رشته مربوطه و مدیریت علمی پژوهش‌ها و ظرفیت‌های تخصصی موجود، در مباحث مربوط به علوم تربیتی در دی ماه سال ۱۳۹۴ تشکیل شد.

این انجمن علمی - پژوهشی در عرصه‌های مختلف تربیتی و روانشناختی به فعالیت‌هایی چون؛ برگزاری کارگاه‌ها، نشست‌ها، بازدید علمی و تعامل با مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی اقدام کرده است.

از جمله این فعالیت‌ها:

نشست «آسیب‌شناسی ساختار خانواده مذهبی»، در این نشست ساختارهای خانواده‌های مذهبی، نحوه تشکیل آنها، آسیب‌شناسی این تحولات و نیز نمود آن در مجموعه جامعه الزهراء (ع) مورد بررسی قرار گرفت.

برگزاری کارگاه‌های مختلفی از جمله:

«منبع‌شناسی دیجیتال»، «کارگاه روش تحقیق میدانی (مقدماتی)»، «کارگاه روش تحقیق

میدانی (بیشرفته)»، «کارگاه آموزش مقاله‌نویسی پژوهشی با روش میدانی»، «کارگاه مقاله‌نویسی علمی با همکاری مرکز تخصصی تعلیم و تربیت»، برگزار کرده و بازدیدهایی از مراکز ذیل صورت گرفته است:

۱. مرکز مشاوره «مأوا»

دستاورد این بازدید دعوت به همکاری از طلاب فعال پژوهشی در مجله خانه خوبان، امکان دسترسی به کتب و جزوات و نشریات تخصصی برای طلاب، تخفیف ویژه جهت عضویت در کتابخانه مرکز مشاوره مأوا و امکان شرکت در کارگاه‌های برگزار شده از سوی آن مرکز و جذب مشاور از میان خواهران شرکت‌کننده در کارگاه‌هاست.

۲. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دستاورد این بازدید آشنایی با نحوه ساختار بندی برنامه‌ها و دستاوردهای پژوهشی آن مرکز و بهره‌مندی از بیانات معاونت پژوهش رشته تعلیم و تربیت آن مرکز، بود.

برنامه‌های آتی انجمن تعلیم و تربیت

- فراخوان جذب مقالات در زمینه کودک؛
- استفاده از طرح‌های ارائه شده از جانب طلاب تعلیم و تربیت جامعه الزهراء (ع) در برنامه‌های پژوهشی انجمن؛
- پذیرش ارائه تلخیص کتاب‌های تربیتی در زمینه کودک؛
- پذیرش طلاب داوطلب جهت تدوین سرفصل گام‌های پژوهشی ۲؛
- هم‌اندیشی با انجمن‌ها و پژوهشگاه‌های دیگر حوزه و دانشگاه‌ها.